



این تابلو، به نام Persian Café (قهوه خانه ایرانی)، توسط نقاش آمریکایی Edwin Lord Weeks در سال ۱۸۸۰ میلادی کشیده شده است. محل قهوه خانه: اصفهان، جلو مدرسه چهارباغ (مدرسه سلطانی). (اصل تابلو در موزه نقاشی کانتی لس آنجلس نگهداری می شود.)

**Global Rug Specialist**  
Handwash-Repair-Sell  
(650)965-7847  
(408)892-7847  
825 W. El Camino Real, Mountain View

**Selahi Insurance Agency**  
با همکاری معتبرترین شرکت های بیمه  
Uber drivers now have insurance options!  
+سلامتی +مسکن +اتومبیل، قایق و موتورسیکلت  
+محل کسب و از کار افتادگی +عمر و هزینه فوت  
ما با زبان های فارسی و آشوری شما را می توانیم راهنمایی کنیم  
**(408) 931-6434**  
4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA  
سحر سلاحي  
Lic:0G47139



# دفتر حقوقی میهن

Iranian Legal Services

## Mihan Law Group

### با همکاری کارشناسان حقوقی و وکلای دادگستری در ایران

#### با مدیریت آقای کاشی



خانم باقری

وکیل پایه یک دادگستری  
کارشناس ارشد حقوق جزاء



امیر کیا

وکیل پایه یک دادگستری  
در ایران و امور بین المللی



علیرضا کاشی

کارشناس املاک در ایران



مایکل اپستین

وکیل مهاجرت



ندا نهاوندی

وکیل دادگستری در ایران  
فوق لیسانس حقوق از آمریکا

- ♦ *Accepting Advocacy & Arbitration in Iran*
- ♦ *Immigration Services with Immigration attorney*
- ♦ *Inheritance & Probate of Will*
- ♦ *Real Estate counseling & property in Iran*
- ♦ *Marriage & Divorce*
- ♦ *Issuing or renewal passport & Birth certificate*
- ♦ *Consulting about retirement pension in Iran*
- ♦ *Drawing up power of Attorney & contract*
- ♦ *Translation*
- ♦ *Drawing up any forms of contract (Iran & US)*

- ♦ انجام کلیه امور حقوقی و اداری در ایران از هر نقطه آمریکا
- ♦ انجام کلیه امور مهاجرت به آمریکا با وکلای اداره مهاجرت این دفتر
- ♦ انجام انحصار وراثت، تقسیم و دریافت ارث و امور مربوط به آن
- ♦ استرداد املاک توقیف شده و یا تصرف شده توسط اشخاص
- ♦ انجام کلیه امور مربوط به طلاق، مهریه در ایران و آمریکا
- ♦ دریافت شناسنامه و کارت ملی فوری از ایران و دریافت پاسپورت
- ♦ برقراری حقوق بازنشستگی و حقوق معوقه
- ♦ تهیه و تنظیم کلیه وکالتنامه ها، متون حقوقی و وصیتنامه و قرارداده
- ♦ ترجمه و تأیید کلیه متون به هر زبانی
- ♦ تنظیم هر گونه قرارداد حقوقی طبق قوانین دو کشور (ایران و آمریکا)

پاسخگوی کلیه سؤالات حقوقی و قانونی شما در ایران و امور مهاجرت آمریکا می باشیم!

[www.mihancompany.com](http://www.mihancompany.com)

ما با دو دفتر در شمال و جنوب کالیفرنیا و با تجربه کافی، دقت و پشتکار، شما را یاری می دهیم

دفتر شمال کالیفرنیا

دفتر جنوب کالیفرنیا

(408) 249-9827 \* (877) 644-2607 \* (310) 967-7755

940 Saratoga Ave., Suite #260. San Jose, CA 95129



# پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ آسیب از حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ  
Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

**(916)442-9999**

980 9th Street, 16th Floor  
Sacramento, CA 95814

**(408)777-8867**

2880 Zanker Road, Suite 203  
San Jose, CA 95134

**(925)777-0432**

425 Market Street, Suite 200  
San Francisco, CA 94105

## قربانیان خودکشی در ایران

فیروزه رمضانزاده

تابستان پنج سال پیش، علی امیر خانزاده، کارگر ۴۳ ساله ارومیه ای، وقتی فهمید بالاخره نامش را در فهرست کارگران تبدیل نیروی کارخانه قرار داده‌اند، همسر و فرزندش را به سفر فرستاد طنابی تهیه کرد و در حیاط خانه خود را حلق آویز کرد. پایان تلخ زندگی او مانند حمید فرخی دیبج ملک و یونس عساکره دو دستفروش تبریزی و خرمشهری که در اعتراض به جمع‌آوری بساطشان از سوی مأموران شهرداری دست به خودسوزی زده بودند، رسانه ای نشد.

آن روزها رسانه‌ها کمتر به قربانیانی چون علی امیر خانزاده توجه داشتند، شبکه‌های اجتماعی مجازی هم جانی نداشتند. مریم یکی از بستگان علی امیرخانزاده به ایران

همواره از اوضاع بد روحی و مالی خود شکایت می‌کرد و می‌گفت زن و بچه من بدون رزق و روزی چه کنند؟ به گفته روزبه کردونی، مدیرکل دفتر آسب های اجتماعی وزارت رفاه، "آمار پزشکی قانونی کشور نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱، بیش از ۳۰ هزار نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست



داده‌اند." این آمار رسمی نشان می‌دهد که در طول یک دوره ده ساله، روزانه بیش از هفت نفر خودکشی موفق داشته‌اند.

انتظار می‌رود در طول سال‌های اخیر، این روند رشد کرده باشد، هر چند حتی اگر این رقم را در نظر بگیریم، اکنون شاهد یک ثبت یک لشکر حدوداً ۴۰ هزار نفره از قربانیان از سال ۸۰ تاکنون هستیم.

مرور خبرهای رسانه‌ها به خوبی نشان می‌دهد که اخبار مربوط به خودکشی‌ها، به یک خبر معمولی و روزمره تبدیل شده است. در روزهای پایانی فروردین ماه سال جاری

زنی ۲۵ ساله پس از ورود قطار به ایستگاه متروی امام علی خود را جلوی قطار پرتاب کرد. چند روز بعد در سوم اردیبهشت ماه،

وایر می‌گوید: «علی، چند سال کارگر کارخانه آذرشهر ارومیه بود اما در تابستان ۱۳۸۹ به دلیل تبدیل نیروی کارخانه اخراج شد. این وضعیت آنچنان شرایط روحی برای او ایجاد کرد که تصمیم گرفت خودکشی کند.»

او علی امیرخانزاده را فردی ساده و بی‌حاشیه معرفی می‌کند: «علی با اینکه تحصیلات زیردیپلم داشت ولی مردی خانواده دوست بود، لب به سیگار و مشروب نمی‌زد، سال‌ها با حقوق کارگری زندگی کرد و موفق شد خانه محقری برای خانواده خود دست و پا کند اما افسردگی ناشی از بیکاری بالاخره او را از پا درآورد.»

به گفته مریم، علی امیرخانزاده پس از بیکارشدن و بروز گرفتاری‌های مالی

صفحه ۱	تبلیغ
صفحه ۲	اخبار-فهرست مطالب
صفحه ۳	اخبار
صفحه ۴	اخبار
صفحه ۵	اخلاق در ایران باستان (دکتر بهرام فره‌وشی)
صفحه ۶	نظری بر نظرها (ایرج پارسی نژاد)
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	با هادی خرسندی
صفحه ۱۰	اخبار
صفحه ۱۱	زمانی که طلاق و فوت... (کاملیا محمودی)-اخبار
صفحه ۱۲	فره وهر (هما گرامی-فره وشی)
صفحه ۱۳	اخبار
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	خاطرات در گذر زمان (هوشمند عقیلی)
صفحه ۱۶	اصفهان بلوز (سعید شفا)
صفحه ۱۷	نوشخند، پوزخند، لیخند و زهرخند (عزت گودرزی)
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰	یادداشتی بی تاریخ (صدرالدین الهی)-حکایت
صفحه ۲۱	تبلیغ
صفحه ۲۲	از درگوشی‌ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	کمپانی والت دیزنی (فرسیا اعتمادزاده)
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)
صفحه ۲۵	اخبار
صفحه ۲۶	تازه‌های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۷	تصویرات اشتباه... (کامران علیشاهی)
صفحه ۲۸	انرژی مثبت... (پریناز کدخدایان)
صفحه ۲۹	اخبار
صفحه ۳۰	گزارش در مورد ناقص سازی جنسی زنان در ایران
صفحه ۳۱	مولوی و عشق (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	التقاط چیست؟ التقاطی کیست؟ (بهرام گرامی)
صفحه ۳۳	اخبار
صفحه ۳۴	تقویم برنامه‌های هنری - جدول
صفحه ۳۵	نیازمندیها - فال ستارگان
صفحه ۳۶	داستان (ناهدی کشاورز)
صفحه ۳۷	خیلی قدیم‌های تهران (عباس پناهی)
صفحه ۳۸	اخبار
صفحه ۳۹	گل نم (شیدوش باستانی)
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	تبلیغ
صفحه ۴۲	کار می‌خواهی، بچه دار نشو. (نعیمه دوستدار)
صفحه ۴۳	تبلیغ
صفحه ۴۴	دنباله مطلب
صفحه ۴۵	دنباله مطلب
صفحه ۴۶	دنباله مطلب
صفحه ۴۷	دنباله مطلب
صفحه ۴۸	دنباله مطلب
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	انگلیسی
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی

زنی ۴۸ ساله و مجرد از طبقه چهارم برج میلاد، خود را به پایین پرتاب کرد. پنج روز بعد، علی اکبری، کارگر خدماتی ۴۵ ساله شرکت دارو پخش با داشتن ۴ فرزند، پس از آنکه درباره دریافت وام با یکی از مدیران امور مالی دارو پخش گفتگو کرد دست به خودکشی زد. چهارده اردیبهشت ماه، مهدی مزروعی سیدانی، دانشجوی ترم هشت دانشکده فنی دانشگاه تهران با پریدن از روی پل مدیریت تهران دست به خودکشی زد، صبح همان روز نیز زن جوانی از اتباع افغانستان خود را از بالای پل استقلال شهر مشهد به پایین پرت کرد. بامداد پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه یکی از دختران دانشجوی دانشگاه محقق اردبیلی از اهالی شهرستان خلخال، پس از فرستادن پیام خداحافظی از تلفن همراه خود به خانواده‌اش با مصرف قرص برنج به زندگی خود پایان داد. عصر همان روز، خودکشی مردی ۳۵ ساله در ایستگاه مترو منبریه تهران به نقل از مدیر روابط عمومی اورژانس تهران منتشر شد. همان روز، رسانه‌ها نوشتند که سجاد سلیمی، جوان ۲۴ ساله اهل داران، مرکز شهرستان فریدن با حلق آویز کردن خود از درختی در حاشیه خیابان به زندگی خود پایان داده است.

تحلیل اجمالی خبر یک نکته را به وضوح نشان می‌دهد، از همه قشری در میان افرادی که خودکشی کرده‌اند، هستند، دانشجو، مهاجر، کارگر، جوان، پیر، مرد، زن. **دنباله مطلب در صفحه ۴۷**



### در خواست اشتراک نشریه پژواک

(408)221-8624

PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست

در آمریکا: یکساله ۷۰ دلار

برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

### ماهنامه پژواک صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر (از سال ۲۰۰۶): افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۸۶۲۴-۲۲۱۱ (۴۰۸)

شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳۳ (۴۰۸)

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,  
SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak of Persia has been compiled as carefully as possible and cannot guarantee the correctness of all information that has been gathered and contained herein and does not accept any responsibility for any errors and omissions.



## «ترک تحصیل ۶۷ هزار کودک در مقطع ابتدایی»

معاون آموزشی نهضت سوادآموزی ایران می‌گوید در سال گذشته ۶۷ هزار دانش‌آموز تنها در مقطع ابتدایی ترک تحصیل کرده‌اند.

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، محمد مهدی‌زاده، معاون آموزشی نهضت سوادآموزی ضمن بیان این خبر گفت: «استان سیستان و بلوچستان ۲۰ درصد از این آمار ۶۷ هزار نفری را به خود اختصاص داده است که عمده‌ترین آن به علت کم‌سواد و بی‌سواد اولیاء دانش‌آموزان این منطقه است.»

به‌گفته مهدی‌زاده ۹ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بی‌سواد در ایران وجود دارد که ۱۴۳ هزار نفر از آنها کودکان بین ۶ تا ۱۸ سال هستند که در بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۹۴ در هیچ مدرسه‌ای ثبت نام نکرده‌اند. ورود زودهنگام به بازار کار، عدم برخورداری از فضای کافی آموزشی برای تحصیل، قدیمی بودن مدارس، عدم وجود امکانات بهداشتی، عدم وجود مدارس کافی در محیط‌های روستایی و دوربودن مدارس از محل سکونت دانش‌آموزان، از جمله دلایل عدم تحصیل و یا ترک تحصیل دانش‌آموزان در ایران عنوان می‌شوند. تیرماه سال گذشته مرکز آمار ایران اعلام کرده بود که استان سیستان و بلوچستان با ۲۲.۳ درصد بی‌سواد دوم قرار دارد. همچنین ۱۹.۵۶ درصد از جمعیت استان لرستان نیز فاقد سواد هستند و استان اردبیل با ۱۹.۲۳ درصد رتبه چهارم نرخ بی‌سواد در ایران را دارد.

در دی‌ماه سال گذشته علی باقرزاده، رئیس سازمان نهضت سوادآموزی ایران اعلام کرد که میزان بی‌سواد در سیستان و بلوچستان ۷/۲۲ درصد است. او گفت پس از سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، کردستان، لرستان، کرمان و خراسان شمالی به ترتیب بالاترین درصد بی‌سواد را دارند. به‌گفته محمد مهدی‌زاده، معاون آموزشی نهضت سوادآموزی ۳.۵ میلیون بی‌سواد زیر ۵۰ سال در ایران وجود دارد. پیش از این، رئیس سازمان نهضت سوادآموزی ایران گفته بود استان مازندران با ۷/۹۵ درصد باسوادی، بیشترین میزان باسوادی در کشور را دارد.

## آتنا فرقدانی به ۱۲ سال و ۹ ماه حبس محکوم شد

وکیل آتنا فرقدانی، نقاش و فعال مدنی زندانی به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت موکلش از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب با سه اتهام به ۱۲ سال و ۹ ماه حبس محکوم شده است که اگر در دادگاه تجدید نظر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی اعمال شود این حکم به هفت سال و نیم حبس کاهش خواهد یافت. اتهامات آتنا فرقدانی به اشتراک گذاشتن کاریکاتوری از نمایندگان مجلس، نوشته‌های انتقادی در صفحه فیسبوک، ملاقات با خانواده‌های زندانیان سیاسی و کشته شدن کهریزک است.

وکیل آتنا فرقدانی، نقاش و فعال مدنی زندانی به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت موکلش از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب با سه اتهام به ۱۲ سال و ۹ ماه در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب با سه اتهام محکوم شد و در تاریخ ۱۱ خرداد ماه حکم ابلاغ شد. براساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی جدید اگر چه قاضی برای هر یک از جرایم مجازات مستقلی را صادر می‌کند اما در مرحله اجرا فقط مجازات اشد یعنی مجازاتی که از بقیه شدیدتر است باید اجرا شود و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا غیر قابل اجرا شود مجازات اشد بعدی اجرا خواهد شد.

مقامی ادامه داد: «مجموع مجازات‌های موکل بر اساس سه اتهام ۱۲ سال و ۹ ماه حبس است اما با در نظر گرفتن ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی فقط به بیشترین دوران مجازات که در این کیس هفت سال و نیم حبس برای اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی است، محکوم شده است.» از جمله مستندات اتهامات آتنا فرقدانی به اشتراک گذاشتن کاریکاتوری از نمایندگان مجلس در صفحه فیسبوک است که آنها را به شکل حیوان تصویر کرده است.

همچنین نوشته‌های انتقادی دیگر خانم فرقدانی در صفحه فیسبوک، ملاقات با خانواده‌های زندانیان سیاسی و کشته شدن کهریزک است.

ماه حبس محکوم شده است که اگر در دادگاه تجدید نظر ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی اعمال شود این حکم به هفت سال و نیم حبس کاهش خواهد یافت. محمد مقیمی، وکیل خانم فرقدانی با اظهار تاسف از این حکم به کمپین گفت: «حکم به من و خودش در زندان امروز (۱۱ خردادماه) ابلاغ شد. ما ۲۰ روز وقت داریم که تقاضای تجدید نظر بدهیم و امیدواریم که حکم در دادگاه تجدید نظر شکسته شود.»

اتهامات آتنا فرقدانی اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و توهین به رهبری، رییس جمهور، توهین به نمایندگان مجلس و توهین به مأموران بند ۲- الف سپاه در حین بازجویی‌هایش است.

خانم فرقدانی پس از گذشت ۵ ماه بازداشت در زندان قرچک و اوین، روز ۲۹ اردیبهشت



### FINE HOMES REALTY



Mohamad Harandi

### محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی  
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه



Realtor & Mortgage Specialist  
for San Jose & Bay Area

از موقعیت استثنایی پائین بودن نرخ بهره  
و وام‌های بدون کارمزد استفاده نمائید

سال‌ها تجربه، قابل اعتماد و شناخته شده

(408) 605-1138

moeharandi@yahoo.com

DRE#01183647 ♦ NMLS#332989



4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

### AAA Multi-policy Discount

You could save when you bundle your Auto, Home or Life policies. Get a Quote today.



Foruz Yassini

AAA Montclair  
2220 Mountain Blvd., Suite 120  
Oakland, CA | 94611  
License #: 0G19594

AAA can help make sure you have the right amount of coverage to protect you, your property and your love ones. Combine your policies and discover the value of personal service.

فروز یاسینی مشاور بیمه

Call or visit me today.

(510) 336-7120 Foruz.Yassini@goAAA.com

شرکت معتبر بیمه AAA می‌تواند شما و عزیزانتان را با بهترین بیمه، سرویس دوستانه و با ارزانترین قیمت حفاظت کند.

Insurance products offered through AAA Northern California Insurance Agency License #0175968 and CSA Life Insurance Agency License #0D12130. Insurance Provided by CSA Insurance Group & AAA Insurance Life Insurance underwritten by our affiliate, AAA Life Insurance Company Livonia, MI. Discount provided by AAA Life is licensed in all states except NY. CSA Life Insurance Agency License #0D12130 (ALCS-21618-913XX). Discounts vary by state. Not all discounts are available in every state and are subject to eligibility requirements. Ask your AAA Insurance Agent for details. © 2015 AAA Northern California, Nevada & Utah. All rights reserved.

## اعتیاد، بزرگترین گرفتاری کارگران ایران بعد از نان

بهرنگ زندگی

در ایران از هر سه نفر شاغل، یک نفر اعتیاد دارد.

این گفته حمیدرضا طاهری، مدرس مرکز ملی اعتیاد ایران است. این آمار توسط نهادهای دولتی نیز تایید شده است و به این ترتیب و به عبارت دیگر، یک چهارم کارگران در ایران معتاد هستند.

و مواد مخدر در میان رجال و بزرگان برای تسکین دردها رواج داشت اما با کشت وسیع خشخاش قبل از مشروطیت، محصول تریاک ایران در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی، به ۱۲ میلیون کیلو رسید.



با پیروزی انقلاب و با وجود قوانین سختگیرانه قضایی در مورد مصرف و توزیع مواد مخدر، سهم ایران از مصرف این مواد در سطح جهان نه تنها کاهش نیافت بلکه نسبت به دوران قبل از انقلاب به برای معتادان کارت مصرف در نظر گرفته شده بود، افزایش هم پیدا کرد. در سال ۱۳۸۰ بیش از ۵۲ درصد کشفیات مواد مخدر مربوط به ایران بود که به عنوان انبار ۷۶ درصد تریاک، ۱۹ درصد هرویین و مرفین و پنج درصد حشیش جهان معرفی شد. عباس صلاحی، عضو هیات ریسه کمیسیون اجتماعی مجلس در گفتگو با خبرگزاری‌های داخلی در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۹۳، در مقابل این پرسش خبرنگاران که آیا مصرف مواد مخدر در میان دانش‌آموزان شیوع پیدا کرده است، گفت: «در کاهش سن اعتیاد و افزایش تمایل قشر جوان و نوجوان به مصرف مواد مخدر آن هم از نوع صنعتی شکی نیست.» گزارش‌های مختلفی هم در مورد شیوع اعتیاد در بین زنان و کودکان منتشر شده

به گفته این مدرس مرکز اعتیاد، در کشورهای که آمار اعتیاد بالاست از هر ۱۰ کارگر فقط یک کارگر دچار سوء مصرف مواد مخدر است. چه عواملی گرایش کارگران را به اعتیاد تشدید می‌کند و چرا این آمار در ایران نسبت به سایر کشورها بالاست؟

حالا شیوع سوء مصرف مواد مخدر در بین کارگران، بر معضلات آن‌ها از جمله بیکاری، دستمزد پایین، قراردادهای سفید امضا و موقت و عدم وجود امنیت شغلی اضافه شده است.

اعتیاد در ایران، از گذشته تا امروز

پیشینه مصرف مواد مخدر در ایران طولانی است. بر اساس پژوهشی که مهدی اختر محقق، در کتاب جامعه‌شناسی اعتیاد ارائه کرده است، در گذشته مصرف تریاک

آن دوران نیاز به نیروی کار مستمر و در دسترس سبب می‌شد که تعداد قابل توجهی از افراد برای بالارفتن کارآیی‌شان به مصرف مواد مخدر روی بیاورند؛ هرچند این کارآیی کوتاه‌مدت بود. در دورانی که جامعه در رکود اقتصادی باشد هم فقر و شرایط بد اقتصادی و روانی بر افزایش مصرف مواد مخدر موثرند.»

ابراهیم، ۲۷ سال دارد و کارگر معدن است. او ازدواج کرده و ۲ فرزند دارد. از ۱۹ سالگی در اعماق زمین، زغال سنگ استخراج می‌کند. ابراهیم روزانه ۱۲ ساعت در معدن کار می‌کند و در پایان ماه حقوق کمی دریافت می‌کند، حقوقی که به گفته خودش با تاخیر چند ماهه پرداخت می‌شود.

ابراهیم از ۲۲ سالگی مواد مخدر صنعتی مصرف می‌کند و ادعا می‌کند که مصرف این مواد توان روحی‌اش را برای تحمل شرایط سخت کار در معدن بالا می‌برد. او در پاسخ به این سوال که چرا با آغاز کار در معدن شروع به مصرف مواد مخدر کرده است، می‌گوید: «شما تاکنون به معدن زغال سنگ آمده‌اید؟ تا به حال این تجربه را داشته‌اید که ساعت‌ها در عمق چند صد متری زمین به سر بپرید؟ این زندگی من از ۱۹ سالگی است و شما نمی‌توانید از من بپرسید چرا معتاد شده‌ام.»

دنباله مطلب در صفحه ۴۸

است که از آمار بالای اعتیاد در میان قشرهای مختلف اجتماعی و رده‌های سنی و جنسیتی حکایت دارد. اگر چه انگیزه‌ها در گرایش به مصرف مواد مخدر ممکن است از فردی به فرد دیگر متفاوت باشد، اما شیوع گسترده آن در یک طبقه یا قشر اجتماعی خاص، ریشه‌ها را از انگیزه‌های فردی فراتر می‌برد.

آمارهای ارائه شده از طرف ستاد مبارزه با مواد مخدر در ایران حاکی از آن است که حدود دو میلیون معتاد در ایران وجود دارد که از این لحاظ، ایران در رده بالای جدول کشورهای مصرف‌کننده مواد مخدر قرار می‌گیرد. کارگران حدود ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت معتاد در ایران را تشکیل می‌دهند. مرگ‌های ناشی از مصرف مواد مخدر دومین علت مرگ بعد از تصادفات در ایران است. به گفته وزیر کشور در خرداد ماه ۱۳۹۳ روزانه ۹ نفر در ایران جان خود را به خاطر مواد مخدر از دست داده‌اند.

شرایط دشوار کار و گرایش

بیشتر به مصرف مواد مخدر

علی شفیعی، عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران به سایت فرارو گفته است: «رکود اقتصادی و رونق اقتصادی هر دو می‌توانند در مصرف مواد مخدر موثر باشند. در دورانی، جامعه ما در حال طی کردن دورانی از رشد شتابان اقتصادی بود. در

دفتر حسابداری و امور مالیاتی بهنام

Accounting & Tax Services



✓ Integrity ✓ Respect  
✓ Commitment ✓ Expertise  
Advisor You Can Count On!

با داشتن ۲۸ سال تجربه کلیه امور حسابداری و مالیاتی شما را به بهترین وجه انجام می‌دهیم

Mitra Forozesh Behnam, MBA, RTRP, CRTP

- ♦ حسابداری و حسابرسی
- ♦ برنامه ریزی مالیاتی
- ♦ مالیات بر درآمد
- ♦ کلیه امور حسابداری
- ♦ Accounting & Auditing
- ♦ Tax Consulting
- ♦ Tax Preparation
- ♦ Auditing Process, IRS, FTB, BOE, EDD

Work: (209)835-9655 (408)440-9622

Cell: (209)740-2764 Fax: (209)740-2764

www.behnamaccounting.com ♦ behnamaccounting@yahoo.com

504 W 11th Street, Tracy, CA 95376

## دکتر تینا نافی

کایروپراکتور

معالجه تصادفات رانندگی، کاری و ورزشی

We take the time. We listen.  
We partner with our patient.



معالجه دردهای عضلانی و ناراحتی‌های مفاصل و استخوان، تصادفات رانندگی و صدمات کاری با پیشرفته ترین وسایل پزشکی، دستگاههای ورزشی و فیزیوتراپی

www.drnafei.com

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود!

Tel: (510) 791-6332 ♦ Fax: (510) 791-1923

1860 Mowry Ave. Suite 201, Fremont, CA 94538



عدم توانائی از نظر نداشتن قدرت نیست، بلکه فقط از این نظر است که خیر محض نباید بنا بودی چیزی بپردازد، زیرا تصور ناپود کردن، خود جزو تصورات اهریمنی است. بنابراین فیلسوف ایرانی برای از بین بردن اهریمن راه دیگری را بر می گزند و بطور «اکار» عمل می کند یعنی کوشش می کند تا موجودات خوب زیاد شوند تا خوبی بر بدی بچرید و بدی بخودی خود از میان برود. انسان مرکز جدال «اکار» مزدا و نزاع «کارا»ی اهریمن است.

بنابراین دنیا محل کشمکش عوامل ایزدی و اهریمنی یا خوبی و بدی است و انسان نیز مابه النزاع است، بهر سوی که برده شود پیروزی با آن طرف است. وظیفه انسان در این کشمکش آنست که عوامل ایزدی را در خود بپذیرد و در اصطلاح دینی «انهارا در تن خود مهمان کند» و همین کافی است که عوامل بدی را از تن بگریزند.

نیکی چون از عوامل مزدائی است دارای همان صفت برتری ازلی است که اهورا بر اهریمن دارد. از این رو اگر نیکی وارد تن شود، بدی مقاومت نخواهد کرد و چون همه مردم جهان در طول قرون پر از نیکی شوند، دیگر جایی برای بدی نمی ماند و سرانجام بدی نابود می گردد و اهریمن شکست می خورد و باصطلاح «افسرت» و «اکار» akar می شود و ناتوان می گردد.

ناگفته خود پیداست که مردمی باچنان معتقدات عالی اخلاقی، چه نیک سرشت و شریف و والا بودند. اینان در زندگی روزانه بهرکاری که دست می یازیدند در اندیشه آن بودند که مبادا به کار یا اندیشه یا گفتاری بپردازند که در آن پیروزی اهریمن نهفته باشد. تاثیر این نوع فکر در ادبیات ملت ایران نیز تجلی کرد و در میان انواع مختلف نوشته های ادبی، عالی ترین نوع ادبیات اخلاقی را بوجود آورد.

بسیاری از فرشتگان و دیوان که امروز آنها را در اساطیر ایرانی بصورت پیروان یزدان یا اهریمن می بینیم بطور مسلم پدید آمده تصورات کلی از خوبی ها و بدی ها است. این تصورات که در ابتدا صفات اخلاقی بوده اند در نظر توده مردم از فرط انتساب تاثیرات گوناگون بآنها، جنبه خلاقیت گرفته، سپس تشخیص یافته بصورت فرشتگان یا یاران اهریمن در آمده اند. از این قبیل اند امشاسپندان و ایزدانی چون وهومنه Vohumanah (بهمن) که در اصل به معنی اندیشه نیک است، اندیشه نیکی که از خود اهورامزدا ساطع می گردد و سپس شخصیت می یابد و بصورت یکی از فرشتگان مقرب درگاه اهورا در می آید یا امشاسپند اردیبهشت arta-vahista که در اصل به معنی بهترین پارسائی یا بهترین سامان جهانی است، یا سپندارمذ فرشته زمین که در اصل Spanta armaiti بمعنی فروتنی است و صفات خشم و آز و غیره نیز که جزو یاران اهریمن اند صفات بد خود او هستند.

ملتی که طرز اندیشه اش از خوبی ها و بدی ها چنین است، خواه و ناخواه میل دارد مزدائی را بپرستد که خیر محض است و مظهر خوبی هاست. یک مزدا پرست نمی تواند مزدا را خالق شر هم بداند. از اینرو مذهب زروانیه را بوجود می آورد تا خالق خیر و خالق شر را دو همزاد پدید آمده از زروان بداند و یا سعی می کند به نحوی اهریمن را در عین اینکه از گوهر مینوی است از مزدا جدا سازد و با کوششی که برای این کار می کند ثبوتی بوجود می آورد که اصل آن وحدت است.

از نظر یک مزدا پرست، خیر محض با آنکه دارای نیروی برتر و لایزال است و نسبت باهریمن چیرگی مقدری دارد، اما اهریمن را نمی تواند از میان بردارد. این

## اخلاق در ایران باستان

نقل از کتاب «جهان فروری»

اثر زنده یاد دکتر بهرام فره وشی



گاتاهاى خود زرتشت معيار خوب بودن سه اصل هومت humat (اندیشه نیک)، هوخت huxt (گوش نیک) و هوورشت huvarst (کنش نیک) و معيار بدبودن سه اصل دوش مت dus-mat (اندیشه بد)، دوژوخت duzuxt (گوش بد) و دوش ورشت dus-varst (کردار بد) تعیین شده بود و هیچ اصل اخلاقی کامل تر از این روش اخلاقی ایران باستان نیست.

دنیا در نظر یک زرتشتی یا مزدائی عبارت است از یک تناقض بزرگ بین بدی و خوبی و همین تناقض است که شخصیت یافته و دو تصور کلی تر از خوبی و بدی پدید آورده است. اگر نخواهیم از نظر مذهبی معتقد شویم که خوبی و بدی آفریده یزدان و اهریمن هستند، از نظر فلسفی می توانیم تصور کنیم که خود اندیشه یزدان و اهریمن پدید آمده این دو گروه متضادی هستند که در روی زمین پیوسته با آنها سر و کار داریم.

نیکی و بدی و شناسائی امور نیک و بد یکی از بزرگترین و مهمترین مسائل دینی ایران قدیم بوده است. ایرانیان پیش از اسلام برای هر چیزی ضدی و نقیضی قائل بودند و برآن بودند که اگر مزدا چیزی نیک و نغز آفریده است، اهریمن نیز در برابر آن و برای معارضه با آن، چیزی بد و زشت بوجود آورده است.

در نظر آنان هر چیزی یا ایزدی است یا اهریمنی و بسیاری از امور نیز در شرایطی خاص می توانند ایزدی یا اهریمنی باشند. حتی واژه ها را نیز به ایزدی و اهریمنی بخش می کردند و کلمات ایزدی را برای بیان امور نیک و کلمات اهریمنی را برای بیان امور بد بکار می بردند. آنان می پنداشتند که دنیا پر از موجودات و حتی مفاهیم کلی نیک و بد است.

هر ایرانی دیندار می بایستی از بدی ها پرهیزد و بخوبی ها بگردد. از اینرو از زمانهای بسیار کهن، یعنی از زمان



## کامران پورشمسی

متخصص و مشاور در امور

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

**Kamran Pourshams**  
Experienced Professional Realtor  
Residential, Commercial,  
Property Management



Proven Insights.  
Proven Results.

DRE# 01066478

♦ چگونه تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟  
♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale  
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343

Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020

Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

## Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی  
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک  
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»



Iman Lalehparvar  
MS Electrical Engineering  
UCLA Graduate

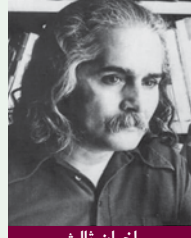
♦ Professional Tutor, one on one & group all ages  
(1st-12th grade & College) ♦ Specializing in SAT Math  
Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com

«زمستان» او را که زبان زمانه است «شعر بد و نکستی» می‌داند، چرا که از نویدی و تسلیم خیر می‌دهد، در حالی که به گمان من زیباترین و دلنشین‌ترین شعرها و غزل‌های خود سایه نیز همان‌هاست که در آنها طنین تلخی و تنهایی او را می‌شنویم. اما به هر حال سایه ستایشگر امثال سیاوش کسرایی است که تخیل او را قوی می‌داند و مهم تر این که «بر آرزوهای شریف انسانی خود ثابت‌قدم مانده است» با این همه به نظر

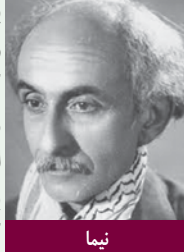
حس و حالت خود می‌نویسد: «بر درخت‌ها و آشیانه‌هایی که توفان بی‌رحم تابستانی لت و پاره‌شان کرده نوید بودن و نوید کردن نجیب‌تر و درست‌تر است از امید دروغین دادن و داشتن. چون حداقل فایده این نجابت و درستی این است



اخوان ثالث

که آدم دروغ‌ها را نخواست و نیاراسته. [۱] آنچه در اخوان و شعر او می‌بینیم صداقت و نجابت و راستی است. می‌گفت: «من روستایی‌ام نفسم پاک و راستین.» از این روست که در نقد شعر «زمین» سایه نوشت: «این خودش افتخاری است که آدم بتواند وقتی همه پرچم‌ها افتاده پرچمبانی کند، اگرچه میدان او از هر چندده‌ای پاک باشد...

بدین گونه پایداری و استواری داشتن کار بی‌دردسر و زیرکانه‌ای است. و اگر کار نه چنین بود هر صفت دیگری که می‌داشت، مثلاً



نیما

صادقانه، به یقین عاقلانه و حازمانه نبود. [۲] اما سایه صداقت اخوان را نمی‌پذیرد و شعر



خانلری

می‌رسد که امروزه دیگر چنین نقد و نظرهایی در شعر و هنر که به دور از معیارهای زیبایی‌شناسانه و صرفاً بر اساس احکام

عقیدتی استوار باشد چندان در خور اعتنا و اعتبار نباشد.

**درباره نیما و خانلری**

سایه اختلاف ادبی خانلری را با نیما ناشی از یک «مخالفت خانوادگی و شخصی» می‌داند. به گمان او «اگر خانلری می‌ایستاد و تکیه می‌کرد بر ناسالم بودن زبان نیما حق داشت، ولی این کار را نکرد» (ص ۸۸۲)، در حالی که خانلری دقیقاً چنین کرد.

دنیاله مطلب در صفحه ۵۴



**نظری بر نظرها**

ایرج پارسى نژاد

**تأملی بر نظرهای «سایه» درباره شعر و شاعران**

«بیر پرنیان‌اندیش» عنوانی است که میلاد عظیمی بر شاعر ارجمند زمانه ما امیر هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه) داده است. پیش از طرح تأملاتم بر نظرهای سایه باید از حاصل اوقات شش ساله میلاد عظیمی و همسرش عاطفه طیبه در «صحبت سایه» ستایش کنم. به راستی اگر حوصله و همت ایشان نمی‌بود چگونه این دفتر پر معنی فراهم می‌شد؟ چه کسی می‌توانست به آن همه حرف‌های پریشان نظم دهد و مهم‌تر این که گفته‌ها و سروده‌های سایه و شاعران و سخنوران دیروز و امروز را به یاد آورد، تا آن‌جا که به پراکنده‌گویی‌ها سامان بخشد؟ اما آنچه در پی می‌آید یادداشت‌هایی است که من ضمن مطالعه نظرهای سایه درباره شعر و شاعران در حاشیه مطالب کتاب ثبت کرده‌ام. ناگفته نماند که نظرها و داوری‌های من بر بنیاد ذوق و سلیقه من است، همچنان که اظهار نظرهای سایه نیز بر اساس سلیقه و عقیده اوست و در مسائل ذوقی و ادبی سلیقه آزاد است و جای هیچ شکوه و شکایتی نیست.

**درباره اخوان ثالث**

اما به راستی چنین است؟ ما می‌دانیم که اخوان در بیشتر آثار ماندگارش راوی امیدهای رفته بر باد است. او با افسوس پرشکوه از زوال یک زیبایی شریف و مظلوم و یک حقیقت تهمت‌خورده و لگدمال شده یاد می‌کند. خود شاعر با نویدی از پس کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در اشاره به این

سایه شعر اخوان ثالث را به علت نویدی بعضی مضمون‌های آن که ناشی از شکست امید بستن به نظام عقیدتی اوست بر نمی‌تابد و تصویر درخشانی در شعر او نمی‌بیند، در حالی که شعر سیاوش کسرایی را در تخیل و تصویر قوی‌تر از اخوان می‌انگارد (ص ۹۳۳).



**دکتر فرانک پورقاسمی  
متخصص و جراح پا**

- ♦ درمان بیماری‌های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ♦ درمان عفونت‌های قارچ ناخن و پوست پا ♦ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
- ♦ درمان بیماری‌های پا در کودکان ♦ صافی کف پا و صدمات ورزشی
- ♦Foot related diseases ♦Bunion, Callus, Corn ♦Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ♦Sports Medicine & Injuries ♦Heel Pain & Diabetic Foot Care ♦Ankle Arthroscopy ♦Pediatric Foot Conditions ♦Flat Feet & Orthotics ♦Skin & Nail Conditions

**Dr. Faranak Pourghasemi, DPM**

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه‌ها پذیرفته می‌شود

**National Foot & Ankle Center**

**(408)884-5851**

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

**چند اثر از آثار متعدد دکتر ایرج پارسى نژاد:**

♦A History of Literary Criticism in Iran (1866-1951)  
IBEX Publishers, U.S.A, 2002

- ♦روشنگران ایرانی و نقد ادبی (۱۳۸۰) ♦علی دشتی و نقد ادبی (۱۳۸۷)
- ♦خانلری و نقد ادبی (۱۳۸۷) ♦احسان طبری و نقد ادبی (۱۳۸۸)
- ♦محمد تقی بهار (۱۳۸۹) ♦فاطمه سیاح و نقد ادبی (۱۳۸۹)
- ♦شفیعی کدکنی و نقد ادبی «در دست انتشار»

ناشر آثار فوق: تهران-انتشارات سخن

**Residential Property Inspection**  
Property Inspector in San Jose Area  
Since 2008

**خرید خانه؟** **فروش خانه؟**

دریافت اطلاعات جامع از وضعیت ساختمان در زمان خرید و فروش

**(408)438-3934**



## مسجد سلیمان: شهری که می خواست لندن باشد

مریم واحدی دهکردی



دیگر به آنجا مهاجرت کردند. وقت حرف زدن از خیابان های مدرن که سنگفرش شده بود و محل پیاده روی اهالی شهر بود در چشم هایشان نوری می درخشید.

شهری که بیش از ۷۰ سال درخشان ترین نقطه ی این کشور بوده امروز رو به افول است. قطره های نفت ته کشیده اند و حالا دیگر کسی برای آبادانی شهر احساس وظیفه نمی کند. انگار قطره قطره خون از رگ شهر بیرون کشیده باشند و حالا که رو به احتضار است رهایش کنند... این اگر چه تنها حدیث مسجد سلیمان نیست. خرمشهر و آبادان و سوسنگرد و هویزه، شوش و شوش دانیال و دزفول و اندیمشک، بهبهان و امیدیه و آغاچاری و سریندر... به هر کجای خوزستان که بنگرید حدیث همین است که خواندید.

جایه جایی بخشی از شهر که آلوده شده بود اما نبودن اعتبار کافی باعث شد طرح ناقص به اجرا درآید. می گویند قرار است به جای تغییر محل سکونت اهالی، شبکه ی تصفیه گاز در شهر راه بیفتد، میگویند بناست توسعه ی پتروشیمی در این شهر پیگیری شود. اهالی علیرغم آلودگی فراوان اما در برابر قطع گاز ترش و لوله کشی برای گاز تصفیه شده مقاومت می کنند چرا که گاز ترش رایگان است اما برای مصرف گاز تصفیه شده آنها باید هزینه پرداخت کنند. دشواری همینجاست. درآمدی در کار نیست.

خاطرات پیرمردها و پیرزن هایی که در روزهای اوج شهر کودک بوده اند شنیدنی است. آنها از روزهایی حرف می زنند که انگلیسی ها وارد شهر شدند، خانه هایی یکی پس از دیگری ساخته شدند. آدم هایی که از شهرهای

این خرداد پرحادثه ای که همه مان به آن عادت داریم مصادف است با کشف اولین چاه نفت در مسجدسلیمان. مته ی حفاری زمین را شکافت و رسید به ثروت. نامش نهادند چاه شماره یک که حالا خشک شده و موزه ایست در انحصار شرکت ملی نفت ایران، در منطقه ای که هنوز هم به نام «فتون» شناخته می شود. آخرین باری که مسجد سلیمان را دیدم می توانم بگویم چیزی از آن باقی نمانده بود. "دره خرسون" انباشته بود از زباله. خانه ها متروک، جوانان بیکار، مردم اندوهگین.

نشستی های گاز ترش، غبار غلیظ و چرب سرشار از گوگرد، هوای تف دیده ی خشک و بومیان محدودی که به واسطه ی دلبستگی به شهر در آن مانده اند. حتی احداث دانشگاه آزاد در این شهر آنچنان که به واسطه ی حضور دانشجویان، باعث رونق گرفتن کسب و کار مردم در شهرهای کوچک شد نتوانست زندگی را به کالبد بی جان شهر برگرداند.

در یکی از برهه های حساس، آلودگی هوای شهر به اوج خود رسید و گازهای ترش در منطقه ی مسکونی شهر نشت کرد. علت نشستی این بود که سیستم گاز رسانی شهری که بر منابع نفت و گاز گسترده شده تصفیه شده نبود و گاز ترش مستقیم از طریق لوله به خانه های اهالی می رفت. طرحی ارائه شد برای

مسجد سلیمان شهر اولین هاست. اولین چاه های نفت و گاز، اولین کارخانه ی گوگرد سازی، اولین تصفیه خانه ی آب، اولین کارخانه ی تولید برق، اولین خط آهن، اولین باند فرودگاه، اولین باشگاه گلف، اولین فرستنده رادیویی، اولین آموزشگاه رانندگی، اولین پالایشگاه محصولات نفتی و ... در روزهای پرفروغ مسجد سلیمان شهر محاصره شده بود در چاه های طلای سیاه، آدم های شیک با لباس های روشن تابستانی و معماری خیره کننده ای که به روایتی شهر را به «لندن» کوچکی بدل کرده بود.

امروز اما مسجد سلیمان شهری است بی فروغ و نیمه متروک. اغلب جوان ها به سودای کار و برای کسب درآمد از آن کوچیده اند. شهر آکنده است از

### Ali Driving & Traffic School

#### کلاس های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی
- ♦ ما تضمین می کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل های مدرسه ما نیز استفاده کنید

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس ها به زبان فارسی نیز عرضه می گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors



- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up
- ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

### حمید رئیسیه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

#### Hamid Reiesieh

Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،  
سریع، مطمئن و حرفه ای

Cell: (408)234-5793

Office: (408)298-2591



DRE#01326116 • NMLS# 344666

- ♦ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ♦ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ♦ Complimentary home evaluation
- ♦ No Cost Short Sales
- ♦ 1031 Exchange Transaction ( Tax Deferred )

Your Trusted Advisor in  
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ♦ www.hamidreisi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008



## یک سینه سخن

مسعود سپند

در پاسخ به نامه ای که ماه گذشته در این صفحه چاپ شد.

### وطن یعنی چه!

وطن یعنی تولد زندگی مرگ  
تمام هستی ما برگ در برگ  
وطن نان و پنیر و چای شیرین  
دویدن توی کوچه پای ورچین  
وطن اراده بازی نی سواری  
جهش پشت درشکه پشت گاری  
هلاوت خانه ی همسایه چیدن  
به زیر چادرِ مادر خزیدن  
وطن مادر پدر خواهر برادر  
پسر دختر رفیق و یار و همسر  
وطن یعنی جوانی شور مستی  
شکوه شیوه ی میهن پرستی  
دبستان و دبیرستان و استاد  
که درس مهر میهن یادمان داد  
وطن یعنی کلاس درس انشاء  
ز خون و خاک گفتن مهر و امضاء  
به هر آیین سخن گفتن شفتن  
زبان پارسی را پاس گفتن  
وطن سرپیشه- بیژن ورد و طوس است  
وطن زیباتر از روی عروس است  
وطن یعنی هنر- تاریخ- فرهنگ  
بهارستان- هزار افسانه- ارژنگ  
وطن شاهنشاهی باستانی  
نیشته سنگهای جاودانی  
وطن گاتا- اوستا- شاهنامه  
کیومرث و سیامک- خون و خامه  
وطن البرز کوه و آرش و تیر  
وطن تفتان و بینالود و پامیر  
وطن تهمورس و هوشنگ و جمشید  
سیاوش پاک تر از اشک خورشید  
وطن یعنی خدای خویش گشتن  
سیاوش وار از آتش گذشتن  
فریدون- ایرج و کیخسرو و گویو  
وطن عشق منیژه- بیژن نیو  
وطن رستمسرای زابلستان  
وطن رودابه دخت کابلستان  
وطن سیمرغ و سام و رستم زال  
خدای زور بازو- یال و کوبال  
وطن گرد آفریدان دلاور  
زنان شیر اوژن- شیر پرور  
وطن تهمینه- پوراندخت- سیمین  
فرنگیس و ندا- پروانه- پروین  
وطن یعنی محبت پشت در پشت  
بزرگ آموزگار شرق زرتشت

وطن یعنی زن و مرد نکوکار  
به پندار و به گفتار و به کردار  
وطن مزدا اهورا- نیک پندان  
فرشته سیرتان- امشاسپندان  
وطن کورش سیاوش داریوش است  
خشایار چو دریا پر خروش است  
وطن آن پادشاه کامگار است  
که قانون بشر زو یادگار است  
وطن یک با همستان بزرگ است  
وطن اندیشمندان سترگ است  
وطن از غرب چین تا شرق بغداد  
ز بالای خزر تا تازی آباد  
وطن یعنی درفش کاویانی  
شکوه زرد و سرخ و ارغوانی  
وطن یعقوب لیث رویگر زاد  
زبان از بند تازی کردآزاد  
وطن یعنی دهل- کرنا- شیپور  
کمانچه- تار- دف- نی- طبل- سنتور  
وطن یعنی دل تاریخ ایران  
وطن خاک پدر- مادر- نیاکان  
وطن یعنی غباری و سواری  
وطن یعنی سوار سربداری  
وطن یعنی سروشی و خروشی  
وطن یعنی سوار سرخ پوشی  
وطن از زندگانی دست شستن  
به خاک افتادن و از خاک رستن  
وطن عین القضاة و سهروردی  
ابولولو- مقفع- پایمردی  
وطن فرزانه بابک آن یل گرد  
نشند تسلیم دشمن تا که افسرد  
وطن یعنی چه بی دین و چه بادین  
نمی جنگند باهم از سر کین  
وطن ایبانه و دشت کویر است  
گناباد و قنات دور و دیر است  
وطن یعنی سفرها ساربان ها  
وطن یعنی گذرها کاروان ها  
وطن یعنی شراب شمس تبریز  
که جام مولوی زان گشت لبریز  
وطن یعنی چه شیرینی چه تلخی  
وطن یعنی چه رومی و چه بلخی  
وطن یعنی چراغ- آینه- خورشید  
خرابات مغان و تخت جمشید  
وطن فردوسی و سعدی، نظامی  
سنایی- رودکی- عطار- جامی

جوانی کوجه گردی عشق پیری  
وطن یعنی فریدون مشیری  
وطن یعنی خورش خلق ایران  
خورش مردمان خانه ویران  
وطن دوعی یخی آشی لبویی  
کبابی کله پز- آبی- کدویی  
وطن یعنی دروغ از سینه رفتن  
ز کزراهه گسستن راست گفتن  
بهم پیوستن مهر چپ و راست  
سرود رودهای هرچه دریاست  
وطن یعنی خدانودان تدبیر  
سیاست پیشگان دور یا دیر  
سخندان و سخن ران و سخن سنج  
برای مردم ما بهتر از گنج  
وطن آرامنش ها کسروی ها  
که جنگیدند با واپس روی ها  
وطن شبهای شعر و شادمانی  
ز فردوسی و حافظ نغمه خوانی  
وطن خیام آن پیر خردمند  
که مستی را به عالم می دهد پند  
وطن میدان مشق پادگان ها  
سرود مهر جاری بر زبان ها  
ز مرز پر گهر خواندن نوشتن  
کلام عشق را با خون سرشتن  
وطن یعنی سرود سرخ اینار  
وطن یعنی برای صلح- پیکار

وطن یعنی سپاهی های گمنام  
که جام مرگ نوشیدند ناکام  
وطن حلاج های بر سر دار  
ز سرباز و ز جانباز و ز سردار  
وطن یعنی جهانبانی رحیمی  
و خسرو داد آن یار صمیمی  
وطن یعنی محقق آن دلاور  
ابر درویش، دهقانی ی آذر  
وطن یلدا سده چارشنبه سوری  
که آتش می کشد بر دین زوری  
وطن جشن شقایق جشن نوروز  
برآمد از دل تاریخ پیروز  
وطن سیزده بدر با رقص و آواز  
بروی سبزه ها پرواز پرواز  
وطن عشق و وطن عشق و وطن عشق  
سر آغاز و سرانجام سخن عشق  
وطن یعنی چه؟ یعنی داد تاریخ  
نوشتن گفتن از فریاد تاریخ  
وطن یعنی رضا یعنی رضا شاه  
که می دانست فرق راه از چاه  
وطن آری رضا شاه کبیر است  
که میهن از تلاشش وامگیر است  
وطن کار و وطن کار و وطن کار  
وطن شب زنده داری های بسیار  
وطن یعنی چه یعنی درد- درمان  
وطن عشق بزرگم یعنی ایران

## رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه  
و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت  
آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916)483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825



و چند سانت کوتاهتر شد. ورزش دیگری که خیلی به آن علاقه دارد، وزنه برداری است ولی میگوید «سنگین است». از سازه‌های موسیقی هادی بیش از همه به نواختن ویولون سل علاقه دارد، ولی پزشک معالجتش بزرگتر از کمانچه به او اجازه نمیدهد.

از نظر مذهبی، خرسندی به همه کتب آسمانی اعتقاد دارد و مواظب است روی سرش نیفتند. مرام سیاسی خرسندی کمونیسم مایل به سرمایه داری بر اساس توزیع عادلانه ثروت بین ثروتمندان و توزیع عادلانه فقر بین فقرا و توزیع عادلانه تانک بین جنایتکاران و توزیع عادلانه وایاگرا بین تجاوزکاران است.

از لحاظ لیاقتهای فردی، خرسندی در جوانی موفق شد از ارتش شاهنشاهی ایران که هفتمین ارتش پر قدرت دنیا بود برگ معافیت از خدمت وظیفه بگیرد. کوشش او برای صاف نشان دادن کف پایش باعث شد که پای او هرگز به حال اول برنگردد. کتابهایی که هادی در دست انتشار دارد عبارت است از: خودآموز فوتبال مکاتبه ای و دیگر کتاب تدریس آشپزی به خانم رزا منتظمی. شاعر مورد علاقه او راجرز کوپر بزرگان بریتانیایی است که در زندان اوین شعرهای امام خمینی را به انگلیسی ترجمه کرد و دیوانه شد.

به انگلستان و از آنجا به یونایتد کینگدام رفت و پس از مدتی که متوجه شد اینها همه اش یک کشور است، برای همیشه آنجا را ترک کرد و به لندن کوچ نمود.

در خارج از کشور، خرسندی با دقت و از نزدیک دخالت انگلیسها را در امور داخلی ایران زیر نظر گرفت و به همین دلیل تحت تعقیب بود، به طوری که پلیس لندن چند بار او را به بهانه رانندگی در حالت مستی بازداشت کرد. در حالی که او نیز مانند بقیه هموطنانش وقتی مشروب خورده باشد، بهتر رانندگی میکند.

در سالهای اول در لندن، هادی که هنوز رشته دیپلوری پیتزا را فرا نگرفته بود، حقوق بگیر شرکت معتبر سوشال سیکوریتی بود، اما پس از مدتی به هنگام دیپلوری پیتزا توسط یکی از هموطنان تیزهوشش شناسایی شد و از شرکت سوشال سیکوریتی پاکسازی گردید. متأسفانه کوششهای کشور میزبان برای برگرداندن او به کشورش هنوز ناموفق بوده است. رئیس هوپیمائی انگلیس به خبرنگاران گفت: «ما برای بازگشت خرسندی به ایران بلیط مجانی به او پیشنهاد میکنیم ولی او اصرار دارد پول بلیط را نقد بگیرد.» وی در جوانی برای بلند قد شدن به بسکتبال پرداخت ولی متأسفانه نتیجه معکوس گرفت



## با هادی خرسندی

www.asgharagha.com  
hadikhorsandi@aol.com

### شرح حال خرسندی به قلم خودش

انقلابیون پیوست به طوری که نزدیک بود سر صف برسد که اعدامش کنند. از آنجا که می گویند انقلاب فرزندان خود را می خورد، هادی همان اوائل برای جلوگیری از سوء هاضمه انقلاب از فرزندی آن استعفا داد و خود را کورتاژ نمود.

در سال اول انقلاب، خرسندی یک پیراهن آستین کوتاه به یک دوست انقلابی هدیه داد. با اینکه آستینهای پیراهن چندان هم کوتاه نبود و به رواج بی ناموسی ربطی نداشت و نشانه رابطه با آمریکا و صهیونیسم بین المللی هم نبود، تحت تعقیب قرار گرفت. بنا براین، خرسندی شبانه توسط قاچاقچی، آن هم قاچاقچی مواد مخدر، به پاکستان فراری شد.

از آنجا برای رفتن به بنگلادش چهار ساعت زیر زغال های یک کامیون مخفی بود. پس از رسیدن به مقصد وقتی دید مردم فارسی صحبت می کنند، متوجه شد به میهن عزیزش برش گردانده اند. وی باقی موجودی خود را برای رفتن به ترکیه، به قاچاقچیان داد. در مقصد وقتی خاطرش جمع شد که مردم ترکی حرف می زنند، تا چند روز متوجه نبود که او را در اردبیل پیاده کرده اند.

این رباعی را در راه ترکیه سروده:  
فرزند غمین انقلابی، هادی

لب تشنه به دنبال سرابی، هادی  
میسوزی و هی به دور خود میچرخ  
در غربت خود عین کبابی، هادی  
خرسندی از اردبیل ابتدا به بریتانیا و سپس

طنز نویس ایرانی هادی خرسندی در کودکی به دنیا آمد، از مادری حامله و پدری پشیمان. به علت اختلافات سنتی بر سر نامگذاری نوزاد و نیز مرگ و میر زیاد بین اطفال - اطفال ایرانی مخصوصاً - موقتاً نامی روی او نگذاشتند و اهل خانه ما او را «این» صدا میکردند. اما «این» در عین گمنامی با سماجت زنده ماند و سرانجام با شناسنامه برادر بزرگترش، زنده یاد مرحوم سید هادی، که دو سال پیش از او به دنیا آمده و در یک سال بعد خودکشی کرده بود، به مدرسه رفت.

هادی در خردسالی عموی خود را از دست داد و در نتیجه تحت تعلیم و تربیت پدر خویش قرار گرفت. وی از همان کودکی به فراگیری علم و دانش و سواد بی علاقه بود. سرانجام دوران شش ساله ابتدایی را در مدتی کمتر از نه سال به پایان رساند. به درس جغرافی بی توجه بود ولی در عوض از تعلیمات دینی بدش میآمد. در تاریخ از نیاکان باستانی، به ویژه هوشتره، می ترسید و در هندسه از اسم دوزنقه خندهاش میگرفت. خلوص نیت کودکانه او در نوباوگی همراه با آشنایی با مذهب باعث شد که شبهای بسیار تا سحر به درگاه خدا و پیامبرانش نیایش کند که دور او را خط بکشند.

با حادث شدن انقلاب اسلامی، خرسندی به طرفداری از چپهای انقلابی از مذهبیون حمایت کرد. وی با شعار «رهبر ما لنین بود؛ شهید راه دین بود» به صفوف فشرده



Shawn Jahanbani & Lilly Yaz  
Realtors

### لیلی و شاهین

مشاوران املاک  
DOMINE GROUP

Residential & Commercials



اگر مایل به افزایش سرمایه خود می باشید، با ما تماس بگیرید تا ما زمین های قابل تقسیم (Subdividable Lots) را به شما معرفی کنیم. ما می توانیم نمونه هایی از این نوع سرمایه گذاری موفق را به شما نشان دهیم!

We do Complementary Free Staging  
& Videography to sell your home

همچنین اگر قصد فروش منزل خود را دارید با ما مشورت کنید تا منزلتان را با دکوراسیون مدرن و با بالاترین قیمت روز به فروش برسانیم!

Lilly: (408)761-7499 Shawn: (408)916-8665

BRE#01506610

BRE# 01952057

Email: lillyyazrealty@gmail.com

3194 De La Cruz Blvd., # 10, Santa Clara, CA, 95054

## Memory Lane Antiques

محل خرید و فروش اجناس قدیمی و عتیقه

با مدیریت کیمیا کاوشی

ارزیابی و قیمت گذاری هر گونه جنس



Bus: (408)289-1022 Cell: (408)679-5556

"Buyer of single items to full estates"

MemoryLaneAntiquesSanJose@gmail.com

1867 W. San Carlos St. San Jose, CA 95128



و من هیچ میل جنسی به او ندارم که خودم هم باورم شده بود. ولی هر وقت به پسری علاقه مند می شد، انگار توی قلمب مستی خار فرو می کردند. آن قدر تحمل کردم که

دیگر غیرقابل تحمل شد و یک روز بالاخره تصمیم گرفتم سدی را که خودم ساخته بودم، بشکنم. پروژه دانشگاهی را کنار گذاشتم، پشت کامپیوترم نشستم و کلمه «همجنس‌خواهی» را جست‌وجو کردم. در عرض چند دقیقه دنیای جدیدی پیش رویم قرار گرفت. دیدم که چنین احساس‌هایی وجود دارند و لازم نیست انکار شوند. دیدم و خواندم که آدم‌هایی مثل من هستند، عاشق می‌شوند و به این روش زندگی می‌کنند. باور کردم که همجنس‌گرا هستم و این‌جا برخلاف تصورم، آخر راه نبود. این نقطه، شروع وبلاگ‌نویسی مستمر من با نام‌های مستعار بود و البته شروع هجوم تأییدها یا توهین‌ها و البته کابوس‌ها. وقتی که به او گفتم لزبین هستم و عاشقش شده‌ام، گفت: «از تو بدم نمی‌آد ولی از این

## صدای مرا از قلب تهران می‌شنوید؟! من لزبین هستم!

شاید ۱۲، ۱۳ ساله بودم که اولین بار تپش تندتر قلمب، وقت دیدن سینه برهنه زنان موقع تماشای ماهواره یا بازی‌های کامپیوتری را تجربه کردم. در دوران دبیرستان تمام هم‌کلاسی‌هایم به مردی علاقه داشتند که یا خواننده بود یا بازیگر و یا یکی از پسرهای محله. اما من از دختری که کنار دستم می‌نشست خوشم می‌آمد و این هم یک راز بود؛ یک راز بزرگ. با این حال، همیشه دنبال پسری می‌گشتم که برایم جذاب باشد. برای این که پیش هم‌کلاسی‌هایم خجالت نکشم، می‌گفتم عاشق پسری شده‌ام که هر روز ساعت هفت توی کوچه از کنار هم رد می‌شویم. اما راستش را بخواهید، من هیچ کنجکاوای یا علاقه‌ای نسبت به مردها نداشتم. من هم مثل خیلی‌های دیگر وقتی حدس زدم همجنس‌گرا هستم، انگار به آخر خط رسیده بودم؛ تصویر یک بن‌بست پیش رویم بود و بس. وقتی ۱۸ ساله شدم، تصمیم گرفتم دوست پسر داشته باشم و این تصمیم را هم عملی

کردم. دوست پسرمان انسان بی‌نظیری بود اما من رغبتی به او نداشتم. با خودم فکر می‌کردم یک یخچال بی‌احساسم و به همین دلیل هم رابطه را خیلی آرام تمام کردم. ترم اول دانشگاه با دختری آشنا شدم که هر وقت می‌دیدمش، قلمب هری می‌ریخت. نمی‌فهمیدم دقیقاً در من چه می‌گذرد و چرا آن قدر مایلم او را لمس یا نگاه کنم. ترم دوم بودم که به خودم آمدم و دیدم که این دختر، صمیمی‌ترین دوست من شده است. وقتی کنارش می‌نشستم و دستش را می‌گرفتم، داغ می‌شدم. آن قدر زیاد به او توجه داشتم که خیلی از هم‌کلاسی‌ها متوجه دوستی و علاقه من نسبت به او شده بودند. خیلی خوب به یاد دارم چه طور در یکی از سفرهای دانشگاهی تلاش کردم که در یک اتاق باشیم و چه طور دو شب تمام بیدار بودم و وقتی خواب بود، نگاهش می‌کردم. این را هم خوب یادم هست که چه طور در حسرت این که نوازشش کنم، ماندم. من در انکار مطلق عشقم بودم. آن قدر با خودم می‌گفتم ما دو دوست معمولی هستیم



## هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس‌های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com



## مردان هم قربانی خشونت خانگی می شوند

افرا افشار

در تعریفی ساده از خشونت خانگی آمده است:

«رفتار خشونت آمیز یا کنترل گر یکی از اعضای خانواده، نسبت به سایر اعضای خانواده.»



در این تعریف، هیچ جنسیتی مشخص نشده و برای فرد آسیب زنده، جنسیت نامعلوم است، اما معمولاً وقتی نام خشونت خانگی به میان می آید، حرف از کودکان و زنانی است که در خانه خود امن نیستند و گرفتار رفتار ناهنجار پدر خانواده شده اند.

مصادقات های خشونت خانگی در نظر بگیریم، بر اساس آمارهای ارائه شده، در هفت ماهه نخست سال ۹۳، ۴۵ هزار و ۵۵۵ نفر در کل ایران به دلیل همسرآزاری به پزشک قانونی ارجاع داده شده اند که هزار و ۳۸۴ نفر آنها مرد و ۴۰ هزار و ۱۷۱ نفر زن بوده اند.

### شوهی با فشنونت خانگی

برای شما هم ممکن است پیش آمده باشد. همین که در جمعی دوستانه و خانوادگی نشسته باشید و وقتی بحث به حقوق زنان می رسد، دو سه نفر از مردان حاضر در جمع، شوخی و خنده را شروع کنند که بله! ما هم دچار خشونت خانگی هستیم و تحت تاثیر آن قرار می گیریم.

جامعه آماری کودکان و زنان قربانی اما چنان گسترده و وسیع است که تصور این که ممکن است قربانی مردی هم وجود داشته باشد را دشوار می کند. شکل و شمایل خشونت هم در این تصویرسازی، تاثیرگذار است؛ کتک خوردن، مورد تحقیر قرار گرفتن، حبس شدن در خانه، ضعیف بودن، تحت کنترل قرار گرفتن و اتفاقی هایی از این دست، به شرایط ضعف کودکان و زنان در ایران نزدیک تر است تا مردان. برای همین است که کمتر کسی باور می کند بر اساس همان تعریف، یک مرد هم می تواند قربانی خشونت خانگی شود و زندگی اش تحت تاثیر این اتفاق، زندگی سختی باشد. اگر همسرآزاری را به عنوان یکی از

## زمانی که طلاق و فوت در یک زمان اتفاق می افتد...

کاملیا ممدودی، وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

camelia@camelialaw.com



تصمیم گیری می کنند. در دادگاه انحصار وراثت اگر مثلاً یک خانه به اسم شوهر باشد و فوت شود، فقط به اسمی که روی سند قید شده توجه می شود و همسر در آن سهمی نخواهد داشت. در نتیجه اگر زن، همسر بازمانده باشد به او سهمی نخواهد رسید. در صورتی که در دادگاه خانواده همین سند (بدون اینکه اسم همسر روی آن قید شده باشد و سند فقط به اسم شوهر باشد)، اگر بعد از زمان ازدواج خریداری شده باشد نصف آن به همسر بازمانده می رسد. این یکی از دلایل مهمی است که وقتی مراحل طلاق شروع می شود و احتمال فوت شدن شوهر یا زن باشد، بهتر است ازدواج را سریع (قبل از تقسیم اموال) خاتمه داد، تا بتوان، پرونده را به دادگاه خانواده منتقل کرد.

زمانی که یک شخص مراحل طلاق را شروع کرده باشد و فوت شود برای تقسیم اموال به کدام دادگاه باید مراجعه شود؟ دادگاه خانواده و یا دادگاه انحصار وراثت؟ تا زمانی که طلاق به مرحله نهایی نرسیده و زن و یا شوهر فوت شود، دادگاه انحصار وراثت صلاحیت رسیدگی به امور را دارد. دادگاه خانواده صلاحیت رسیدگی را زمانی خواهد داشت که ازدواج خاتمه پیدا کرده باشد ولی حکم نهایی طلاق هنوز صادر نشده باشد. بنابراین اگر قبل از تقسیم اموال، ازدواج در دادگاه خانواده خاتمه داده شود و مسائل تقسیم اموال بعد از خاتمه ازدواج انجام شود، می شود تقسیم اموال را از دادگاه انحصار وراثت به دادگاه خانواده منتقل کرد. دادگاه خانواده و دادگاه انحصار وراثت از نظر تقسیم اموال به صورت متفاوت



**B&R**  
ACCOUNTING

# بابک رحیم زاده

## Bobby Rahim

IRS Enrolled Agent



ENROLLED AGENT



### Personal & Business Federal & State Tax Return Filing

- Tax preparation (individual & Corporation)
- Specialized in "C," "S," & LLC Corporation
- Payroll taxes
- Monthly bookkeeping
- Tax Audit
- Accounting system & installation

- ♦ انجام کلیه امور حسابداری و حسابرسی
- ♦ رسیدگی به امور حقوق و دستمزد
- ♦ مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای افراد و موسسات تجاری

1900 Camden Ave, Suite 204  
San Jose, CA 95124

(408)247-5626

(408)899-8727

www.BandRaccounting.com



توصیف ها، فروهر را به صورت انسانی ترسیم کرده اند در حالی که او تجلی خود اهورا مزداست و دارای نیرویی مافوق انسان است. در تخت جمشید فره وهر داریوش در بالای سر او قرار گرفته و نیروی وی پشتیبان داریوش می باشد. این شکل که سمبل

نیک را با همان طراوت و تازگی در کردار و گفته هایمان دنبال می کردیم و در نبرد دایمی اورمزد و اهریمن، اهریمن را یاری نمی رساندیم. و برای دور کردن اندیشه های اهریمنی همین کفایت که نیکی ها جایگاهی برتر در دل های ما پیدا کنند و بزرگ و بزرگ تر شوند آنگاه جایی برای نیروها و کردار و اندیشه های اهریمنی برجای نمی ماند که با ناکارشدن بد اندیشی ها، نیکی ها جاودانه می گردند. حافظ این فلسفه بزرگ را در یک بیت چه زیبا گفته است که:

خلوت دل نیست جای صحبت اضعاد

دیو چو بیرون رود فرشته درآید

نیروبخشیدن به انسان ها و جهان مادی است در عهد باستان در دل سنگ ها، بر سر در آدریان ها و بر روی سکه های قدیمی نقش بسته و امروز نیز به صورت یک نشان ملی ایرانی به صورت های گوناگون دیده می شود. در ایران امروز جوانان ایرانی با تقدیس این سمبل آن را به صور مختلف به صورت گردن آویز، دست بند، گل سر، کمر بند و تندیس ها و تابلوهای هنری و زینتی می ستایند و چه خوب است که اندیشه های ملی و شوق عشق به آن سرزمین آریایی در دل هایمان می جوشد و این اندیشه ها همیشه پویا و جوان می مانند. و چه خوب بود اگر ما آن اندیشه های



## فَرَه وَهَر (همزاد ازلی انسان)

در کتاب بندهشن این چنین آمده است که اورمزد انسان را از پنج جزء یا پنج نیرو آفرید که جزء اصلی و نیروی جاودانی وجود او فروهر می باشد. زندگی فرورها دارای سه مرحله است، دوره قبل از فرارسیدن هستی، دوره زندگی زمینی و دوره زندگی بعد از مرگ بدن، آنها در تمام مراحل زندگی در کارند چه زمانی که در کارگرداندن جهان هستند، چه زمانی که باروان همراه می شوند و راهنمای او می گردند و چه بعد از مرگ بدن که به عالم بالا بر می گردند و دوباره در عالم مثالی قرار می گیرند. در ابتدای آفرینش جهان فروری قبل از به وجود آمدن جهان مادی وجود داشته است و دانشمندان مختلف چون «اشپیگل» آلمانی و «دارمستتر» و استاد «بیلی Baily» انگلیسی ریشه این کلمه را با پروردن و غذا دادن و پشتیبانی و پناه دادن یکی می دانند.

این نقش را قبل از آن می توان نزد هیتانیان و میتانیان یافت که از اقوام هند و اروپایی اطراف دریای سیاه در آسیای کوچک می باشند، با این حساب این نقش جزو نقوش قدیمی هند و اروپاییان است. گرچه بعضی از مستشرقین آن را تصویری از اهورامزدا می دانند ولی این نظریه قابل قبول نیست چون اهورامزدا یک تصور مجرد است و تصور مجرد هیچگاه دارای شکل و شمایل نمی باشد ولی این تصویر می تواند همان همزاد آسمانی و قدرت مافوق انسانی خود انسان باشد. آنچه که از نقش فروهر باقی مانده است پیرمردی نورانی است که دوبرال گشاده دارد. در بعضی از کتب، تفسیرهایی بر این شمایل و بالهای او و صورت ظاهری او نوشته اند. بالهای گشاده آن را نشانه پرواز به عالم بالا و جلو می دانند. تقسیم سه گانه بال ها را به سه قسمت تقسیم کرده است که نشانه سه اصل مهم آیین زرتشتی به نام هومت و هوخت و هوروش به معنای اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است و تقسیمات سه گانه قسمت پائین تصویر به معنای دوش مت و دوزوخت و دوش ورشت که به معنی اندیشه بد، گفتار بدو کردار بد می باشد که انسان می بایستی آنها را زیر پا گذارد و از آن بگذرد دایره ای که در وسط قرار گرفته و پیرمرد نورانی در حال گذر از آن است اشاره به علایق دنیوی است که همچون دایره ای انسان را در بر می گیرد، حلقه ای را که در دست اوست نشانی از حلقه مهر می دانند و به فرشته مهر که حامی و نگهدارنده عهد و پیمان است منسوب می دارند که البته در مورد همه این تفسیرها من سندی موثق در دست ندارم که به آن استناد کنم.

در لغت فرور (fravar) اول بار در تاریخ ماد و پس از آن در کتیبه های فارسی باستان برخورد می کنیم. فرورتی در تاریخ ماد یکی از پادشاهان ایشان است که با این لغت هم ریشه است. در نقش

استاد بیلی معتقد است که این موجودات آسمانی وظیفه پهلوانی و جنگجویی و پشتیبانی از زمینیان را دارند. فره وهر که در زبان اوستایی به فره وشی تبدیل می شود در واقع همزاد انسان در جهان بالا است و وظیفه فره ورها محافظت و نگهداری از انسان ها و از بین بردن نیروهای اهریمنی است. این اعتقاد به همزاد را بسیاری از ملت های دیگر نیز دارند. یونانیان به جهان مثالی یا ایده ها اعتقاد دارند. رومی ها به ژنیوس یا نگهدارنده انسان ها اعتقاد دارند که با تولد کودک همراه او به وجود می آیند. هندیان به «پیتراها» اعتقاد دارند که در مهمانی های مذهبی به زمین می آیند و به فرزندان یاری می رسانند.

واژه پیترا با واژه پدر در فارسی معادل است و در واقع پیتراها نگهدارنده فرزندان در زمین هستند. و همچنین مصریان و سومری ها و آشوری ها به مظاهری دیگر از این قبیل معتقد بودند.

در فروردین یشت در توصیف فره ورها آنها را با پیکر انسانی شرح داده است که بلند بالا و تیز پرواز و خوب چهره می باشند به همین جهت از روی همین

## حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری  
خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری



Hamid Abtahi

منطقه  
منطقه  
منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات  
در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله  
می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

**Location! Location! Location!**  
**Why Do You Pay Rent?!**

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.  
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com + DRE# 01071456



(408)-366-2180 + (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070





هایشان بیشتر می شود. در حالیکه در جوامع دیگری برای خشونت خانگی در شرایط زندگی مشترک خارج از ازدواج قوانین و مقررات کنترل کننده وجود دارد. نقش فرهنگ بر تایید و تشویق و یا کنترل خشونت خانگی دارای اهمیت است و نقش قانون نیز تعیین کننده است هر چند که رفتار قربانیان خشونت نیز در تدارک خشونت تاثیر دارد.

#### عوامل فشنونت های خانگی

خشونت های روانی و کلامی: به کار بردن کلمات رکیک، فریاد و بد اخلاقی، قهر و صحبت نکردن، از بین بردن اعتماد به نفس و کرامت انسانی و ایجاد احساس گناه، خجالت زده کردن، رفتار تحکیم آمیز و منت نهادن بابت تأمین معاش.

خشونت های جنسی و ناموسی: عدم مراعات بهداشت زناشویی، مجبور کردن به دیدن فیلم های مبتذل، مجبور کردن به سقط جنین یا حاملگی ناخواسته، متهم کردن به بی مبالاتی در مسائل ناموسی، شک و بددلی. تجاوز به محارم

خشونت های اقتصادی و مالی: جلوگیری از استقلال مالی زن، دخل و تصرف در اموال شخصی و فروش طلا و جواهرات زن، ندادن خرجی و پول کافی. دنباله مطلب در صفحه ۶۹

بر اساس تحقیقی که دفتر امور اجتماعی وزارت کشور و مرکز مشارکت امور زنان ریاست جمهوری در بیست و هشت استان کشور انجام داد، عوامل خشونت خانگی در ایران را به هشت عامل دسته بندی شده است: استفاده از تهدیدهای متفاوت و ایجاد مخاطره: تهدید به آزار یا کشتن زن، فرزندان یا اقوام یا خودکشی، مخفی کردن مدارک شخصی، ایجاد محرومیت در روابط زنان، تهدید به طلاق یا بیگاری کشیدن از زن و اعضای خانواده.

خشونت های فیزیکی از نوع اول: گرفتن، بستن، زندانی کردن، اخراج از خانه، محروم کردن از غذا و عدم مواظبت در زمان بیماری.

خشونت فیزیکی از نوع دوم: سیلی، مشت، لگد، هل دادن.

## خشونت خانگی چیست؟

در مورد خشونت خانگی تعاریف و تقسیم بندی های متعددی بر اساس شدت و ضعف و نوع خشونت ارائه شده است اما در یک تعریف ساده میتوان گفت: خشونت خانگی به استفاده از قدرت به معنای اعمال زور و تحمیل اراده گفته می شود که بوسیله یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده صورت می گیرد.

و جسمی و روان تنی شده و گاهی به خودکشی افراد تحت خشونت خانگی منجر می شود.

پدیده خشونت خانگی عموماً امری پنهان است و معمولاً توسط شوهر، پدر، برادر یا سایر اقوام و نزدیکان ذکور، بر علیه اعضای خانواده در محیط خانواده به وقوع می پیوندد. در بسیاری از جوامع زنان، به دلایلی از جمله شرم، آبرو و ترس از مجازات سخت از بیان آن خودداری کرده و سکوت اختیار می نمایند. در واقع تعداد کمی از زنان حاضرند درباره رفتار خشونت آمیزی که در مورد آنها چه در عرصه خانواده و چه در اجتماع صورت گرفته است سخنی بگویند. حتی در بسیاری از کشورها زنان متاهل یا مجرد قربانی تجاوزسکوت اختیار میکنند و یا در صورت مجرد بودن مجبور به ازدواج با فرد مهاجم می شوند که پس از ازدواج خطر تداوم خشونت علیه زنان در خانه

در گزارش های مربوط به خشونت خانگی معمولاً زنان و کودکان به عنوان قربانیان اصلی محسوب می شوند و بنا بر آمار جهانی حدود ۹۰ درصد از قربانیان زنان و ۱۰ درصد مردان هستند. در این گزارش ها آمده است کودکان از تاثیر منفی خشونت خانگی در کوتاه مدت و بلند مدت در امان نیستند و خشونت خانگی در میان تمام طبقات اجتماعی، گروههای سنی، نژادی، جنسی و حتی به رغم معلولیت رخ میدهد. لازم به توضیح است خشونت همواره جسمی نیست که آثار فیزیکی و قابل مشاهده از خود به جا بگذارد، خشونت در موارد بسیاری به صورت های روحی و روانی و جنسی اعمال می شود و با شیوه های مختلفی چون توهین، تهدید، دشنام، محرومیت، قهر، تهمت، رفتار آمرانه و موارد مختلف دیگر همراه است که موجب کاهش اعتماد به نفس و افسردگی و عوارض روانی

**ایمان کُمیلی**  
مشاوری کوشا، با تجربه و آگاه  
در خرید و فروش  
املاک مسکونی و تجاری  
با بیش از بیست سال اقامت  
در شهر دنویل در San Ramon Valley  
Emon Komeily / Realtor  
COLDWELL BANKER



اگر به فکر نقل مکان به شهرهای San Ramon Valley, Tri Valley و حومه و دسترسی به مدارس عالی برای فرزندانان و بهره بردن از طبیعت زیبا و یا قصد فروش منزلتان را در نواحی اطراف دارید، با من تماس حاصل فرمایید!

Mobile: **(510)912-9292**

ekomeily@gmail.com

CalBRE #01946899



Fataneh Hooshdaran, D.C.

## دکتر فتانه هوشداران

### کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسایل پزشکی

♦ سر درد ♦ رماتیسم ♦ دیسک ♦ شانه و زانو درد ♦ دردهای عصبی ♦ دردهای گردن ♦ دردهای کمر ♦ دردهای دست



مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و

ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود Serving: San Jose & Santa Clara

**(408)712-3788**

1610 Blossom Hill Rd., Suite #1  
San Jose, CA 95124

**(408)244-7677**

2797 Park Ave., Suite #103  
Santa Clara, CA 95050

یک بخش از تمرین را انجام می دهد. در تصویر کلی این تمرینات تکه ها را کنار هم می چینند و به هدف می رسد. او در برخوردی که با من داشت بسیار خوب بود و خوش آمد گفت اما مرا نمی شناخت. من برای عکس گرفتن نرفته بودم و می خواستم کار یاد بگیرم و همین که اجازه دادند در تمامی تمرینات حضور داشته باشم نهایت احترام بود.

از او می پرسند مقایسه گوردیولا و خوره مورینیو درست است؟ او پاسخ می دهد ما استادی داشتیم که می گفت چگونه می خواهید به هدفتان که همانا پیروزی است برسید و هر مربی فلسفه متفاوتی دارد و باید دید باشگاه ها دنبال کدام هدف هستند، یاد خاطره یکی از مربیان قدیمی خودمان می افتم که می گفت اگر توپ رفت یار نباید برود و اگر یار رفت توپ نباید برود. و می گوید باید دید فلسفه باشگاه ها چگونه است. مطمئنا جلسی دنبال نتیجه بوده که مورینیو را می خواهد و بایر هدف دیگری را تعقیب می کند. مقایسه کردن مربیان با یکدیگر کار درستی نیست. هاشمیان می گوید فقط او از آسیا در این کلاس شرکت کرده است چرا که باید در آلمان بازی کرده و زبان آلمانی بلد باشید.

دنباله مطلب در صفحه 80

اضافه می کند در آلمان با اغلب مربیان آلمانی کار کرده بودم و می خواستم با سبک جدیدی آشنا شوم و تصمیم گرفتم که به بایرن مونیخ بروم که پپ گواردیولا را دارد که یکی از بهترین مربیان جهان است و در کنار او می توانستم نوع تمرین کردن بهترین های بازیکنان دنیا را ببینم. او می گوید تیم هرتابرلین یک مربی هلندی دارد یا مربی تیم فرایبورگ اجازه نمی دادند کارآموز کنار تیمشان باشد. در تیمی مثل هانوفر می توانستم به داخل اطاق مربیان هم بروم اما در بایرن مونیخ کنار زمین بودم و یادداشت می نوشتم و بیشتر از آقای گرند دستیارش سوال می کردم که از قبل او را می شناختم. او مرا به گواردیولا معرفی کرد و او گفت هر سوالی که داشتم می توانم از او بپرسم، اما اینطور نبود که بخواهم در آن فشار کاری مزاحمش شوم بیشتر سعی کردم کار را از کنار زمین تماشا کنم نرفته بودم که عکس بگیرم برای کارآموزی در تمرینات بایرن مونیخ حضور داشتم. من همیشه فکر می کردم بایرن مونیخ با گواردیولا تمرینات بسیار پیچیده ای دارد اما وقتی در کنار تیم نشستیم دیدم اینگونه نبود. کار او این است که یک تصویر از بازی هجومی اش دارد و آن را تقسیم بندی می کند و هر روز

## ورزش از نگاه من

احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com



ها و خلاقیت برای برنده بودن را آموزش می دهند، هدایت یک گروه هماهنگ برای رسیدن به نهایت پیروزی کار آسانی نیست. بازیکنان باید آموزش داده شوند نه مغز شویی شوند، شما نمی توانید از بازیکن های خود چیزی را بخواهید که در زمین بازی به آنها آموزش نداده اید تحقیقات نشان می دهد که ارتباط بین رقابت و انگیزه به عوامل زیر بستگی دارد:

- ♦ فرهنگ و زمینه اجتماعی آن
- ♦ موقعیت خاص و وضعیت رقابت
- ♦ طبیعت فعالیت و درگیری های آن
- ♦ ویژگی رقابت

و چنین است که در آخرین روز رقابت های جام سراسری وقتی استقلال با به پرسپولیس باختند بلافاصله آقای قلعه نوعی از مربیگری استقلال برکنار شد. فراموش نکنیم که دو تیم بزرگ تهرانی دیگر چندان بزرگ نیستند گرچه هنوز هم دیدار آنها ورزشگاه پیر را پر از تماشاگر می کند.

لطفاً فراموش نکنید همه مربیان به پیروزی می اندیشند و این کارها را بسیار سخت تر می کند. وقتی فقط یک تیم می تواند قهرمان باشد، یکی از ابزارهای که در موفقیت یک مربی سهم بزرگی دارد تجزیه و تحلیل یک مسابقه است. از سالهای دور برای یک مربی بررسی و مقایسه اعداد سهم شایسته ای را به خود اختصاص داده است، پیشرفت تکنولوژی و بهم آمیختن آن با تمرین و مسابقه سهم عمده ای را در کاربرد اساسی آن به همراه داشته است. به همین خاطر مربی باید با در اختیار داشتن اطلاعات از تیم مقابل و همراه نمودن آن با تاکتیک و استراتژی مورد نظر برای خود توانایی هایشان از نظر تیمی بیافزاید. شاید سخت ترین مرحله انتقال دانش و آگاهی هائی است که مربی باید آنها را برای آمادگی خود با تمرین هایش درآمیزد. اغلب این اطلاعات به طریقه علمی و در زبان اعداد و ارقام و منحنی نمایش های حرکتی مددکار مربیان است.

حالا آقای وحید هاشمیان فوتبالیست سابق تیم ملی که در آلمان بازیگر بوده است به سؤال های یک روزنامه نگار در تهران پاسخ می گوید. او می گوید من شش هفته کارآموزی را در باشگاه حرفه ای بایر مونیخ پشت سر گذاشتم. من نوع تدریس مربیگری را آموزش دیدم و در کنار آن فلسفه مربیگری را نیز آموختم و

در ایران فوتبال جام باشگاه ها به پایان می رسد و در تبریز مشکل پدید آمده از نتیجه مسابقه موجب برانگیختن احساسات گوناگونی می شود، اما بهنگام بازی نفت و تراکتور مشخص می شود در اصفهان سپاهان با شکست سایپا قهرمان شده است. آقای تونی اولیویرا مربی تراکتور سازی تلخکامی خود را پنهان نمی کند. او می گوید برای ما شرم آور است که برای قهرمانی سپاهان پایکوبی کنیم و برای آنها کف بزیم درحالیکه فکر می کردیم خودمان قهرمان شده ایم، ما و تماشاگران تبریزی کمی تحقیر شدیم. به نظر مربی پرتغالی تبریز بزرگ ترین خطری که فوتبال را تهدید می کند خلاء رهبری است این خلاء فضای نیرومندی برای دخالت خیلی ها ایجاد می کند، آیا همه دوست دارند قهرمان شوند و باختن گناه غیرقابل بخشش است.

در فوتبال ما بسیار دوست دارند که مربی فوتبال باشند، آنها در حقیقت به شغلی نیاز دارند قبل از اینکه فوتبال به آنها نیاز داشته باشد. شخصیت یک مربی Personality، برخورد او با دیگران Impression و تاثیر گذاری یک مربی Influence روی دیگران یک مربی معمولی را به یک مربی فوق العاده تبدیل می کند. حالا خون تازه ای در مربیگری فوتبال ایران آرام آرام راه را باز می کند گل محمدی، فرکی، منصوریان، خطیبی از راه می رسند و در آلمان هم هاشمیان دوره های مربیگری را طی کرده است در حالیکه در تهران مهدوی کیا آکادمی خودش را بره انداخته است. در فوتبال ما و در سازمان مربیان ما سالهاست همه چیز منجمد شده است جامعه مربیان ایرانی اگر می خواهد دری بسوی جهان باز کند باید دیوارهای کهنه و پوسیده و پیر شده جامعه را درهم بشکند و بسوی نوآوری و جوان گرانی با ایده های موثر وارد میدان شود. امروزه اعتماد به نفس، سلامتی کامل قادر به کنترل احساسات بودن Emotional Management برای ورود به صحنه مربیگری لازم و ملزوم یکدیگرند.

اشتیاق برای بردن و یا ایجاد انگیزه برای پیروزی در یک تیم را امروزه در کلاس های روان شناسی و در یک واحد درسی بنام موفقیت Success در رهبری یک تیم تدریس می کنند. در این کلاس ها مربی فراگرفتن، روحیه داشتن inspire انگیزه

## دکتر کاملیا محمودی

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

Law Office of  
Camelia Mahmoudi

طلاق، لیونگ تراست، وصیت نامه، مالیات

### Family Law:

♦ Divorce (Litigation & Mediation)

♦ Prenuptial Agreements

### Estate Planning:

♦ Wills & Living Trust

### Taxation:

♦ IRS & State Tax problems

### دعای خانوادگی:

♦ طلاق: دعای و موافقتی

♦ قراردادهای قبل و بعد از ازدواج

### انحصار وراثت:

♦ تنظیم وصیت نامه، تراست و وکالتنامه

### امور مالیاتی:

♦ مشکلات مالیاتی و دفاع در مقابل IRS

Experience and results matter.

Our law firm has both.

Camelia Mahmoudi

Attorney at Law/J.D., LL.M. Taxation

(408)658-8580

camelia@camelialaw.com + www.camelialaw.com

2021 The Alameda, Suite 200. San Jose, CA 95126



دو کیلو کاهش وزن سر از جهنم تن در می آوردم! ولی تشخیص این طرفی ها حوله خیس، پاشویه آب سرد است! گلو درد هم همین طور در این جا به جای سوپ و آب گرم گلولی آدم را به یخ می بندند!

برای شمارش هم ما کف دست را باز کرده و انگشتان را یکی یکی می بندیم که اولاً فلان، دوما بهمان، سوماً الا آخر... ولی در این سرزمین عجایب مشتشان را می بندند و یکی یکی با شمارش باز می کنند! ضمناً حمل بر بی ادبی نباشد احیاناً اگر به خاطر ناراحتی انگشت شصت تان را به عنوان اعتراض روی کسی بلند کنید اینها فکر می کنند عملی انجام داده اند که تشویقشان می کنید! کلی خوشحال می شوند! و تشکر هم می کنند! (ولی انگشت وسط را دست نزنید...!)

بازهم یواشکی عرض می کنم ما می گوئیم پدرسگ این ها گویند پسر سگ آن هم از نوع ماده اش!

در هواپیما کتابی می خواندم وقتی ورق زدم طرف بغل دستی سوال کرد: عربی است؟! گفتم: خیر. گفت: دیدم از طرف راست ورق می زنی از کدام طرف می نویسید و می خوانید. گفتم: آن هم از دست راست...  
دنباله مطلب در صفحه ۵۶

موقعیت منزل باید دور از خیابان اصلی، کنج بن بست و محیطی ساکت بوده حتی پرستیژ، یعنی محلی که خیابان هایش چراغ هم نداشته باشد!

در ایران خودمان وام مسکن را به کسی می دادند که ثابت می کرد پول کافی نداشته و احتیاج به وام برای خرید خانه دارد ولی در غرب باید ثابت کنی که خیلی ثروت داری تا بتوانی وامی بگیری!

ایام نوجوانی اگر در بازی و شیطنت فرضاً، پایمان ضربه ای می دید یا رگ به رگ می شد و اوایلا بود! چون مادر یا مادر بزرگ با یک کیسه آب جوش به کمک محل آسیب دیده می شتافت و جای دشمنان خالی، در اثر داغی پا بیشتر ورم کرده در حین درد به تدریج قرمز و آبی و بعد ارغوانی و بالاخره کیبود و در آخر سیاه می شد! ولی این طرف دنیا فوراً با یک کیسه یخ کلک کار را می کنند!

خدمتتان طبابت کنم. همین تبی که می کنیم (غیر از تب عشق) درمانش مانند همان کیسه آب جوش بود! پتو پیچیده زیر کرسی چنان درزهای بدن را مسدود می کردیم که مبادا هرم و حرارت درون به بیرون سرایت کند و چنان در کوره وجود می گذاختیم که فردای آن روز با حالتی نزار و چشمانی گود افتاده با یکی



## فرهنگ وارونه

۱۱ شب هست، در سرزمین ما حدود ۱۱ صبح است. حتماً طبیعت و یا خدای متعال با معکوس کردن روز و شب خلیات و گفتار و کردار ما را هم به همین نهج وارونه رقم زده است!

الفرض، آن شب تیشه برعکس بینی بنده بند شد. الان مدتی است توی نخ فرهنگ وارونه هستم و فقط چند نمونه اظهار فضل می نمایم. ملاحظه فرمائید:

مثلاً ما می گوئیم عربستان سعودی و اینها می گویند سعودی عربیا... و صدها لغت مثل این. در دیار ما خانه ای گران و با پرستیژ بود که در آگهی ها می دیدیم که خانه ای دو نیش خیابان های اصلی با آب و برق و تلفن به فروش می رسد... (البته نمی دائم بدون آب و برقش چه نوع خانه ای است؟! ولی در این سیاره چنین خانه ای مفت گران است!

ضمن معاینه پزشکی از دکتر خواستم علاوه بر آزمایشات چربی، قند، نمک و سایر خواربار خونم، میزان اسید اوریک آن را نیز معین کند. خنده ای کرد و گفت: لابد مقصودت اوریک اسید هست! پیش خودم گفتم: «چه علی خواجه و چه خواجه علی...» و به خانه که آمدم در برنامه تلویزیونی یکی از دادگاه های واقعی (که چقدر هم زیاد شده و طرفدار دارد) محاکمه بخت برگشته ای بود که سیلی جانانه ای به گوش اسب کسی زده و به قول ما «گویا به اسب طرف گفته بود یابو!» و حسابی هم محکوم شد! پیش خودم فکر کردم مایی که از آن طرف دنیا به این طرف، کوچ کرده ایم چقدر رفتار و گفتار و به طور کلی فرهنگمان با این غربی ها فرق میکند. نه تنها فرق بلکه بسیاری به عکس می ماند! همان طوری که الان مثلاً ساعت



Immigration & Translation Services

۱۳۱۸-۵۵۴(۴۰۸)

# شرکت ساعی

## مشکل گشای شهر شما



کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

### تابعیت

www.saeicompany.com

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

را با لحنی کمیک درهم می آمیزد و حتی زمانی که پانداز دخترک غایب است، با زبان بی زبانی سر به سر فاحشه که منتظر مشتری است می گذارد. همین طور وقتی در ترنی نشست و مسافر روبرویش یک خانم فرانسوی است، با انگلیسی دست و پا شکسته سر صحبت را با او باز می کند

اتفاقی هم به خاطر فضایی که فیلم او در آن پیاده می شود، بالطبع کمابیش نیمه مستند هم هست. از آنجا که «عطاران» بازیگر معروفی نیست که در کن شناخته شده باشد و یا فیلمی ندارد تا در برنامه فستیوال به نمایش درآید، در نتیجه به عنوان یک



و وقتی زن دستش را برای معرفی خود به سوی او دراز می کند، عطاران، از دست دادن خودداری می کند که مثلاً در مذهب او دست دادن با جنس مخالف جایز نیست! فیلم در کل از لحظه ها تشکیل شده. خط داستان همان یافتن کارگردان آمریکایی ست که هیچگاه به وقوع نمی پیوندد، و حتی بعد که به دنبال «وودی الن» می گردد، اشتباهات عینک بزرگی را روی میز یک رستوران می بیند و تصور می کند متعلق به «وودی الن» است که چنین نیست.

تماشاگر و مدعو سعی می کند لحظه های کمیک و طنزآمیزی را خلق کند تا تماشاگری که «رد کارپت» را تماشا می کند، خود را درون داستان و جایی که فستیوال کن اتفاق می افتد بیابد. جایی

که افراد در پیاده روی مقابل در ورودی جشنواره و مقابل فرش قرمز محوطه را اشغال کرده و برخی با نردبان های دوطرفه، خود را مشرف به محل جشنواره به آمد و رفت بازیگران و فیلمسازان قرار می دهند، «عطاران» را وادار می کند تا با دزدیدن نردبان مشابهی او نیز با بالا رفتن از نردبان بتواند کسانی را که به محل جشنواره می آیند ببیند. یا فاحشه یی که مقابل محل اقامت او با پاندازش او را به کتک می گیرند، آن چیز است که در جوار این نوع جشنواره ها اتفاق می افتد و «عطاران» آن

## اصفهان بلوز

### سعید شفا



های دور نیز می برد که برای برخی آشنا و برای برخی تازه است تا با ایران دهه چهل و پنجاه آشنا شود. نمایش به زبان انگلیسی است و بالطبع برای بیننده آشنا به این زبان در نظر گرفته شده و تلفیق دو گروه شهروند (ایرانی و آمریکایی)، و مسایل تبعیض نژادی که در آمریکا حتی بعد از «مارتین لوتر کینگ» و در ایام اخیر هم چنان در این جامعه به قوت خود

باقیست، زاویه دیگر نمایشنامه را شامل می شود که تماشاگر سیاهپوست را مد نظر دارد به ویژه که محل نمایش نیز متعلق به این اقلیت است. اصفهان بلوز، در کل نقبی دارد به زمان و موقعیت ایران، جایی



که هنر و سینما تازه داشت پا می گرفت و هنوز برای اکثریت، با وجود محبوبیت آن، چندان جدی تلقی نمی شد و هنرمندان ایرانی می بایست در چند چپه برای اثبات هنرشان می جنگیدند تا دوام بیاورند. در واقع این هنرمندان بودند که راهگشای آن چه سینمای ایران امروز دارد بودند و یکی از معروفترین آنها خانم ویدا قهرمانی است که هم چنان پابرجا پس از سالها، سینما و تئاتر را ترک نکرده و تماشاگران می توانند از هنرشان بهره مند شوند.

#### رد کارپت

چند سالی است «رد کارپت» (فرش قرمز) در جشنواره های سینمایی ایران نیز رایج شده و به این مناسبت یک کمپین و بازیگر ایرانی به اسم «رضا عطاران» سوژه آخرین فیلمش را روی این موضوع متمرکز کرده و برای آن، به فستیوال «کن» در فرانسه رفته تا سوژه فیلمی را به «استیون اسپیلبرگ» کارگردان آمریکایی که در آن زمان رییس هیأت داوران کن بود بدهد. البته امکان اینکه «عطاران» بتواند با «اسپیلبرگ» ملاقاتی داشته باشد خیلی دور از انتظار بود و چنین دیداری هم صورت نمی گیرد ولی به هر حال سوژه این فیلم ساده و کمی طنز آمیز را صیقل می بخشد.

«عطاران» ضمن آن که سعی می کند سبک نیمه مستند را رعایت کند، اما فیلمش بیشتر داستانی ست و لحظه های

خانم ویدا قهرمانی، یکی از بازیگران دهه سی و چهل سینمای ایران با فیلم های: چهارراه حوادث، فریاد نیمه شب، طوفان در شهرما، فردا روشن است، آتش و خاکستر... و اخیراً «سنگسار ثریام» و «Thousand years of good prayers» به کارگردانی «وین ونگ»، سالهاست در شمال کالیفرنیا به فعالیت های سینمایی و تئاتری ادامه می دهد

که آخرین آن «اصفهان بلوز» است که زندگینامه این بازیگر را شامل می شود که توسط «ترنج یقیناریان» نوشته شده و تلفیقی است از بازیگران ایرانی و گروه آفریکن-آمریکن شکسپیر. نقش جوانی خانم قهرمانی را «سوفیا احمد» بازی می کند و داستان ضمن شرح حال زندگی خانم قهرمانی، به بحث و گفتگویی با یکی از نوآندگان ارکستر «دوک الینگتون» (ری همیلتون) که در اوایل دهه ۱۹۶۰ برای اجرای کنسرت به ایران رفته بود و نقش او توسط «ال پیتروکالندر» که کارگردان هنری گروه شکسپیر هم هست بازی شده که بیشترین دیالوگ نمایش را دارد و با قدرت و سابقه در نمایشنامه های کلاسیک، توانسته نقش اش را به نحو احسن اجرا کند.

برای بردن تماشاگر به زمان حوادث، تصاویری که گویای لحظه ها و موقعیت داستان است، همواره در ورای صحنه منعکس می شود که به جذابیت نمایشنامه می افزاید. اشاره هایی به برخی اصطلاحات و مکان ها نیز به نحوی بازگو می شود تا برای تماشاگر غیر ایرانی مفهوم و قابل درک باشد.

در مجموع، اصفهان بلوز، ضمن آنکه زندگی یک بازیگر مشهور را به روی صحنه می آورد، تماشاگر را به زمان

## کاوه میر شفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال  
با دانش و تجربه در امور ورشکستگی،  
امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshafiqi, Esq.

### مشاوره اولیه رایگان

♦ کلیه امور ورشکستگی ♦ کلیه امور خانوادگی  
♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت ها

### ♦ Business Law

### ♦ Bankruptcy ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

**(408)663-6286**

www.headwaylegal.com

4701 Patrick Henry Dr., Bldg. 6, Santa Clara, CA 95054



به دست جراح پلاستیک سپرده تا چندسالی جوانتر جلوه کند. او موها را مثل شبق سیاه می کند و دوطرف بالای گوشش رومیزاره سفید بگونه تا سن و سالش طبیعی جلوه کند درست مثل سگ های «پکینز».

شوهر محترم هنوز با بعضی از گرل فرندهای وطنی که در سالهای دور با آنها در پاریس و لندن قرار ملاقات میداشت رفت و آمد داره و این مادربرگ های محترم هنوز که هنوزه عاشق قدیمی را خوب می دوشند.

همسر شوهر محترم در مقابل جمع دوستان با خوشحالی میگه: (خیالم از طرفش راحت چون دیگه کاری ازش ساخته نیست. میزارم باهرکسی که میخواد معاشرت کنه. قرص های وایاگرا را هم از ترس کورشدن دیگه نمیخوره و به قول معروف «روزها را به بطالت و شب ها را به خجالت می گذرونه».) شوهر محترم برای زنش اصلا احترامی قائل نیست، به خصوص در جمع دوستان و سعی می کنه به عناوین مختلف به او توهین کنه.

تکیه کلامش همیشه اینه «اول خودم، دوم خودم، سوم خودم و چهارم احتمالا خانمم.» بچه ها هم که بزرگ شدن و رفتن پی کارشون و بابا رو اصلا تحویل نمیگیرن، مخصوصا دختر کوچک که در یک رستوران ابرونی مهمانداره. دنباله مطلب در صفحه 02

میدونه و معتقدنه که آنها چیزی سرشون نمی شده و بیخودی اسم در کرده اند. اگر تلفن دستی دارید و مشغول رانندگی هستید و او میدونه که مقصد شما کجاست ناگهان در نیمه راه به شما زنگ میزنه و دستور میدهد که کدوم شاهراه را انتخاب کنید و از کدوم خروجی خارج بشید.

حتی اگر توی شهر خودتون که شما تمام سوراخ سنبه ها و کوچه پس کوچه هاشو از حفظ میدونید و به اصطلاح فوت آب هستید، اگر او هنگام رانندگی بغل دست شما نشسته باشه مرتباً با حرکت دست به شما فرمان میدهد که به راست بپیچ به چپ بپیچ یا برو وسط آن دو تا ماشین قهوه ای پارک کن. او به طور مرتب زیرلب خطاب به رانندگان دیگه غر میزنه که مردیکه تندتر برو یا گوساله این چه جور رانندگیه. در بازی ورق، تخته، شطرنج و بولینگ اگر جرات دارید اظهار عقیده ای بکنید تا او شما را سوسک روی دیوار کنه. او در فال ورق فوق دکتره داره.

وقتی مشغول تماشای مسابقات فوتبال آمریکائی است مرتباً غر می زنه که مربی اشتباه کرده و باید خط حمله رو اینطور و آنطور می چید یا فلان «کوارتیک» احمق اصلا بازی بلد نیست.

شوهر محترم سالها پیش پف زیر چشم ها را



جای می دهد. فرضاً دوره جبل المتقین را در کنار حلیه المتقین گذاشته و آیه های شیطانی سلمان رشدی را بغل مجموعه نفیس اشعار «لرد آلفرد تنیسون» قرار داده و این در حالی است که شوهر محترم حتی قادر به خواندن اسم این کتاب ها نیست. شوهر محترم در کنار ساختمان سازی، سبزی کاری، رانندگی، آشپزی، خیاطی و حتی شناخت نوع رنگ موی خانم ها، خود را خبره و کارشناس می داند. او در حل مشکلات خانواده و روانشناسی نیز چیره دست است و اگر احتمالاً در یک مهمانی با استراق سمع زن و شوهری را در حال مباحثه و مجادله دستگیر کند فوراً با په میدان گذاشته و در حمزه پند و اندرز رو باز می کند. این در حالی است که خودش در خانه با زنش از صبح تا شب مثل سگ و گریه بهم می پرند.

شوهر محترم در مورد تربیت جوانان خودش را از «روسو» و «فروید» هم بالاتر

شوهر محترم موجود حقیری است که در تخیلات دوران مهاجرت از خودش غولی ساخته. او همه فن حریف است و به قول استاد عزیز از دست رفته ام، دکتر محمدباقر هوشیار، «حُمَره العلوم» است، به این معنی که شوهر محترم هیچ متخصص و صاحب نظری را در هیچ زمینه ای قبول ندارد.

شعرای نوپرداز را مسخره می کند و آنها را جیغ بنفش می نامد، در حالی که حتی شعرهای ساده ایرج میرزا را هم از رو غلط می خواند. از نقاشی بی اطلاع است و فقط تابلوهای رنگ و روغن ارزان قیمت را که در سرسرای هتل ها کوبیده شده، نقاشی می داند و بس. او اهل کتاب خواندن نیست اما از کتاب خاطرات ملکه ثریا تعریف بسیار می کند. در کتابخانه زیبای او تمام کتاب های گرانقیمت و نادر چیده شده و هرچه اسم کتاب قلمبه تر باشد شوهر محترم آن را در قسمت معتبرتری

## Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی

لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

- ✦ دریافت حقوق و مزایای دولتی
- ✦ دریافت حقوق پرستاری
- ✦ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط
- ✦ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- ✦ تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی
- ✦ اخذ ویزای نامزدی
- ✦ مدیکر و مدیکل، SSI
- ✦ گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی
- ✦ اخذ پاسپورت سفید

(408)269-7283

lida.taxsavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

## آرایش دائمی صورت توسط مینو پارسا

با تکنیک منحصر به فرد در این مرکز، زیبایی طبیعی خود را نمایان کنید.

طراحی دائمی ابرو و هاشور زدن، خط لب، خط چشم، متناسب با چهره، کشیدگی پوست (lifting) از طریق ماسک و لایه برداری کامل پوست، بدون عوارض جانبی، با استفاده از مواد درجه یک و استریل در محیطی کاملاً آرام و بهداشتی

Minoo Parsa/Beautician

✦ Permanent Makeup Specialist  
✦ Non-Surgical Facelift ✦ Phytic Skin Peeling



Take your pick from our affordable selection of treatments & Skin Care products, & we will take care of the rest.

Step into our discreet, relaxed clinics & you will feel instantly reassured that you have made the right choice.

Clinics in South, East & North Bay

(415) 370-3974

جمال نیکوان در پیش او گم  
چنان، کز پرتو خورشید، انجم  
کمال حسنش از اندیشه بیرون  
ز حد عقل فکرت پیشه بیرون  
چهره جوان آسمانی و لبخندش شیرین بود.  
با محبت به زلیخا نگاه می کرد. سحرگاہان  
که زلیخا از خواب خوش بیدار شد، حیثش  
آمد که پلک هایش را باز گشاید، همچنان  
در فکر رویای خوش شبانه در بستر ماند.  
زلیخا گرفتار عشق محبوبی رویایی شده بود  
و در تنهایی راهی به جایی نمی برد و با خود  
چنین از درد عشق و هجران سخن می گفت:

دلَم بردی و نام خود نگفتی  
نشانی از مقام خود نگفتی  
نمی دانم که نامت از که پرسم  
کجا آیم مقامت از که پرسم؟  
مبادا هیچ کس چون من گرفتار  
که نی دل دارم اندر بر نه دلدار  
گلی بودم ز گلزار جوانی  
تر و تازه چو آب زندگانی  
به یک عشوه، مرا بر باد دادی  
هزارم خار در بستر نهادی  
در نهایت پریشانی و به ناچار راز دل با  
دایه دلسوز گفت و دایه پنهانی به خلوت  
شاه رفت و حال دختر را با او گفت.  
نهانی رفت و حالش با پدر گفت  
پدر زان قصه مشکل برآشفتم  
سالی چند بر این ماجرای تلخ گذشت و  
زلیخا برای بار سوم یوسف را در خواب  
دید.

دنباله مطلب در صفحه ۵۶

گهر سنجان دریای معانی  
ورق خوانان وحی آسمانی  
چو تاریخ جهان کردند آغاز  
چنین دادند از آدم خبریاز  
که چون چشم جهان بینش گشادند  
برو اولاد او را جلوه دادند  
صفوف انبیا یکجا پس و پیش  
ستاده هر صفی در پایه خویش  
چو آدم سوی آن مجمع نظر کرد  
ز هر جمعی تماشای دگر کرد  
به چشمش یوسف آمد چون یکی ماه  
نه مه خورشید اوج عزت و جاه  
جمال نیکوان در پیش او گم

چنان، کز پرتو خورشید، انجم  
کمال حسنش از اندیشه بیرون  
ز حد عقل فکرت پیشه بیرون  
ز کیوان بگذرد ایوان جاهش  
زمین مصر، باشد تختگاهش  
در گذشته های دور، پادشاهی به نام  
طوطیمیس در مغرب زمین زندگی می  
کرد، که بسیار مشهور بود. او دختری  
داشت به نام زلیخا که در زیبایی مثل و  
مانند نداشت.  
زلیخا نام زیبا دختری داشت  
که با او همه عالم سری داشت  
نه دختر، اختری از برج شاهی  
فروزان گوهری از درج شاهی  
یک شب که زلیخا در خواب ناز خفته بود،  
رویایی دید. جوانی به جلوه زیبارویان افسانه  
ها، با اندامی متناسب و نگاهی پر شرم.

## سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش:

مهندس پرویز نظامی



### یوسف و زلیخا

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر  
یادگاری که در این گنبد دوار بماند  
بر جمال تو چنان صورت چین حیران شد  
که حدیث اش همه جا در و دیوار بماند  
به تماشاگه زلفش دل حافظ روزی  
شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند

بشنوید تا نام شش زوج دلدادگان نامدار دوران کهن را در یاد خود بسپارید. نام ذال و رودابه را که با کشش عشق روی بهم آوردند. نام یوسف و زلیخا را که ناشناسانه از دو دیار دور دست بهم پیوستند؛ نام فرهاد و شیرین را که یکی در آتش عشق می سوخت و دیگری سربوفائی داشت؛ نام مجنون و لیلی را که جز به خاطر هم نزیستند و چیزی به جز یکدیگر از جهان ندیدند؛ و نام وامق و عذرا که روزگاری دل به مهر هم دادند و عشق ورزیدند و جز به خاطر عشق نمی زیستند. اگر کتاب عشق را بخوانید آن را شگفت انگیزترین کتاب جهان خواهید یافت؛ در آن چند صفحه کوچک کوتاه وصف شادی و چندین دفتر بزرگ داستان غم خواهید دید؛ فصل هجرانش فصلی دراز و بحث و وصالش بحثی کوتاه است و آنجا که سخن از رنج عشق می رود گفتگو چندان است که شرح و حواشی خود از چندین مجلد فزون می گردد.

نظم آورده اند اما نظم جامی از میان همه شیواتر و زیباتر است. این داستان بعدها به زبان های عربی-ترکی و پاره ای زبان های اروپایی بارها ترجمه و چاپ شده است.  
عشق و جمال مرغی است از آشیانه وحدت پریده- اگر نوای معشوقی است از آنجاست و اگر ناله عاشقی است هم از آنجاست؛  
در آن خلوت که هستی بی نشان بود  
به کنج نیستی عالم نهان بود  
وجودی بود از نقش دویی دور  
ز گفت و گوی مایی و تویی دور  
جمال مطلق از قید مظاهر  
به نور خویش هم بر خویش ظاهر  
دلا را شاهی در حجله غیب  
میرا دامنش از تهمت عیب  
نه با آینه رویش در میانه  
نه زلفش را کشیده دست، شانه  
نوای دلبری با خویش می ساخت  
قمار عاشقی با خویش می باخت  
جمال اوست هر جا جلوه کرده  
ز معشوقان عالم بسته پرده  
به عشق اوست دل را زندگانی  
به عشق اوست جان را کامرانی

در مجلدات پیشین توضیح دادم که داستان سرایی- درآوردن داستان های حماسی و عشقی به شعر پارسی- بخش بسیار مهمی از ادبیات را در قرون و اعصار گذشته در ایران تشکیل داده است و در این زمینه به نقل داستان های خسرو و شیرین و فرهاد و لیلی و مجنون از نظامی گنجوی پرداختم. در این مجلد داستان یوسف و زلیخا که شاعر قرن هشتم عبدالرحمن جامی، آن را به نظم دلکش و زیبا درآورد به نظر خوانندگان می رسد. این داستان از قصه های بسیار کهن قوم یهود است. یوسف پسر یعقوب پیامبر بنی اسرائیل است که گویا واقعه اسارت و بردنش به دیار مصر در زمان طوطیمیس سوم از فراعنه مصر که ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد می زیسته اتفاق افتاده است. این حکایت در قرآن (سوره سیزدهم) و همچنین در تورات (سفر تکوین- باب ۱۴) با شرح کامل ذکر شده است. اما نام زلیخا در هیچ یک از این دو کتاب نیامده و معلوم نیست که از کجا و چگونه با نام یوسف همراه شده است.  
در تفسیر مجمع البیان چنین آمده است که زلیخا لقب راعیل زن عزیز مصر بوده است. داستان یوسف و زلیخا را پیش از جامی شاعران دیگری چون ابوالمؤید بلخی، عمق بخارایی و دیگران به

نظم آورده اند اما نظم جامی از میان همه شیواتر و زیباتر است. این داستان بعدها به زبان های عربی-ترکی و پاره ای زبان های اروپایی بارها ترجمه و چاپ شده است.  
عشق و جمال مرغی است از آشیانه وحدت پریده- اگر نوای معشوقی است از آنجاست و اگر ناله عاشقی است هم از آنجاست؛  
در آن خلوت که هستی بی نشان بود  
به کنج نیستی عالم نهان بود  
وجودی بود از نقش دویی دور  
ز گفت و گوی مایی و تویی دور  
جمال مطلق از قید مظاهر  
به نور خویش هم بر خویش ظاهر  
دلا را شاهی در حجله غیب  
میرا دامنش از تهمت عیب  
نه با آینه رویش در میانه  
نه زلفش را کشیده دست، شانه  
نوای دلبری با خویش می ساخت  
قمار عاشقی با خویش می باخت  
جمال اوست هر جا جلوه کرده  
ز معشوقان عالم بسته پرده  
به عشق اوست دل را زندگانی  
به عشق اوست جان را کامرانی  
در وصف جمال و زیبایی یوسف داستان ها گفته شده و اشعار دل انگیز بی شمار سروده شده لکن کمتر شاعری در توصیف جمال او چنین جذاب و دلکش سخن رانده است:

## Sweet Rendezvous (408) 225-5004

بستنی و فالوده ایرانی شیرینیجات اروپایی و انواع لوازم کادویی

با بیش از ۶۰ نوع بستنی های خوشمزه

We have over 60 flavors  
of rich and delicious ice creams!

قهوه

باقلاوا

چای

شکلات

کافه  
گلخانه

آبنبات

در محیطی گرم، دوستانه و خانوادگی

وعده ما در سوئیت راندوو

Hours: Sunday-Thursday 12pm-9pm  
Friday & Saturday 12pm-9:30pm

668 Blossom Hill Road, San Jose, CA 95123



## منطقه فضول آباد

من از مهاجران خودمان حساسی گله دارم. وطن که بودیم هر وقت به مناسبتی یا بی مناسبتی حرف کتاب میشد و آمار خفت بار کتاب نخواندن ایرانی را رو می کردند، همگان هفت صد جور بهانه می آوردند که اگر کتاب نمی خوانیم دلیلش اینه که کتاب گرانه، کتاب خوب نیست، کتابخانه کمه، همه جا کتابفروشی نیست، توزیع کتاب درست نیست، وزارت ارشاد در راه انتشار کتاب هزار جور مانع تراشی میکنه، نویسندگان و مترجمان انگیزه لازم برای تلاش بیشتر ندارند، کتاب های کتابخانه های مدارس مناسب سن جوانان نیست، معلمان هم غالباً کتاب نمی خوانند. گرچه می دانیم همه این ایرادات و کاستی ها درست است، اما سوال اینست وقتی مهاجر ایرانی بنا به فرض به همین کالیفرنیا می آید، کتابخانه های عمومی مجهز در اختیار آنهاست و کتاب گران که نیست بلکه به طور رایگان در دسترس عموم قرار می گیرد و البته با هزار تسهیلات دیگر. چرا دست کم خود یا فرزندان شما به کتابخانه های عمومی نمی آید! چرا در خانه هایشان غالباً یک کتابخانه کوچک نیست! چرا کتاب نمی خرند! چرا کوشش نمی کنند از ایران کتاب بخرند و بیاورند. تنها بهانه ای که از یک نفر مهندس ایرانی شنیدم این بود که ما کار می کنیم و وقت خواندن نداریم. ما که می دانیم این بهانه بی اساس است چون رئیس جمهورها هم با همه مسئولیت های سنگین باز کتاب می خوانند و مطالبی هم لابد اگر اهل قلم باشند تحریر می کنند پهرحال:

دنیا با بال کتاب می پرد...آنکه بی بال می ماند...به صف پرواز نمی رسد...و می ماند

درستکاری و کفایت مصدر خدمات عمده ای بود. در طی دوره طولانی خدمات خود از بیان حقیقت باکی نداشت و حتی شاه و ولیعهد هم از او حساب می بردند.

امیرنظام مردی دانشمند و دانشدوست بود. او را از همنشینان پرمایه و باذوق می دانستند. بخشی از یک نامه او را برایتان می آورم تا از فضیلت و هنر وی بهتر آگاه شوید. دنباله مطلب در صفحه ۵۱

دیگر، بدبینی و رمانتیک مآب فرنگی که موسسه، نروال اوگاریو، یودلر و سپس کافکا که نماینده برجسته آن بودند و ادب اسکاندیناوی و آلمان نیز از آن مایه داشت و هدایت همه آنها را می شناخت...

(بخشی از نوشته اسلامی ندوشن)

### امیر نظام گروسی

امیرنظام یکی از رجال بزرگ دوره قاجاریه است که ۶۴ سال به پاکی و

## مشقی تازه در روزهای غربت

حسینعلی مکرندی

فریمانت - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



### هدایت ادعای ادیب بودن نداشت

بر هدایت ایراد گرفته اند که فارسی اش خالی از غلط دستوری نبود. قدری سرهم می نوشت و زبان عامیانه به کار می برد. اینها درست، ولی هدایت ادعای ادیب بودن و نثر فصیح نویسی نداشت.

او می خواست بهر وسیله ای بیان مقصود بکند. سخت تحت تاثیر نگارش اروپایی و بخصوص ادب فرانسه بود. بزرگانی چون ستایوسکی و بالزاک هم به فصیح نویسی اعتنایی نداشتند. همین ادب اروپایی به او جرات داد که زبان کوچمه و بازار را وارد نگارش خود کند. خود او اصالت را در نزد مردم ساده می جست و سخت از تکلف ادبا بیزار بود.

او که پرورده فرهنگ شرق و غرب بود، در وجودش دو چیز با هم تلاقی کرد و اخت شد. یکی حزن و انکار ایرانی که در ادب فارسی لانه کرده است و حالت فروبستگی که بر تاریخ او سایه افکنده،

### پلک نمی زخم تا بیاید

در سپتامبر ۲۰۰۶ وقتی معلوم شد نو تازه ما، در تورنتو دختر است، پیش از بدنیاز آمدنش من این قطعه را سرودم.

دخترم دارد می آید  
من صدایش را در قلبم می شنوم  
نامش نام همه گل هاست.

وقتی بیاید دیگر هیچ چشمه ای نمی خشکد  
هیچ آهوی دشت هراسان نیست  
کوبر گل می دهد و چشمه ها دارد  
مادران فرزندان گمشده خود را پیدا می کنند  
دنیا پر می شود از پرنده های رنگین  
پرنده های بی قفس

وقتی که بیاید بهار را می آورد حتی اگر  
زمستان باشد

همه جا گل آشتی می روید  
درخت مهربانی جنگل می شود  
و شاید جنگ فقط نامش بماند و نام ویرانی  
و می تواند آنچه من نمی توانم بنویسم راحت بنویسد  
اینک تمام شب ها برایش بیدارم و پلک نمی زخم تا بیاید  
۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶ - فریمانت

## Ali's Construction & Remodeling

# Celebrating 18 Years in Business

نقشه کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان  
جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

◆ New Custom Home ◆ Room Additions ◆ Bathroom ◆ Kitchen Remodel

Let us Build your Custom Dream Home

With 18 years of experience we  
guarantee to exceed your expectations

www.alisconstruction.com

(408)-898-6474

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA



با مدیریت علی زمانی

## حکایت از باب پنجم گلستان سعدی در عشق و جوانی

یاد دارم که در ایام جوانی گذر داشتم به کوی و نظر با رویی. در تموزیکه حرورش دهان بخوشانیدی و سبومش مغز استخوان بجوشانیدی از ضعف بشریت تاب آفتاب هجیر نیاوردم و التجا به سایه دیواری کردم. مترقب که کسی حر تموز از من به برد آبی فرو نشاند که همی ناگاه از ظلمت دهلیز خانه‌ای روشنی بتافت، یعنی جمالی که زبان فصاحت از بیان صباحت او عاجز آید، چنان که در شب تاری صبح بر آید یا آب حیات از ظلمات بدر آید. قدحی برفاب بر دست و شکر در آن ریخته و به عرق بر آمیخته. ندانم به گلابش مطیب کرده بود یا قطره ای چند از گل رویش در آن چکیده. فی الجمله شراب از دست نگارینش بر گرفتم و بخوردم و عمر از سر گرفتم.

خرم آن فرخنده طالع را که چشم  
بر چنین روی اوفتد هر بامداد  
مست می بیدار گردد نیم شب  
مست ساقی روز محشر بامداد

## حکایت از باب سوم گلستان سعدی در فضیلت قناعت

بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده خدمتکار. شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش در آورد، همه شب نیارامید از سخنها پریشان گفتن که «فلان انبارم به ترکستان است و فلان بضاعت به هندوستان، و این قباله فلان زمین است و فلان چیز را فلان، زمین». گاه گفتی: «خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوش است». باز گفتی: «نه که دریای مغرب مشوش است. سعدیا سفری دیگرم در پیش استاگر آن کرده شود بقیت عمر خویش به گوشه ای بنشینم». گفتم: «آن کدام سفر است؟» گفت: «گوگرد پارسی خواهم بردن به چین که شنیده ام قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم آرم و دیبای رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آبگینه حلبی به یمن و برد یمانی به پارس و از آن پس، ترک تجارت کنم و به دکانی بنشینم». انصاف ازین ماخولیا چندان فرو گفت که بیش طاقت گفتنش نماند. گفت: «ای سعدی تو هم سخنی بگوی از آنها که دیده ای و شنیده‌ا!» گفتم:

آن شنیدستی که در اقصای غور  
بار سالاری بیفتاد از ستور  
گفت چشم تنگ دنیا دوست را  
یا قناعت پُر کند یا خاک گور

## یادداشتهای بی تاریخ

صدرالدین الهی



## زخمه به تار، رو به قبله

را بیاورد. «آن» بقیچه سفیدی بود که جلو میرزا حسین خان عندلیبی می گذاشتند و او کارمند یا به قول آن روزگار صاحب منصب ارشد وزارت داخله سابق و وزارت کشور فعلی بود. بقیچه را باز می کرد و تار دسته‌صدفی خوش تراشی بیرون می آورد. و ما می دانستیم که نیمساعتی به زیر و بم تار میرزا حسین خان گوش خواهیم داد.

میرزا حسین خان از همنس و سالهای از جهت رتبه ارشد بر خود، اجازه می گرفت و کلمه «رخصت» را بر زبان می آورد و تار را کوک می کرد. اگر در جایی نشسته بود که در جهت قبله نبود برمی خاست، رو به قبله می نشست. تار را می بوسید و بر چشم می نهاد. پدرم می گفت: «بهترین شاگرد میرزا حسینقلی بوده است.»

یک شب که از او پرسیدم چرا آقای عندلیبی جایش را عوض می کند و رو به قبله می نشیند؟ پدر گفت: برو از خودش پرس. و مرد محترم جواب بچه دهساله را چنین داد: «باباجان موسیقی مقدس است. تار برای من مثل تسبیح دست آقایان است.»

سالها بود که من دیدم روشنفکران نسل پدرم چگونه بر اثر تحلیلات اروپایی به تجدد واقعی دست یافته بودند. در تاریخ تئاتر حتما خوانده‌اید که اولین تروپ‌های تئاتر ایران را روشنفکران درس خوانده درست کردند. هیچوقت مرد بزرگوار

مهربان باجناب پدرم میرسیدعلی خان نصر را از یاد نمی‌برم که تئاتر اروپایی ایران را پیش از نوشتن به راه انداخت و هنرستان هنرپیشگی را تأسیس کرد. میرسیدعلی خان نصر پدر صدیقه خانم کوثر دخترخاله ما بود و برای من و نوه‌اش حسنعلی کوثر، روزهای عید وقتی به دیدنش می‌رفتم به زبان ساده از تاریخ ایران حرف می‌زد و هرگاه به شکست ایرانیان می‌رسید چشم به هم می‌فشرده و اشک از دیده می‌سپرد.

اینها ایرانی و مسلمان بودند و ایران را از اسلام جدا نمی‌دانستند. اما هیچوقت هم نمی‌گفتند که ایرانی تارک‌الصلوه مسلمان نیست. بوسیدن تار و رو به قبله نشستن نوازنده نشانه قبول حلیت «غنا» از سوی صاحب‌دلان مسلمان بود. و چنگ و عود شکستن کار اینان که می‌گویند مسلمانند.

پسر جوان با صورتی پاکیزه و چهره‌ای سرشار از تالو آب جوانی گیتار در بغل زده بود و می‌خواند. شعرهایی در ستایش تقوا و پاکدامنی و تحسین اسلام بود و شنوندگان جوان محو و جذب کلمات او. روی پرده تلویزیون نام او نوشته شد: «سلمان احمد». چون هیچ ته‌لهجه‌ای هم نداشت نمی‌توانستیم بفهمیم که مال کدام



بخش مسلمان‌نشین بوده است. ترانه‌ها به نحو دلپذیری از آسمانهای آبی و عشق‌های سرازیر شده در کوچه باغها می‌گفت. گوینده توضیح داد که در آمریکا اکنون نسل جوانی می‌کوشد تا اسلام را با موسیقی روز درآمیزد. سلمان احمد در پایان یکی از ترانه‌هایش گیتار را بوسید، بر چشم نهاد و به حاضران تعظیم کرد و برای آنها بوسه فرستاد.

و این بوسه مرا به سالهای دور برد. پدرم دوره‌های شبانه متفاوتی با آدمهای متفاوت داشت. روزهای به گمانم سه‌شنبه در منزل آقای انواری که در آنطرف خیابان سیروس به طرف پامنار واقع شده بود، گروهی از محترمین جمع می‌شدند. شازده علاءالدین میرزا دیده‌ور یک شاهزاده خوشگل سبزچشم برای آنها از متون قدیمی حرف می‌زد و می‌خواند. حاج شیخ جواد عراقی واعظ شیرین سخن و شیرین گفتار و بذله‌گو آخر مجلس روی صندلی می‌نشست و حاضران را با نصایح رندانه‌اش به خنده وامی‌داشت. اما در این دوره سه‌شنبه بعد از آنکه اصحاب نایاب پی کارشان می‌رفتند تنی چند می‌ماندند تا با شام خوب و مختصر، شب را به پایان برند و بعد از شام بود که آقای انواری به مستخدمش دستور می‌داد که برود «آن»



### مشاور مالی و مالیاتی

Accounting, Auditing & Tax Services

سرویس مطمئن - قیمت مناسب - توجه کامل به نیازهای شما



خدمات دفترداری

مشاوره و برنامه ریزی مالی و مالیاتی

رسیدگی و جوابگویی در حل اختلافات با مراجع مالیاتی

تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی (شخصی و شرکت ها)

- ☑ Tax Planning
- ☑ Tax Return Preparation
- ☑ Business Bookkeeping
- ☑ Tax Problem Resolution



Responsive to Your Needs

Reliable Service Reasonable Rates

www.mytaxmd.com

Tel: (408) 236-2444 Fax: (408) 236-2484

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117





# سوپر مارکت اطمینان



سماور های تمام اتوماتیک ساخت آلمان



Samovar  
mulex  
Germany

نماینده پخش سن حوزه: فروشگاه اطمینان

عرضه محصولات گوشتی در سوپرمارکت اطمینان:  
کله، پاچه، زبان، گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی سفید و ماهی دودی



عرضه کننده مجموعه ای از لوازم خانگی، آشپزخانه، کادویی، قلیان و انواع تنباکو

5754 Santa Teresa Blvd. San Jose, CA 95123

(408) 226-5992



## از درگوشی‌ها

## به قلم: پیرایه

ایام را با کینه و عناد علنی دامن می‌زند و می‌شود گفت اتفاقاً زخم اختلافات قدیمی ما هم در هوای آزاد این طرفها سر باز کرده و در هر حال و کیفیتی خود را همپایه مقامات خاک شده در ظواهر آراسته به نمایش می‌گذاریم. شاید بدین طریق گره کور نظر تنگی‌ها و حرص و غبطه حسادت‌ها فروکش نماید. اینجا تفاوت رنگ‌ها با قلم موی نقاش دشمن تراش رنگین‌تر شده و در عین حال ایرانیان مهاجر در نهایت خودستایی خود، طبقه‌ساز گشته‌اند. البته فقط پول است و صد در صد منهای فرهنگ طبقاتی گذشته‌ها در حال حاضر ما از موطن رانده‌ها و در این غربت تلخ، هم‌رنگ جماعت بی‌وطنان کره زمین، شاهدیم که مسئله رنگ بالا و بالاتر رفته و فرهنگ جامعه ایرانی پائین و پائین‌تر. نخوانده‌ایم، نشنیده‌ایم و نمی‌دانیم که حشمت و جلال فرهنگی قدما ابداً بستگی به کیف و کفش و خانه و ماشین نداشت. حکایت آداب کمال خرد بود نه زرق و برق. خود محترم بینی نظام سنتی که حتی برای فرودست‌ترین اقشار جامعه آنروزی قابل احترام بود امروز از حوزه خصوصی فرهنگ و تربیت و آگاهی به حوزه عمومی کلیشه‌ای ظواهر نمایشی آمریکائی تغییر جهت داده است. دنباله مطلب در صفحه ۵۱

خلاصه کلافه‌ام می‌کنم». و در همین ردیف لاطائل که مایه شرمندگی سایر پیرزنهای علیل المزاج می‌شود. چرا که همگی می‌دانند «آن ممه را لولو برده» و طبعاً «آن دوره خان‌خانی تموم شده». بعلاوه عزیزان، اصولاً زشت است و برازنده سن و سال من و امثال بنده نیست که دنبال مشتری بگردیم. ضمناً چگونه طبع و احوالی است که هنوز از تعارفات متداوله لذت می‌بریم و باور می‌کنیم، غافل که زبان بازی مجلس آرائی است، معمول است و عمومیت دارد. از آداب معاشرت است و کلاً پوشالی، زیاد به دل نباید گرفت زیرا نوشخندی است به موی سفید رنگین و پوست دو سه بار دباغی شده بنابراین خوشامد گوئی و تمجید دوستانه محض نوازش سالمندان خودآرای ادا اطواری است که تاریخ شناسنامه را گم کرده‌اند و اصولاً سالیان بی‌شماری است که بالاخانه را خانه تکانی کرده و اجاره داده‌اند.

کالبد شکافی ایرانیان مهاجر نشان می‌دهد که فرق طبقاتی دوران گذشته همان اثر، همان فشار و همان عقده‌ای را در جدار این فاصله به یادگار نشانده که رنگ پوست در این دیار. شاهدیم و تماشاگر معرکه که اتفاقاً چندسالی است آتش زیر خاکستر

است که در اصل گزافه‌ای صرفاً به دلیل عقده خود کم بینی و انگیزه ضعف شخصیت و مبشر کم دانی و کم خوانی تلقی می‌گردد. آزاد شدن از اندیشه‌های تحمیلی احکام رسالت دلار بررسی نهائی در شناخت شعور ذاتی و جوهر فرهنگی قشر نوظهور ایرانی است که از انحصار طبقه اعیان و اشراف سابق خارج شده است و چه بهتر نقطه پایانی جامعه مدون دیروز با همین گروه نوپای توخالی تکلیف جهت تعالی امروز را معرفی نماید که علناً لیاقت و قابلیت هوشمندی و فراست نژادی ما ملت تاریخی را به دنیا می‌نمایاند.

باشد که خود را سرآمد بشریت انگاریم و وقتی در سنین بالای هفتاد و بلکه هم هشتاد می‌بالیم و می‌نازیم که «هرمجلسی وارد می‌شم آنقدر کمپلیمان می‌شوم که خسته می‌شم.» و یا «فقط خانوما نیستن، آقایون هم مرتب تعریف که چه بوی خوشی، چه سر و صورت قشنگی، چه لباسی، چه سلیقه‌ای و

دردهای مداوم عضلانی و استخوانی، اختلالات جهاز هاضمه، تقلیل نیروی دید و شنوایی و البته مواجهه با معضل افزایش سن و سال و طبعاً چالش قلب و ریه با دست آوردهای شادکامی‌های جوانی. اما واقعیت حاکی از آن است که درجا زدن در زمینه امیال و خواست‌های دوران شباب خود رأس هرم کاهش فکر و تشخیص موقعیت جسمی و روحی است. پیر شده ایم ولی مبالغه در قبول معادلات دنیای نمایشی و رنگ و روغن بیرونی ما را در جریان انحرافی درک حل و فصل کمبودهای درونی می‌کشاند.

شیوع پول پرستی و خودنمایی و لاف بزرگی و در صورت امکان و فقدان شواهد تفاخر به تحصیلات عالی اینجاست که ظهور این طبقه نوکیسه در تنگنای غربت و مبالغه در ادعای اصالت ایل و تبار عرصه زندگی را حال و هوای مسخره‌ای پخشیده است.

متأسفانه باید گفت جاذبه این رده برداشت‌های جوانانه نماد خودشیفتگی و خودمداری

## کلاسها و کارگاه‌های آموزشی هفتگی بنیاد برابری پارس



## کلاسها و کارگاه‌های آموزشی هفتگی عبارتند از:

زبان انگلیسی (از مقدماتی تا عالی)، آمادگی برای شرکت در امتحان شهروندی امریکا (سیتیزن شپ)

آشنایی با فرآیند کاریابی در امریکا، آموزش‌های مقدماتی کامپیوتر، هنر درمانی و مشاوره حقوقی

## در دو مرکز سن حوزه و لوس آنجلس

Weekly classes and workshops include English as a second language, citizenship courses, career development and job placement, basic computer training, art therapy and legal advice.

[www.parsequalitycenter.org](http://www.parsequalitycenter.org)

## Los Angeles location:

4954 Van Nuys Blvd, Suite 201, Sherman Oaks, CA 91403  
(818) 616-3091

## San Jose location:

1635 The Alameda, San Jose, CA 95126  
(408) 261-6400





Zorro و ۱۹۵۵ Mickey Mouse Club یکی از معروفترین کارهای او برای کودکان مری پاپینز (۱۹۶۴) است که در خاطره ها ماندگار شد. پس از موفقیت این فیلم او اقدام به ساخت یک



پارک تفریحی دیگر در فلوریدا کرد به نام Disney World.

والت دیزنی در اثر سرطان ریه در سال ۱۹۶۶ درگذشت. نام او هیچگاه از یاد نمی رود و برای کارهایش ۲۲ جایزه اسکار گرفت. کمپانی او یکی از ۶ کمپانی بزرگ هالیوود به حساب می آید. از آثار باشکوه و تماشایی او باید به این اسامی اشاره کرد: کتاب جنگل ۱۹۶۷، Fantasia ۱۹۴۰، دیوی کراکت ۱۹۵۵، دزدان دریای کارائیب ۲۰۰۳، آواز جنوب ۱۹۴۹، بیست هزار فرسنگ زیر دریا ۱۹۵۴، دام والدین ۱۹۶۷، پسر فلاپر ۱۹۶۳.

جدی گرفته نشد اما در ۱۹۳۷ با ساخت «سفید برفی و هفت کوتوله» انقلاب پیا کرد و کارتونهایی مانند (پینوکیو ۱۹۴۰، دامبو ۱۹۴۱، بامبی ۱۹۴۲، سیندرلا ۱۹۵۰، آلیس در سرزمین عجایب ۱۹۵۱ و پیتترین ۱۹۵۳) به سرعت به محبوب ترینها تبدیل شدند.



همچنین او در دهه ۵۰ به ساخت فیلمهای زنده روی آورد که اولین آن «جزیره گنج» ۱۹۵۰ است. اما این کار مانع از ساخت دیگر کارتونهای بلندمدت نشد و کارتونهایی مانند (بانو و ولگرد ۱۹۵۵، زیبایی خفته ۱۹۵۹، ۱۰۱ سگ خالدار ۱۹۶۱) تولید و به نمایش گذاشته شدند. او در ۱۹۵۷ اقدام به ساخت پارکی تفریحی برای مردم کرد به نام Disneyland. دیزنی از اولین تهیه کنندگانی بود که به تلویزیون وارد شد و فیلمها و سریالهای زیبایی برای کودکان تولید کرد مانند

## کمپانی والت دیزنی

### Walt Disney Company

#### فرسیا اعتماد زاده

خود را ساخت که معروفترین آنها میکی ماوس است. در ۱۹۳۶ کارتون ساخت به نام «گلها و درختها» که اولین کارتون رنگی بود و اولین جایزه اسکار خود را برای آن به دست آورد.

سری کارتونهای میکی و دوستان (مینی ماوس، دانلد داک، گوفی، پلوتو و شخصیتهای دیگر) بسیار محبوب مردم



شدند. از سال ۱۹۳۴ ایده دیگری به ذهن والت رسید تا طول زمان کارتونهای خود را به طول زمان فیلمهای سینمایی (بیش از ۶۰ دقیقه) افزایش دهد. این کار در ابتدا

والتر الیاس دیزنی (۱۹۰۱-۱۹۶۶) در شیکاگو متولد شد و در سن ۷ سالگی به همراه خانواده اش به کانزاس سیتی نقل مکان کرد. با دستکاری به شناسنامه اش،



در ۱۶ سالگی و هنگام جنگ جهانی اول وارد صلیب سرخ شد. پس از جنگ و بازگشت به آمریکا برنده بورسیه شد و در مدرسه هنرکانزاس سیتی به تحصیل مشغول گردید. از اوایل دهه ۲۰ انیمیشنهای کوتاه

اگر ما دلیری بیگیری رویاهای خود را داشته باشیم، همه آنها برآورده خواهند شد. (والت دیزنی)

# از استودیوی مهدی طایری دیدن کنید

نقاشی های ایرانی نقش قاجار، صفوی، پهلوی، اروپایی، آمریکایی و هر نوع نقاشی که مورد علاقه شما است موجود می باشد



همه نوع سفارشات پذیرفته می شود

موبایل: ۵۹۵۱-۵۳۱ (۴۰۸)

آتلیه: ۳۵۸۳-۲۲۴ (۴۰۸)

شاملو داده بود و حالا داشت می رفت برای مصاحبه، من هم اظهار علاقه کردم و با او رفتم. رفتیم به خانه اش در فردیس کرج. یک پایش را بریده بودند و روی صندلی چرخ دار نشسته بود و پتویی روی پایش انداخته بودند و زار و نزار.

از دیدنش خیلی حالم بد شد. زن نازنین اش هم مثل فرشته از او پرستاری می کرد. شاملو با چشمان بسته و حال نزار به ما خوشامد گفت و تقریباً خواب بود. کاوه برادرم جا خورد. نمی دانست حالا چگونه شاملو می خواهد به سوالات جواب دهد. گنج شده بود. با دستیارش دوربین را گذاشتند و نورها را تنظیم کردند و به آیدا گفتند که حاضرند. به یکبار شاملو بیدار شد. بیدار بیدار. موهایش را مرتب کرد و آیدا مقوهای بزرگی را که رویش جواب ها را با خط درشت نوشته بودند، گذاشت جلوی روی او، به طوری که در کادر دوربین دیده نشود! و او شروع کرد با آن صدای سحر کننده، زیبا، زنده و قیصر جواب ها را دادن! من داشتم شاخ در می آوردم که عجب توانایی و انرژی این آدم دارد.

عجب آرتیستی است! بامزه اینجا بود که بین سوال ها دوباره شل می شد و می خوابید! و تا دوربین راه می افتاد، دوباره سرحال جواب می داد. دنباله مطلب در صفحه 81

از سر گذشت!!

### یادی از استاد ذبیح الله صفا

زنده یاد استاد دکتر ذبیح الله صفا که در طول عمر پر بار خود خدمات فراوانی به فرهنگ و ادب ایران زمین کرده اند؛ دلی بی کینه و سری بی مو داشت.

حدود چهل و چند سال پیش؛ در دانشگاه تهران مراسمی به منظور بزرگداشت رودکی برگزار شده بود که همه استادان، شاعران، ادبا و فضلا دعوت شده بودند اما گویا یادشان رفته بود آقای ابراهیم صهبا شاعر بدیهه سرا را دعوت کنند.

صهبا که گویا بد جوری به تریح قبایش بر خورده بود یک رباعی سرود که طنز گزنده اش متوجه دکتر ذبیح الله صفاست.

رباعی این است:

ای آنکه به لطف و به «صفا» مشهوری

گر لطف به «صهبا» نکنی معذوری

البته که جای دعوت صهبا نیست

تجلیل کند گر کچلی از کوری!!

\*استاد صفا چند سال پیش در غربت در گذشت

### (رهکار غریبی است نازنین)

بعد از انقلاب با او (شاملو) آشنا شدم. یکی دو ماه پیش از مرگ شاملو، برادرم کاوه به من خبر داد که قرار است برای تلویزیون سوئد با شاملو مصاحبه کند. سوالات را به



از دین مان بگیر تا مرده ریگ نیاکان مان،

به سبکسری و بی شخصیتی و جلنی تعبیر میشود و آنکس که اخمتر و عنق منکسر تر است محترم تر و با شخصیت تر تلقی میشود. حسابدارم هشتاد و چهار ساله است. ولی هنوز کار میکند. گهگاه همراه من به رستوران میآید و شامی میخوریم و گپی میزنیم و لبی تر میکنیم.

چند وقت پیش به من زنگ زده بود که فلانی! من چند روزی در شهر نخواهم بود. اگر کاری داری بده انجامش بدهم که چند روزی به جنوب کالیفرنیا خواهم رفت.

گفتم: میروی جنوب برای چه؟

گفت: عروسی برادر خانم است.

گفتم: مبارک است. امیدوارم خوش بگذرد.

گفت: میدانی برادر خانم چند سالش هست؟ گفتم: نه!

گفت: هشتاد و شش سال!!

آنوقت ما ایرانیها میگوییم: چو ایام عمر

از چهل بر گذش...مزن دست و پا آبت

### بفند آقا! بفند جانم!!

ما ایرانی ها با شادی چندان میانه ای نداریم. انگار با خنده و خندیدن قهریم. سراسر فرهنگ ما، از شعر و نثرش بگیر تا تاریخ و فلسفه و تئاتر و سینمایش، سرشار است از غننامه ها و رنجامه ها و زنجموره های خاله زنکی.

ما در چهل سالگی پیریم. مادران مان با اولین شکمی که میزایند دیگر خودشان را در زمره پیران میدانند. اگر لباس خوش رنگی هدیه شان کنیم میگویند: پسر جان! من دیگر پیر شده ام. این رنگ مال جوان هاست (هر چند اگر سن شان هنوز به سی سال نرسیده باشد) البته تقصیری هم نداریم. وقتی سخن پرداز بزرگ مان حضرت سعدی میفرماید:

چو ایام عمر از چهل بر گذشت

مزن دست و پا آبت از سر گذشت

دیگر چاره ای نیست. باید در جوانی

احساس پیری کرد.

انگاری خندیدن و شاد بودن در آیین ما،



## Kids Club Daycare

هدف ما ایجاد فضایی سازگار با روح کودکان است تا در آن شادی و امنیت را تجربه کنند، مهارت های خوداستقلالی را بیاموزند و از بند های وابستگی رهایی یابند

*Our goal is to provide a safe & clean environment with healthy meals, lots of love, care & creative learning experience.*



با مدیریت توران ریواز

Lic.#434414083

Ages 1 month to 8 years old



Monday-Friday 7:30 to 5:30

Cell: (408)826-2467 Work: (408)217-8984

2650 Keystone Ave., # 65, Santa Clara, CA 95051

## آیا عزیزان شما در ایران نیاز به سمک دارند؟

www.audina.ir



♦ 50 درصد ارزانتر

♦ 30 روز دوره آزمایشی

♦ تجویز توسط پزشکان گوش، حلق و بینی

در سرتاسر ایران

www.audina.net

با مدیریت مهندس جعفری نژاد

متخصص سمک با 25 سال سابقه فیتینگ در آمریکا

(نماینده انحصاری سمک های آمریکایی آدینا در ایران)

(912)239-5602

(21)222-74680 ♦ (21)222-74615

دفتر مرکزی: تهران، شریعتی، ظفر، کوچه صبر، پلاک 1، واحد 3





سقوط است. با این حال، در میان شادی و هیجانها، مسائلی مربوط به شکنندگی و خمشدگی صفحه نمایش گوشیهای اپل وجود دارد. موضوع بحث برانگیز #Bendgate

که محقق نشد. پس امکان دارد گوشی جدید اپل از این ویژگی برخوردار باشد. صفحه نمایش گوشی آیفون ۷ یکنمایشگر سه بعدی است. طبق گزارش «Economic Daily News Publication» اپل به دنبال تکمیل پروژه نمایشگر سه بعدی است، بنابراین به احتمال زیاد گوشی نسل جدید اپل، دارای نمایشگری سه بعدی خواهد بود. این بدان معنی است که این کمپانی به سمت ایجاد یک اکوسیستم برای سختافزار و نرم افزار 3D می رود که بدون استفاده از عینک، می توان قابلیت سه بعدی آن را به تمام کسانی که این نمایشگر را می بینند، نمایش داد.

به گفته جان گروبر (John Gruber) از مدیران شرکت اپل در برنامه تالک شو، گوشی جدید اپل دارای دو لنز خواهد بود که امکان تصویربرداری «DSLR-quality imagery» را برای کاربران فراهم خواهد کرد. دنباله مطلب در صفحه ۵۰

که ادعا می شود آیفون ۶ در برابر فشارهای قوی قابل انعطاف است، هنوز به طور واضح ثابت نشده است. صفحه نمایش آیفون ۶ برخی از مشتریان خمیدگی داشته و کار نمی کرده است. بنابراین با توجه به شایعات می توان حدس زد که اپل به دنبال یک صفحه نمایش قوی تر از شیشه یا قوت کبود برای آیفون بعدی است که نمونه ای از آن در اپل وچ استفاده شده است. تجربه نشان داده است به همراه هر گوشی آیفون سیستم عامل مخصوص جدید اپل نیز متولد می شود که «iOS» نام دارد بنابراین باید انتظار داشت به همراه نسل هفتم آیفون، «iOS9» نیز منتشر شود.

از سوی دیگر به نظر می رسد شایعه امکان شارژ وایرلس نیز با اپل جدید در حال محقق شدن است چرا که این امکان در ساعت هوشمند اپل وجود دارد، و انتظار می رفت در گوشی آیفون ۶ این قابلیت قرار داده شود

## گمانه زنی های درباره عرضه آیفون ۷

آیفون ۶اس یا آیفون ۷ با دوربین ۱۲ مگاپیکسلی تا آخر تابستان (ماه اگوست) و با تنوع رنگی بیش تر وارد بازار خواهد شد. مدتی است که شایعات مربوط به تاریخ عرضه این گوشی در بازار بسیار داغ است، با توجه به این که مدت زمان زیادی نیست که اپل آخرین نسل گوشی های آیفون را تحت نام های آیفون ۶ و آیفون ۶پلاس عرضه کرده است، ما اطلاعات کافی در مورد این گوشی ها در اختیار داریم تا بتوانیم در مورد آن صحبت کنیم و با توجه به فاصله زمانی ارائه محصولات اپل می توان حدس زد زمان معرفی محصول جدید فرا رسیده است.

ضد آب بودن برخوردار هستند و برای اولین بار در گوشی های اکسپریا سونی از این امکان استفاده شده است و از نظر اغلب کاربران این ویژگی منحصر به فردی بود که استفاده از آن را اجتناب ناپذیر می دانستند اما تفاوت اصلی خاصیت ضد آبی بین گوشی های جدید آیفون و گوشی های دیگر در این خواهد بود که کل مدارهای گوشی اپل ضد آب خواهند بود تا از آسیب دیدگی گوشی در آب جلوگیری شود.

یکی دیگر از شایعات پخش شده در ارتباط با این گوشی قابلیت کنترل حرکت است که اجازه خواهد داد کاربران از دستگاه بدون لمس فیزیکی آن استفاده کنند. از این امکان در برخی از گوشی های هوشمند سامسونگ گلکسی استفاده شده است، بنا به اظهار بعضی از کارشناسان، اپل در این زمینه از بقیه رقبای عقب مانده و در حال

آیفون جدید می تواند نام آیفون ۷ یا آیفون ۶اس را به خود اختصاص دهد اما می توان این انتظار را داشت که آیفون جدید نیز همانند آیفون ۶ و آیفون ۶پلاس از فروش فوق العاده ای برخوردار شود. در حال حاضر آیفون ۶پلاس توانسته است تمامی رقبای خود را پشت سر بگذارد و برای اولین بار مشتریان اپل، استقبال غیر منتظره ای از گوشی بزرگ با برند اپل از خود نشان داده اند.

اگرچه که اپل هر ساله، تغییراتی را در آیفون نسل جدیدش اعمال می کند و بیش تر تغییرات شامل تغییر در لنز دوربین و بهبود آن است اما آیفون بعدی علاوه بر دوربین ۱۲ مگاپیکسلی و حسگر تصویری به قابلیت پشتیبانی از انرژی خورشیدی و ضد آب نیز مجهز خواهد بود البته در حال حاضر بعضی از گوشی های اندرویدی از خاصیت

# Gotta love a good combo

## ...especially when it saves you money

### We can help you save an average of \$600\*

## Talk to us about combining your renters and auto insurance today



Michelle Nguyen, Agent



ایل آترا قشه بوخته



ملیسا لازاری

ما با زبان های فارسی، آشوری، ارمنی، ترکی، ایتالیایی و ویتنامی می توانیم به شما کمک و راهنمایی کنیم!

## Get to a better State®. Get State Farm.

Call us today (408) 931-6086 

Mon-Fri 9am - 5:30 pm ♦ Saturday 10am - 1pm ♦ After hours by appointment

3220 Stevens Creek Blvd, Suite B, San Jose, CA 9511

Michelle Lic# OE35357 Eilatra Lic# OK18622 Melissa Lic# OJ06934

\*Average annual per household savings based on a xxxx national survey of new policyholders who reported savings by switching to State Farm. State Farm Mutual Automobile Insurance Company, State Farm Indemnity Company, Bloomington, IL State Farm Fire and Casualty Company, State Farm General Insurance Company, Bloomington, IL 1201143

کنند همین طور گاهی عصب وستیبولار (Vestibular) را قطع کرده و سرگیجه را بهبود می بخشد.

در بیماریانی که از Meniere's disease رنج می برند پیشنهاداتی هم راجع به رژیم غذایی آن شده است. کنترل عوامل زیر به بهبود بیماری کمک می کنند.

۱- محدود کردن مصرف نمک  
۲- عدم استفاده از غذاهائی که دارای MSG هستند

۳- توقف سیگار کشیدن  
۴- کنترل استرس و اضطراب های روزانه زندگی

۵- عدم مصرف مواد آلرژی زا در منزل  
۶- کنترل و یا جلوگیری از حملات میگرن  
۷- روان درمانی Psychotherapy

۸- مصرف غذاهای روزانه بطور مرتب و نرمال

این بیماری در روابط افراد بیمار با خانواده و دوستان، تولید میزان کار مفید و کوالیتی (Quality) زندگی تاثیر می گذارد. بیماران می توانند اطلاعات مفیدی از گروه پشتیبانی کننده (Support group) و سایر بیماران بدست آورده و وضعیت سرگیجه و فشار داخل گوش خود را کاهش دهند و از زندگی بهتری لذت ببرند.

Meclizine و Diazepam که حالات سرگیجه و تهوع را از بین می برند ولی موقتی هستند.

۲- مصرف داروهای دراز مدت: داروهای ادرار آور (Diuretics) که مایع داخلی بدن را کاهش داده و فشار داخل گوش را نیز کاهش می دهند.

هنگام مصرف این داروها بایستی الکترولیت های لازم را به بدن برسانید و میوه هایی نظیر موز، پرتقال، اسفناج و سیب زمینی شیرین استفاده کرده تا میزان پتاسیم و منیزیم بدن را متعادل کنند.

۳- داروهای تزریقی در داخل گوش: آنتی بیوتیک های جنتامایسین (Gentamicin) که با اثر توکسید (سمی) خود روی گوش تعادل را برقرار می کند

این روش احتیاج به بستری شدن ندارد و احتمال ایجاد عدم شنوایی گوش وجود دارد. تزریق استروئیدهایی نظیر دکزامتازون (dexamethasone) که سرگیجه های شدید را کنترل می کنند.

۴- جراحی گوش داخلی: در صورتیکه هیچ روشی موثر واقع نشد جراحی گوش پیشنهاد می شود. قسمتی از استخوانهای ظریف گوش داخلی را جدا کرده و یا با گذاشتن لوله های باریک (Shunt) مایعات اضافی را خارج می



## سرگیجه (Meniere's disease)

از گوش داخلی شروع می شود. عوامل زیادی میزان مایع در داخل گوش داخلی را کم و زیاد می کنند.

۱- بسته شدن مجرای که مایع را خارج می کند  
۲- سیستم ایمنی بدن  
۳- آلرژی

سرگیجه یک ناراحتی گوش داخلی است که یک احساس چرخش دور خود، عدم شنوایی متوسط، صدا در گوش و احساس فشار و درد در گوش ایجاد می کند ۹۰ درصد افرادی که این بیماری را



گوش داخلی نرمال



گوش داخلی با مریضی Meniere's disease

۴- عفونت گوش داخلی (ویروسی و باکتری)  
۵- ضربه به سر خوردن  
۶- میگرن  
۷- عوامل ژنتیکی و فامیلی  
همین خود استرس های ناشی از احساسات (Emotions) جزو فاکتورهائی هستند که سرگیجه شدید ایجاد می کنند.

خطرات ناشی از سرگیجه شدید عبارتند از افتادن روی زمین، تصادفات اتومبیل، مشکل در کار کردن با دستگاههای سنگین، افسردگی، اضطراب و ناشنوایی.

جهت تشخیص این بیماری از روش (Audiometry) برای بررسی میزان شنوایی فرد استفاده می شود. ارزشیابی تعادل بدن بخصوص در بین حمله های سرگیجه در فرد که از طریق حرکت چشم ها و سران را بررسی می کنند. انتقال آب یا هوای گرم و سرد به داخل گوش و بررسی حرکت چشم ها، روشهای کامپیوتری جهت بررسی حرکات چشم هنگام نگاه کردن به یک شیء و بررسی حرکات گردن و بالاخره روشهای MRI و CTScan که تصاویری از گوش داخلی را نشان می دهند.

این روشها حضور یک تومور مغزی در ناحیه گوش داخلی را نشان می دهند. درمان: همانطور که اشاره شد برای این بیماری درمانی وجود ندارد ولی می توان عوارض و علائم آن را کنترل کرده و یا از بین برد.

۱- مصرف داروهای کوتاه مدت نظیر

تجربه می کنند ابتدا در یک گوش این احساس را دارند. این بیماری اغلب در سنین ۴۰ تا ۵۰ سالگی ظاهر می شود ولی جوانان از آن مستثنی نیستند. گرچه می توان علائم بیماری را از بین برد ولی درمانی برای آن وجود ندارد.

سرگیجه ناشی از این سندرم اغلب بین ۲۰ دقیقه تا ۴ ساعت بطول می انجامد و سپس علائم تدریجا بهتر می شوند. سرگیجه ابتدا با شدت کم شروع می شود و تدریجا زیاد شده بطوریکه تمام حالات بدن را تحت تاثیر قرار می دهد و فرد روی زمین خوابیده و حالت تهوع و استفراغ به او دست میدهد. تشخیص این بیماری دارای اهمیت بسیار زیادی است زیرا این حالات در بیماریهای دیگر نیز ظاهر می شوند. یک تومور مغزی می تواند این حالات را در فرد ظاهر سازد. سردرد شدید، مشکل در صحبت کردن، ضعف شدن دست و پا، بی حسی و بی هوشی، همگی می توانند ناشی از بیماریهای گوناگون باشند.

گرچه هنوز علت دقیق بیماری Meniere روشن نیست ولی بیشتر گزارش های علمی بیانگر آن است که وجود بیش از حد مایع یا Fluid در داخل گوش داخلی (Inner ear) باعث بروز آن می شود.

لازم به یادآوری است که گوش انسان دارای سه قسمت گوش خارجی، گوش میانی و گوش داخلی است و این بیماری

اگر عمرت بود صد سال یابیش  
در آخر میروی از خانه خویش  
اگر شه باشی و یا مرد دویش  
بوقت مرگ نداری جز کفن بیش

ای دوست یا تا سوی میخانه رویم  
نو شیم می ولذت دنیا بریم  
امروز عقیمت است و می باید خورد  
تا وقت هنامست ز دنیا برویم

اصغر مهاجرانی





پروتئین و آمینو اسید، استفاده نمود؛ در رابطه با این باور غلط نیز باید گفت که، فردی که شروع به تمرین پرورش اندام می‌کند، با داشتن یک رژیم غذایی اصولی و درست تارسیدن به حد وراثتی به استفاده از این مکمل‌ها ندارد و نیز تحقیقات علمی ثابت کرده است که تا محدوده وراثتی استفاده از این مکمل‌ها و یا اضافه کردن پروتئین بیشتر طبیعی از راه غذا هیچ تفاوتی در روند پیشرفت ورزشکار در رسیدن به محدوده وراثتی اش ندارد (مگر اینکه مکمل خریداری شده توسط ورزشکار حاوی ترکیبات هورمونی باشد).

نیز می‌توانند قدرت، استقامت و اندازه عضلانی را افزایش دهند و اغلب متخصصان ورزشی انجام این تمرینات را برای افراد مبتدی و نیز حرفه‌ای توصیه می‌کنند.

تمرین با دستگاه‌های تمرینی نسبت به هالتر و دمبل اثر بهتری دارند؛ باید گفت که در رابطه با تمرین بعضی از عضلات این حرف درست است اما در اکثر موارد، شیوه تمرین سنتی با هالتر و دمبل (به خصوص در حرکات چند مفصلی) بر تمرین با دستگاه ارجحیت دارد.

تمرین بیشتر به معنای پیشرفت بیشتر است؛ متأسفانه عده‌ای از افراد غیر حرفه تصور می‌کنند که در صورت انجام تمرین بیش از حد و زیاد پیشرفت بیشتری هم می‌کنند، اما باید دانست که آنچه پیشرفت فرد را در تمرین پرورش اندام تضمین می‌کند، تمرین متناسب، استراحت کافی و تغذیه اصولی است.

**تمرینات کالیستنیک-ایزو تونیک (تمرینات بدون امتیاز به ممیط باشگاه)** تمرینات موثری نیستند؛ در رابطه با این تصور اشتباه باید گفت که این تمرینات



## تصورات اشتباه، ابهامات و خرافات درباره تمرینهای پرورش اندام

کامران علیشاهی  
داور و مربی بین المللی بدنسازی

متأسفانه به علت وفور اطلاعات غلط و باورهای نادرست عوام از تمرینات پرورش اندام، تصور اشتباه، ابهامات و خرافه‌های بسیاری در رابطه با این تمرینات در جامعه پدید آمده است که در ذیل به بررسی برخی از آنان می‌پردازیم:

تمرین پرورش اندام، از حرکات کششی استفاده نمود.

تمرینات پرورش اندام با تمرینات ایروبیکی در تضاد هستند؛ این نیز یکی از تصور اشتباه است و با نگاهی به برنامه‌های تمرینی قهرمانان رشته پرورش اندام می‌توان به خوبی غلط بودن این تصور را درک نمود. البته ورزشکاران رشته پرورش اندام نسبت به سایر ورزشکاران، مثلاً رشته ورزشی فوتبال، تمرین ایروبیکی کمتری دارند (۲ تا ۴ جلسه در هفته) اما تمرین ایروبیکی جزء لاینفک برنامه تمرینی ورزشکاران رشته پرورش اندام می‌باشد.

برای انجام تمرینات پرورش اندام متما باید از مکمل‌های غذایی نظیر پودر

افزایش اندازه عضلات باعث کاهش انعطاف پذیری می‌شود؛ یکی از باورهای غلط که در بین افراد دیده می‌شود، این تصور است که افزایش اندازه عضلات بر اثر تمرینات پرورش اندام باعث کاهش انعطاف پذیری بدن می‌شود. مطالعات و تحقیقاتی که بر روی ورزشکاران نخه پرورش اندام و وزنه برداری قدرتی (پاورلیفتینگ) انجام شده نشان می‌دهد که این ورزشکاران از نظر انعطاف پذیری در سطوح عالی قرار دارند. با این همه پیشنهاد شده که برای حفظ انعطاف پذیری حرکات پرورش اندام را در سرتاسر دامنه حرکتی بطور کامل انجام داده و برای اطمینان از حفظ انعطاف پذیری قبل و بعد از هر جلسه

## S & S Tire And Auto Repair

### Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated



Oil Change Special  
Get \$5 OFF on  
Regular Oil Change

Oil Change Special  
Get \$10 OFF  
Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at  
[www.sstireandautorepair.com](http://www.sstireandautorepair.com)

(408)738-1960  
597 S. Murphy Ave.  
Sunnyvale, CA 94086

We Are #1  
Established in 1996

(408)583-1200  
1800 S. Winchester Blvd.  
Campbell, CA 95008

شمال شرقی، شمال غربی، جنوب شرقی، جنوب غربی، علم نجوم ژاپنی و مربع جادویی است. (در این مربع اعداد ۱ تا ۹ به شکلی مرتب شده اند که اولاً از هر عدد فقط یکبار استفاده شده و ثانیاً جمع اعداد هر ردیف چه افقی چه عمودی با ۱۵ برابر است.

۴	۹	۲
۳	۵	۷
۸	۱	۶

از ترکیب موارد مذکور و در نظر گرفتن همه آنها در داخل یک اداره می توان برای ارضاء مشتریان یک شرکت، همکاری دوستانه بین افراد یک اداره، ارتباط مؤثر با مراجعین و... استفاده کرد. با بهره گیری از این دانش کهن حتی می توان با ایجاد موقعیت هایی همچون تعیین محل قرار گرفتن افراد، تأثیرات عمیق و کارا بر افراد گذاشت و آنها را با عقیده خود همراه کرد. بطور کلی جهت قرارگیری کل بنا و معماری ساختمان، محل قرار گرفتن ساختمان نسبت به وضعیت خیابان های اطراف و ... طراحی رنگهای فضای داخلی و چیدمان وسایل کار مثل وضعیت میز کار نسبت به بازوهای اتاق ها و یا چگونگی قرار گرفتن دستگاههای تاسیساتی یا تزئیناتی موجود در محل کار و یا حتی نظم و انضباط وسایل روی میز کار مواردی هستند که مشاوران فنگ شوی به آنها دقت داشته و در هر موقعیتی مناسب ترین طراحی را انتخاب کرده و بدین ترتیب در بهبود کیفیت زندگی و کار هر شخص و همینطور کل گروه نقش مؤثری ایفا می کنند.

آرام نظم و هماهنگی بین شما و همکاران دیگر به وجود آورد. گاهی اوقات گردش ۴۵ درجه میز کار به سمت شرق یا آویختن عکس آبنمایی به روی دیوار شمالی دفتر کار، کمک بسیار موثری به هماهنگی و نظم محیط کار می کند و حتی شما را از آسیب انرژی های منفی که شاید از سوی همکار بد اخلاق و سختگیران متوجه شماست در امان نگه می دارد.

شاید سوال کنید آیا با این کارها به نتایج مثبت شخصی دست خواهید یافت؟ به نظر عجیب می رسد، اما بر اساس اعتقاد قوانین فنگ شویی، حتی یک تغییر کوچک در محلی که ما را احاطه کرده می تواند به روان شدن انرژی، "جی"، که همان انرژی حیاتی است کمک کند. از اینرو موقعیتی هماهنگ و متعادل با خود و در ارتباط با دیگران به همراه خواهد آورد. برای مثال رئیس یک شرکت بزرگ انگلیس که به خاطر کار طاقت فرسا نگران سلامتی خود بود به یک مشاور فنگ شوی مراجعه نمود و با انجام پیشنهادات وی پس از مدتی توانست کار خود را بهتر انجام دهد و هم در امور شخصی و هم در محیط کار موفق تر شود. طبق بررسی وضعیت اتاق کار وی مشخص شد که میز تحریر او در جهت شرق و صندلی در جهت شمال شرقی قرار داشت. طبق اصول فنگ شویی این جهت ها باعث فعالیت زیاد و جاه طلبی می شوند، بنابراین بنا به پیشنهاد مشاور فنگ شویی جهت میز کار به سمت شمال غربی و صندلی به سمت شرق تغییر یافت. در پس این قوانین به ظاهر ساده مجموعه ای از مطالعات وسیع وجود دارد که شامل جریان انرژی جی، برقراری توازن میان ویژگی های یین، یانگ و فلز، مذکر و پنج عنصر چینی، زمین (خاک)، فلز، آب، چنگل (چوب) و آتش، هشت جهت اصلی زمین شمال، جنوب، شرق، غرب،

موجودات جاندار و بی جان جاری شده و موجب بروز اتفاقات خوب و سازنده می شود. فقدان جریان "جی" نتیجه معکوس، یعنی بدبختی و اختلال و نگرانی به بار می آورد. محور اصلی هنر فنگ شویی وحدت میان آسمان، زمین و انسان است. چینی های باستان در جستجوی وسیله ای برای توضیح نیروهای مرئی و نامرئی روی زمین و تأثیر مهم و مرموز این نیروها بر رفتار انسان بودند و به دنبال معنویتی بودند که در هنگام سختی ها و بلاها به آنها پناه بیاورند و به آرامش و آسایش برسند. هدف چینی های باستان وحدت انسان و طبیعت بود و قصد داشتند با وحدت بین انسان و کائنات به یگانگی برسند. در واقع فنگ شویی با جلوگیری از هدر رفتن منابع و سپس ایجاد انرژیهای خوب در اطراف انسان موجب می شود رابطه متعادل و موزونی بین انسان و محیط پیرامونش برقرار شود و انسان در می یابد که با محیط اطرافش یکی است و ارتباط درونی بین عوامل را درک می کند. نکته جالب اینکه فنگ شویی در هر کجا قابل استفاده است و هر کس به فراخور نیاز خود می تواند از آن بهره مند شود.

به نظران محیط زندگیتان بازتابی از سلامتی شما است؟ محل زندگی شما چگونه روی روابط شما اثر دارد؟ اکثر انسانها نسبت به محیط زندگی خود بی توجه هستند و از تأثیراتی که این محیط بر وجودشان می گذارد غافل اند. حال آنکه گفته می شود محیطی که در آن زندگی می کنیم محیط کاملی است که بر مبنای فعل و انفعالات متقابل نظام خورشیدی (آسمان)، محیط اطراف (زمین) و تاریخ تولد (فردیت) بنا شده است. بنابراین برای یک زندگی آرام و متعادل، همونایی با نظام خورشیدی، زمین و حتی تاریخ تولد ضروری به نظر می رسد. این همونایی و هماهنگی توسط روشهایی چون فنگ شویی ایجاد می شود. فنگ شویی دانش و هنر قدیمی است که مطلوب ترین روش های زندگی در محیطی مناسب و موزون را به انسان می آموزد. فنگ شویی مشخص می کند چگونه با استفاده از رنگهای مناسب، وسایل زندگی مناسب و طریقه صحیح چیدمان آنها محیطی نافع برای خود ایجاد کنید و محیط کار، تجارت یا خانه خود را به مراکز قدرت تبدیل نمایید. در مورد تاریخ دقیق فنگ شویی یا ابداع کننده آن هیچ سند قابل اطمینانی در دست نیست. تنها در هشتاد سال گذشته موفق به کشف اسناد و مدارک اندکی متعلق به قرون سوم و چهارم قبل از میلاد شده اند که در آنها به صورت غیر مستقیم به فنگ شویی اشاره شده است. فنگ شویی در قلب و ذهن مردم معمولی و از طریق زبان رمزی بین استادان و شاگردان باقی ماند و به صورت سینه به سینه رموز این هنر حفظ شد. به همین دلیل تعداد کمی از متون مکتوب آن باقی مانده است. بعضی از محققان معتقدند حکمت و کاربرد فنگ شویی همزمان با مکتوب شدن نظریه یین (سرد) و یانگ (گرم) و اندیشه های جهان بینی مبتنی بر پنج عنصر چینی، زمین (خاک)، فلز، آب، چنگل (چوب) و آتش، مدون گردیده است. نظریه فنگ شویی رابطه کیهان و انسانها را بررسی می کند و هدف آن ایجاد وحدت میان آسمان، زمین، انسان و ماده از طریق نیروی تاجی (نهایت مطلق) است. چینی های باستان اعتقاد داشتند هنگامی که این وحدت به وجود آید، "جی" (نیرو های حیاتی) در

یکی از مهمترین مباحثی که فنگ شویی به آن می پردازد محیط کار است. اگر محیط کار و زندگی هر کسی از ارتعاشات سالم احاطه شده باشد خود او نیز سالم می ماند.

**فنگ شویی در کار**

آیا از محیط کار خود لذت می برید؟ آیا به شغل خود علاقه مند هستید؟ لحظاتی که در محل کار هستیید چگونه می گذرد؟

هماهنگی میان همکاران، معین بودن حدود فعالیتها، داشتن روح بی پروا و با همت، حسن ابداع و همچنین ارتباط خوب بین مخاطبان مختلف در محیط کار، همگی عناصری می باشند که موجب فعالیتی بهینه، مثبت و در حال رشد می شوند. این محاسن را می توان به کمک قوانین فنگ شوی در محیط کار ایجاد کرد. به طور مثال با بررسی چگونگی قرار گرفتن شما در دفتر کار، همینطور وضعیت دیگر همکارانتان و حتی وسایلی که شما را احاطه کرده اند می توان موقعیت مؤثر و



به هم می زند. گاهی یک ساعت یک سطح صاف را دست می کشید و من و پدرش را عصبانی می کرد.

**من فقط دارم تلاش می کنم از فوادم دفاع کنم**  
الآن نوتیوم که در زمینه بچه های مبتلا به اوتیسم تحقیقات زیادی کرده معتقد است این کودکان می خواهند به شما بگویند، احساس ناهماهنگی دارند و این بدین معناست که مناظر، صداها، بوها، مزه ها و تماس های عادی که شما ممکن است حتی متوجه آنها نشوید، می توانند برای من صرفاً دردآور باشند. من در محیط اطرافم اغلب احساس ناامنی می کنم. ممکن است برای شما کناره گیر، پرخاشگر یا آب زیرکاه به نظر برسم، اما من فقط دارم تلاش می کنم از خودم دفاع کنم. در اینجا (توضیح می دهم) که چرا یک سفر ساده به مغازه خواروبار فروشی می تواند برای من دردناک باشد.

شنوایی من می تواند خیلی حساس باشد. افراد بسیاری به صورت هم زمان پیچ پیچ می کنند، بلندگو (کالای) پیشنهاد روز را با صدای بلند اعلام می کند. موسیقی از سیستم صدا به صورت بلند و ناخوشایندی پخش می شود. نمایشگرهای بارکد، بیپ بیپ می کنند و به صورت مقطع صدا می دهند.

دنباله مطلب در صفحه ۵۰

آموزش دهید پیرس "حالت خوب است؟ مازیار هم اوتیسم دارد. مادرش می گوید وقتی فهمیدم که او ۱۸ ماهه بود و با روشن کردن چراغ جیغ می زد و از نور فرار می کرد. خانه ما شده بود تاریکخانه و ما نمی توانستیم مازیار را از خانه بیرون ببریم چرا که با دیدن نور ریسه می رفت. کم کم متوجه اختلال در حرف زدن و یادگیری او شدیم.

مازیار در ۵ سالگی هیجانی شده بود و درباره یک موضوع با وجود مشکلاتی که در بیان کلمات داشت با هیجان زیاد حرف می زد. می لرزید و گاهی آنقدر حرف می زد که من و پدرش سر او فریاد می زدیم و خواهرش او را به اتاقش راه نمی داد یا از اتاق بیرونش می کرد.

مازیار بدون احساس حرف می زد و نمی توانست یک شعر ساده را حفظ کند. اگر می خندیدیم بی تفاوت بود و اگر عصبانی می شدیم بی تفاوت به نظرمی رسید و ما برای گوش نکردن به حرف او را تنبیه می کردیم.

پسرکم با دعوای ما دستش را روی گوشش می گذاشت و فقط نگاه می کرد. مازیار در ۶ سالگی اشیا را لیس می زد و مادر بزرگ هایش مرتب به من می گفتند تو هم با این زایدبندت. این بچه حال آدم را

## کودکان مبتلا به اوتیسم (Autism)

آورد، پدرش چندین بار او را کتک زد. حتی خودم بارها سرش داد کشیدم. این مشکل من و پدر مریم نبود ما آموزش ندیده بودیم، ما حتی نام بیماری فرزندانمان را هم نشنیده بودیم.

### به من آموزش دهید

کودکان مبتلا به اوتیسم در معرض خشونت هستند و آموزش کافی برای درک بیماری اوتیسم به والدین و جامعه وجود

ندارد. این در حالیکه ال نوتیوم در کتاب افق آینده درباره کودکان مبتلا به اوتیسم و از زبان آنان می نویسد: در تعاملات اجتماعی به من



کمک کنید. ممکن است به نظر برسد من نمی خواهم در زمین بازی با دیگر بچه ها بازی کنم. اما ممکن است (علت) این باشد که من به سادگی نمی دانم چگونه یک مکالمه را شروع کنم یا به بازی آنها ملحق شوم. به من یاد دهید چگونه با بقیه بازی کنم. دیگر کودکان را تشویق کنید که مرا به بازی دعوت کنند. من ممکن است خوشحال شوم که جزیی از آنها باشم.

من در بازی های ساختار یافته که ابتدا و انتهای مشخصی دارند تمام تلاشم را می کنم. نمی دانم چگونه حالات چهره، زبان بدن، و احساسات دیگران را بفهمم. مرا راهنمایی کنید. اگر زمانی که امیلی از سرسره می افتد من می خندم، به خاطر این نیست که به نظرم بامزه است. به خاطر این است که نمی دانم چه باید بگویم. به من

مریم دیر حرف افتاد. از نوزادی به نور و صدا و حتی بو حساس بود. بعدها که شروع به حرف زدن کرد به جای من می گفت: "تو" و همه ما از این حرفش می خندیدیم. گاهی اوقات که یک کلمه را نمی توانست بیان کند انگار پانتمیم بازی می کرد تا بتواند یک کلمه را توضیح دهد. مادرم می گفت ماشالله بچه خیلی باهوش است ولی من می فهمیدم دخترکم مشکلی دارد.

تا دو سالگی، فکرمی کردم همه چیز طبیعی است. وقتی با دکترش همین حرف ها را در میان گذاشتم فهمیدم مریم "اوتیسم" دارد. آنچه من را رنج می داد خشونت پنهانی بود که همزمان با بزرگ شدنش تحمل می کرد. زمانی که نمی توانست و یا دوست نداشت با هم سن و سالانش ارتباط بگیرد و با آمدن مهمان به گوشه ای پناه می برد و دیگران با رفتارهای نامناسب با او برخورد می کردند.

مریم به اطرافش با دقت نگاه می کرد و گاهی یک کلمه را چندین بار تکرار می کرد و دیگران به او می خندیدند. از دست هایش به شکل نا معمولی استفاده می کرد و باز دیگران به او می خندیدند و مسخره اش می کردند. وقتی که لباس زیرش را نمی توانست تحمل کند و آن را در می



## آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach  
atoosa30@yahoo.com

مربی زندگی یک روانشناس نیست. او کسی است که با حمایت و تشویق شما و با ارائه راه های جدید برای رسیدن به هدف ها، به شما کمک میکند تا زندگی شخصی و حرفه ای خود را توسعه دهید.

مربی زندگی یک سیستم پشتیبانی است که یک هدف در ذهن دارد: بالا بردن کیفیت زندگی شما

- ♦ رسیدن به شادی و نشاط درونی
- ♦ Relationships
- ♦ Self-esteem
- ♦ اعتماد و حرمت نفس و تعادل
- ♦ Behavior Problems
- ♦ خودشناسی، خودسازی، هدف یابی
- ♦ Adults & Teens
- ♦ تصمیم گیری های درست در زندگی شخصی و یا کاری
- ♦ Life Choices
- ♦ روابط و حل اختلافات زوجی و یا خانواده ها
- ♦ Happiness & Balance
- ♦ صحبت های مثبت و سازنده برای نوجوانان و جوانان

No matter what you want to change in life, the process is the same. I can help you navigate this process. Together we identify what matters most to you, what has been limiting you, & we design a personalized action plan to help you move forward.

**Atoosa Yekan "Not just another life coach..."**

Serving the Bay Area

(۹۲۵) ۲۹۷-۹۷۰۰

## Jasmine Carpet Care

شستشوی موکت، قالی و مبیل مسکونی

شستشوی مبلمان و قالی بر طرف کردن بوی بد موکت

Professional Truck Mount Steam Cleaning for Carpet & Upholstery

<p>Carpet Steam Cleaning for Whole House, Up to 1100sq. Excluding Stairs <b>\$119.95</b> Reg: \$239.95</p>	<p>Sofa &amp; Love Seat Steam Cleaning Most Fabrics <b>\$99.95</b> each Reg: \$199.95</p>
--	---

(408)266-1111 www.jasminecarpetcare.com

سرویس قابل اطمینان با قیمت های بسیار مناسب

## ناقص سازی جنسی زنان در ایران

سخنرانی رایحه مظفریان در کمیته مقام زن سازمان ملل متحد  
r.mozafarian@gmail.com ♦ www.facebook.com/stopfgmiran

کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد نهادی وابسته به شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد است که از سال ۱۹۴۶ با هدف برابری جنسیتی و کمک به پیشرفت زنان تشکیل شده است. این کمیسیون هر سال نشست‌های ده روزه در مقر اصلی سازمان ملل در نیویورک برگزار می‌کند تا پیشرفت در برابری جنسیتی، تعیین چالش‌ها، وضع استانداردهای جهانی و فرمول‌بندی سیاست‌هایی برای ترویج برابری جنسیتی و پیشرفت زنان را در سطح جهان بررسی نماید. این کمیسیون همانند دیگر نهادهای سازمان ملل نقش تصمیم‌گیری با ضمانت اجرایی ندارد، اما برخی آن را بالاترین مقام نظارتی در حوزه زنان در سازمان ملل به‌شمار می‌آورند.

هر سال تمام پژوهشگرانی که در حوزه برابری جنسیتی و حقوق زنان فعال هستند از همه جای جهان کنار هم جمع میشوند تا در مباحث تخصصی مورد مطالعه خود با یکدیگر تبادل نظر کنند. سالهاست که موضوع ختنه دختران در آفریقا و انجام آن در اروپا توسط مهاجرین آفریقایی تبار نقل محافل جهانی است، اما چند سالی است که با مطالعه و تلاش چند تن از پژوهشگران این حوزه در آسیا و خاورمیانه، نگاهها از سمت آفریقا به نقطه دیگری از جهان میل کرده است.

از دهه ۹۰ میلادی که جامعه جهانی برای اولین بار با موضوع ناقص سازی جنسی زنان روبرو شد تا سال ۲۰۱۳ که یونیسف گزارشی از وضعیت شیوع جغرافیایی این عمل را منتشر کرد، تنها ۲۹ کشور به عنوان کشورهایی که ختنه دختران در آنها رواج دارد به شناسایی شده اند، در حالی که بیش از ده کشور دیگر همچنان از سوی دولتهاپشان و یونیسف به عنوان کشورهای درگیر معرفی نشده اند. بخش‌های مرکزی و جنوبی عراق، ایران و عمان کشورهایی هستند که به ناقص سازی جنسی مبادرت می‌کنند ولی یونیسف آماری از آنها منتشر نکرده و در مورد آنها صحبتی مطرح نشده است. بنابراین همچنان پژوهشگران در تلاش هستند تا با ارائه آمار و اطلاعات بتوانند سازمان‌های دست‌اندر کار ملی و بین‌المللی را قانع کنند.

کلیسای مرکزی سازمان ملل در ۹ فوریه سال ۲۰۱۵ در ساعت ۱۰ صبح میزبان مخاطبینی بود که به موضوع ناقص سازی جنسی (ختنه) زنان توجه داشتند. این نشست با حضور بیش از ۱۵۰ مخاطب متخصص و ۵ کارشناس در حوزه ختنه دختران در خاورمیانه و آسیا برگزار شد.

در میان این کارشناسان رایحه مظفریان نویسنده کتاب "تیغ و سنت" پیرامون ختنه دختران در ایران اطلاعاتی به حاضران ارائه داد. وی پیش از شروع صحبت به هر یک از حاضران یک تیغ صورت تراشی مردانه و یک ورق کاغذ قرمز داده بود تا حاضران کاغذهای قرمز را با تیغهای صورت تراشی به هر نحوی که مایلند ببرند. همچنین از حضار درخواست شد تا در حین بریدن کاغذها اگر سؤالی دارند بپرسند. همه حاضران کاغذهای قرمز را بدون پرسیدن سؤالی بردند و آن را برای نمایش به بالای سر بردند.

پس از آن رایحه مظفریان صحبت خود را در مورد ختنه زنان در ایران چنین آغاز کرد:

«همچون اکثر کشورهای اسلامی در ایران هم قوانینی در مورد قطع عضو یا ایجاد نقص عضو وجود دارد. اما در مورد ناقص کردن اندام تناسلی زنان قانون به صراحت بیان میدارد که نصف دینه زن به او تعلق می‌گیرد. علاوه بر آن، این نقص یکی از اشکال معلولیت است. بنابراین میتوان قوانین ملی و بین‌المللی در این زمینه را نیز برای این شکل از نقص عضو به کار برد.

آنچه که اطلاعات محدود اما مفید تا کنون در اختیار پژوهشگران قرار داده‌اند آن است که ختنه زنان با درجات و درصدهای مختلف در ایران با نام سنت و همچنان صورت می‌گیرد. اما به دلیل این که این سنت مخفی انجام میشود نمیتوان آمارهای دقیقی از آن به دست آورد. از چند پژوهش دانشگاهی که تاکنون صورت گرفته، ارقامی به دست آمده است که نشان میدهد ختنه زنان از ۲۰ تا ۸۰ درصد

هم نظریات و شبهاتی را در باب ختنه و مشروعیت آن بیان کرده اند. علت این اختلافات وجود روایات متعدد در باب ختنه و اختلاف علما در فهم معانی آنها است. امر غالب

این است که ختنه مردان و زنان واجب است.»

رایحه مظفریان، در ادامه، توجه مخاطبین را مجدداً به کاغذهای قرمز بریده شده جلب کرد. او توضیح داد که هدفش از این درخواست از مخاطبین به چالش کشیدن قانون اطاعت از اتوریتیه یا قدرت است. برای اولین بار استنلی میلگرام کتابی نوشت که در آن به بررسی انسان‌ها و



نمونه تیغی که برای ناقص کردن اندام تناسلی زنان و دختران استفاده می‌شود

رفتارشان در هنگام قرار گرفتن در معرض اتوریتیه می‌پرداخت. در حقیقت او می‌خواست نشان دهد که انسانها بدون آنکه پیش از انجام دستوری به آن فکر کنند بلافاصله آن را به اجرا می‌گذارند. او در توضیحی درباره کتاب مینویسد: "دیدیم که مردمان نیک سیرت با فقدان احساس قاعده‌مندی در برابر خواست اتوریتیه سر خم کردند و به انجام اعمالی خشن و سخت دست زدند. مردمی که در زندگی روزمره نجیب و مسئول‌اند، با اغوای اتوریتیه و با کنترل ادراکشان و با پذیرش ناآگاهانه از



رایحه مظفریان در حال سخنرانی

تعریف و توضیح آزمایش‌گر، دست به انجام اعمال وحشتناک زدند." وی در یکی از آزمایشها از افرادی که برای آزمایش انتخاب شده بودند درخواست می‌کند که از فردی که به برق وصل شده است سوالاتی بپرسند و اگر او جواب نادرست داد ولتاژ برق را بالاتر ببرند. همه افرادی که در این آزمایش شرکت کردند شاهد زجر کشیدن فرد متصل به برق بودند در حالی که خودشان این شکنجه را بر او اعمال میکردند. این افراد بدون پرسیدن چرایی یا رها کردن آزمایش تا انتها مسیر کامل آزمایش را طی کردند و خودشان با دستان خودشان ولتاژ برق را تا حد نهایی افزایش دادند.

این کتاب‌الگویی شد برای رایحه مظفریان تا بار دیگر آن را در مورد علت تداوم عمل ختنه دختران و اطاعت از اتوریتیه به آزمایش بگذارد. تمام شرکت‌کنندگان در این نشست بدون پرسیدن سؤالی و تنها به دلیل اعتمادی که به سخنران داشتند کاغذهای قرمز را بردند. در حقیقت مظفریان میخواست این نتیجه را بگیرد که افرادی که هنوز معتقدند عمل ختنه دختران باید انجام بگیرد پیش از آن که این امر را به اجرا در بیاورند پیرامون آن پرسش و پژوهشی نمیکند. آنها به این سنت به عنوان یک رسم دیرباز مینگرند که از پیش میراث فرهنگشان بوده است. در نهایت او از مخاطبان درخواست کرد که روی همان کاغذهای پاره بنویسند "چرا؟!"

## ماهنامه پژواک

پارچه آگهی در نشریه پژواک کسب و خدمات  
خواه رای به ایرانیاکان شمال کالیفرنیا معرفی نماید!

(408) 221-8624



مخاطرات آن به هیچ وجه نمی هراسد. برعکس حافظ به مشکلات وادی عشق وقتی واقف می شود که با مخاطرات عشق در حین راه مواجه می شود و ناگزیر به مصائب آن تن در می نهد و همین امر فرق مکتب عشقی مولوی و حافظ است:

الایا ایها الساقی ادرکأسا و ناولها  
که عشق اول نمود آسان، ولی افتاد مشکل ها  
به ابیات مولانا نیز در زیر توجه فرمائید:  
عشق از اول چرا خونی بود؟

تا گریزد هر که بیرونی بود  
او به عکس شمع های آتشی است  
می نماید آتش و جمله خوشی است  
مولوی می گوید در طریق وصول به  
حق عده ای زاهدانه می دوند و گروهی  
عاشقانه می پرند لیکن پریدن عاشقان کجا  
و دیدن زاهدان کجا؟

زاهدان با ترس می تازند به پا  
عاشقان پَران تر از برق هوا  
مولوی عشق را بدین جهت بر زهد ترجیح  
می دهد که علاوه بر بسیاری از مزایا  
مرکب عشق تندروتر است.

یک عنایت به زد صد گون اجتهاد  
چهد را خوفست از صد گون فساد  
و آن عنایت هست موقوف مامت  
تجربه کردند این ره را ثقات

دنیاله مطلب در صفحه ۵۱

ای طالب دیدار او، بنگر در این کھسار او  
ای که، چه باده خورده ای؟ ما مست گشتیم از صدا  
و نیز در این باره آمده:

من غلام قمرم، غیر قمر هیچ مگو  
پیش من جز سخن شمع و شکر هیچ مگو  
سخن رنج مگو، جز سخن گنج مگو  
ور از این بیخبری، رنج مبر، هیچ مگو  
دوش دیوانه شدم، عشق مرا دید و بگفت  
آمدم، نعره مزین، جامه مدر، هیچ مگو  
من به گوش تو سخن های نهان خواهم گفت  
سربجنبان که بلی، جز که به سر هیچ مگو  
مولوی جای دیگر شکوه و عظمت عشق را  
چنین توجیه می کند:

جسم خاک از عشق بر افلاک شد  
کوه در رقص آمد و جلاک شد  
که مصراع اول اشاره به معراج پیامبر  
اکرم (ص) و مصراع دوم اشاره به ماجرای  
موسی و تجلی حق بر کوه طور است که  
شرح آن داده شده است.

خلاصه، عشق این پدیده روانی در آثار  
جلال الدین از عوامل بسیار مهم و  
جاندار است که نقش اساسی در شادابی  
و نفوذ و جذابیت و گیرندگی کلام دارد  
و نکته بارزی که در کلام مولوی به  
چشم می خورد این است که این عارف  
وارسته مشکلات و مصائب راه عشق را  
به خوبی می داند و باوجود این مشتاقانه  
قدم در این راه صعب العبور مینهد و از



## مولوی و عشق

دکتر حسین مسیح پور

دل فدای تو، چون توئی دلبر  
جان نثار تو، چون توئی جانان  
راه وصل تو راه پُر آسب  
درد عشق تو درد بی درمان

نفحات الافتعروضوا» یعنی همانا در روزهای  
زندگی شما نفحات حق در وزیدن است  
سعی کنید از آن ها برخوردار شوید. می  
بینیم در تمام اشارات مولوی در تهذیب  
درون و توجه به تعالی است و عامل اصل  
آن نیز قوه محرکه عشق است.

گفت پیغمبر که نفحات های حق  
می رسد هر روز و می گیرد سبق  
گوش و هوش دارید این اوقات را  
در ربایید این چنین نفحات را  
نفحه آمد مر شما را دید و رفت  
هر که را می خواست جان بخشید و رفت  
نفحه دیگر رسید آگاه باش

تا از این هم وانمانی خواجه باش  
مولوی بهترین تجلی حق یعنی عشق را  
توصیف می کند:

باغ سبز عشق کو بی منتهاست  
جز غم و شادی درو بس میوه هاست  
از غم و شادی نباشد جوش ما  
با خیال و وهم نبود هوش ما  
حالتی دیگر بود کان نادرست  
تو مشو منکر که حق بس قادرست  
آنچه در نزد جلال الدین از عشق دیده می  
شود بهجت و سرور و شادابی و وصال  
است، نه غم و اندوه و هجر و فراق، به  
ابیات زیر از دیوان شمس در شکوه عشق  
توجه فرمائید:

ای عاشقان، ای عاشقان، امروز مائیم و شما  
افتاده در غرقابه ای تا خود که داند آشنا  
گر سیل عالم پر شود، هر موج چون اشتر شود  
مرغان آبی را چه غم، تا غم خورد مرغ هوا  
ما رخ ز شکر افروخته، با موج و بحر آموخته  
زان سان که ماهی را بود دریا و طوفان جانفزا  
این باد اندر هر سری، سودای دیگر می یزد  
سودای آن ساقی مرا، باقی همه آن شما  
دیروز مستان را به ره، بر بود آن ساقی کله  
امروز می در می دهد، تا بر کند از ما قبا  
ای رشک ماه و مشتری، با ما و پنهان، چون پری  
خوش خوش کشانم می پری، آخر گنوی تا کجا  
هرجا روی تو با منی، ای هر دو چشم و روشنی  
خواهی سوی مستم کش، خواهی ببر سوی فنا  
عالم چو کوه طور دان، ما همچو موسی طالبان  
هردم تجلی می رسد، بر می شکافد کوه را  
یک پاره اخضر می شود، یک پاره عبهر می شود  
یک پاره گوهر می شود، یک پاره لعل و کهربا

مولانا جلال الدین بر این باور است که  
خداوند نوآفرین است و همه افعال و  
صفتش بدیع و تازه است. چنانچه عارفان  
دیگر هم گفته اند تجلیات خداوند تکرار  
نمی شود و در دوبار یکسان تجلی نمی  
کند، «لا تکرار فی تجلی» این بدیع نگری  
و شگرف بینی خداوند چشم ویژه و حقیقت  
بین می خواهد که آنها را دریابد و آنها  
که به قرب خداوند راه یافته اند به وضوح  
نوآوری فضل الهی را می بینند. ولی آنان  
که عاری از چشم دل حقیقت بین هستند از  
دیدن این تجلیات و عشق حق محرومند،  
مولانا معتقد است اگر انسان تصفیه و  
تزکیه و پاک شود، مانند خورشیدی می  
شود که نه تنها جرم و چرک نمی پذیرد،  
بلکه موجب پاکی و تزکیه دیگران می  
گردد. به ابیات زیر توجه فرمائید:

کی شود دریا ز پوز سگ نجس؟  
کی شود خورشید از پف منطمس؟  
نور خورشید از بیفتند بر حدث  
او همان نورست، نپذیرد خبث  
مولوی می گوید برای تصفیه و تزکیه شدن  
وجود یک پیر و مراد کاردان و یا مصاحب  
شایسته لازم است.

کارمردان، روشنی و گرمی است  
کار دونان، حیل و بی شرمی است  
چون ز تنهائی تو نو میدی شوی  
زیر سایه یار خورشید شوی  
رو، بجو یار خدائی را تو زود  
چون چنان کردی، خدا یار تو بود  
گاهی تجلی حق بر مجذوب چنان گیرا و  
مست کننده است که مجذوب تحمّل تجلی  
حق را ندارد. حافظ در این باره می گوید:  
دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند  
وندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند  
بیخود از شعشعه پرتو ذاتم کردند

باده از جام تجلی صفاتم دادند  
که بیت دوم اشاره به معنی فوق دارد. گاه  
بهترین تجلی حق تعالی که عشق است بر  
دل بنده پاک طینت صافی ضمیر تجلی  
کند. در این صورت آن شخص آینه تمام  
نمای حق خواهد شد. به هر حال، هر کس  
به میزان استحقاق از تجلی و نفحات حق  
که همواره در وزش است بهره مند خواهد  
شد که پیامبر فرمود «ان فی ایام دهر کم

**New York Life Insurance Company**  
**Olive Zaiton Behashti / Agent**  
*Focused on your goals, Well-Trained & Up to Date*

- ❖ Life Insurance
- ❖ Annuities
- ❖ Long Term Care Insurance
- ❖ Retirement Income
- ❖ Investments

**NEW YORK LIFE**

**The Company You Keep**

Office: (408)452-6119  
Cell: (510)395-0753

Lic.#OH69657 [zbehashti@ft.newyorklife.com](mailto:zbehashti@ft.newyorklife.com)  
1731 Technology Drive, Suite 400, San Jose, CA 95110



التقاط

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com

## التقاط چیست؟ التقاطی کیست؟

(شرح و شناخت یک واژه)

قبل از انقلاب اسلامی ایران، مردم عادی با واژه التقاطی آشنا نبودند. در اوان انقلاب، این واژه بر سر زبان ها افتاد و بسیاری معنای آن را دریافتند. اما در زبانزد امروزی، برخی مردم واژه التقاطی را به غلط به معنای آدم هُرُری مسلک و بی ثبات در عقیده و همسو با جریان های غالب می دانند. در حالیکه التقاطی در اصل یک اصطلاح فلسفی و علمی است و سابقه دیرینه دارد.

التقاط واژه ای است عربی در اصل به معنای دانه برچیدن مرغ از روی زمین و، با بسط این مفهوم، به معنی از این جا و آن جا جمع کردن و از همه جا گرد آوردن است. قسمتی از سخن کسی را گرفتن و به سخن خویش افزودن و مورد بحث و اشاره قرار دادن نیز التقاط نامیده می شود. گرفتن ایستگاه های گوناگون را با موج های مختلف توسط رادیو التقاط می نامند و از این رو دستگاه رادیو را در زبان عربی گاهی جهاز التقاط نیز نامیده اند. در زبان انگلیسی التقاط را eclecticism می گویند که با elect و select به معنی انتخاب و به گزینی ریشه مشترک دارد و برگرفته از واژه یونانی eklektikos به معنی انتخاب آنسب یا بهترین است. در مقولات فلسفی و اجتماعی، التقاط آن است که برخی از اندیشه ها و آرای یک یا چند مکتب، مورد به مورد، انتخاب و با اندیشه ها و آرای مکتب معینی آمیخته شود و این آمیزه به نام مکتب جدیدی ارائه شود. التقاطی یا eclectic هم طبق تعریف به کسی گفته می شود که از هر یک از سیستم ها یا سبک ها یا روش های مختلف، اجزاء و عناصر منفردی را انتخاب می کند و با ترکیب و تلفیق آن ها سیستم یا سبک یا روش جدید و متفاوتی به وجود می آورد. به بیان دیگر، از هر جا چیزی می گیرد و کنار هم می گذارد و ترکیبی جدید، با اجزاء و عناصر قدیم، ارائه می دهد.

مفهوم التقاط نخستین بار در یکی دو قرن قبل از میلاد مسیح در میان فلاسفه یونان پدید آمد. گروهی به دنبال حقیقت محض و گروهی به کلی منکر دستیابی به حقیقت محض بودند و در این میان التقاطیون حقیقتی را می جستند که دستیابی به آن بیشترین احتمال را می داشت.

التقاط از ریشه لقیظ و لفظ به معنای بچه سرراهی یا هر چیز پیدا شده نیز می باشد که شخص برای خود نگاه می دارد و در ارتباط با همین معناست که متفکرین اسلامی التقاط را به این صورت بیان می کنند که شخص مسلمانی یک تفکر غیر اسلامی را می پذیرد، در حالیکه از شناسنامه غیراسلامی آن فکر مطلع نیست، زیرا به نظر آنان اگر آن شخص از اصل و نسب آن فکر مطلع باشد آن را به نام اسلام قبول نمی کند. بنابراین از نظر متفکرین اسلامی تفکر التقاطی شبیه به آن است که کسی چیزی را که در جایی افتاده برای خود برمی دارد و گاهی هم فکر می کند آن چیزی را که پیدا کرده مال خودش بوده که باز یافته است! البته کسانی که فکر و ایدئولوژی دیگری را با عقاید خود در می آمیزند بر این باورند که این کار را دانسته و آگاهانه انجام می دهند.

آمیخته کردن اصول اسلام و تفکر اسلامی با تفکر سوسیالیسم/مارکسیسم یا با اگزیستانسیالیسم یا با لیبرالیسم یا با اندیشه های کهن ایران باستان یا با اندیشه های مرتاضانه و صوفی منشانه هندی و یا با اصول تفکر افلاطونی و ارسطویی را همه التقاط در اسلام می نامند. مفهوم التقاط در تقابل با خالص نگهداشتن یک اندیشه است. وقتی گفته می شود بعضی کسان بدعت در دین می گذارند یا کسانی آراء خود یا دیگران را بر دین تحمیل می نمایند، در حقیقت به التقاطی بودن آن کسان اشاره دارند. من هیچوقت اهل سیاست نبوده ام. راستش را بخواهید برای سیاست اهلیت قائل نیستم. در جای دیگر هم گفته ام که مهمترین کار سیاسی ام در چند سال گذشته خواندن خاطرات دکتر علی اکبر "سیاسی" رئیس دانشگاه تهران در بیش از نیم قرن قبل بوده است! من نیز چون هزاران نفر دیگر نخستین بار کلمه التقاطی را از زبان آیت الله منتظری شنیدم. ایشان می گفتند در رژیم گذشته با آقای مسعود رجوی در زندان هم بند

بوده اند و در خلال بحث ها و گفتگوها چنین دریافته بودند که مشی فکری سازمان مجاهدین خلق آمیزه ای از اعتقادات اسلامی و اقتصاد سوسیالیستی بوده است و از این رو طرز تفکر اعضا و پیروان این سازمان را التقاطی نامیدند. مشابه همین برداشت را از قلم آقای سید محمد کاظم بجنوردی در خاطراتشان از زندان رژیم گذشته خواندم: "بحث های من و رجوی از همین جا شروع شد، یاد می آید نصف شب بود که به سید محمودی گفتم به نظر من مجاهدین خلق دارد مذهب جدیدی را پایه ریزی می کند و در آینده حتما انشعابی [در آنها] به وجود خواهد آمد، گروهی رسماً مارکسیست می شوند و بقیه مذهبی باقی می ماند ولی قطعاً مذهب جدیدی خواهد بود. این یک پدیده جدیدی است که در جامعه ما دارد شکل می گیرد و اگر موفق بشود پیشی التقاطی است."

با آن که التقاط در نظر عده ای یک پدیده منفی یا شیوه تفکر نامطلوب تلقی می شود، از نظر عده ای دیگر یک ضرورت در مسیر نوآوری است و این دو گانگی، یک دوراهی به وجود می آورد که آیا التقاط نقش تخریبی یا نقش سازنده دارد. بطور کلی، تفکر التقاطی با تفکر ارتدکس و محافظه کارانه سازگار نیست. به عنوان مثال، سعی در تطبیق نظریه تکامل با مذهب و یا تفسیر کتاب مقدس با دانسته های علمی امروزی در واقع برای معتقدان مذهبی نوعی التقاط تلقی می شود. در هر حال، در اخذ و اقتباس یک اندیشه و تلفیق آن با اندیشه ای دیگر باید تفاوت های اصولی و بنیادی دو اندیشه را مورد توجه قرار داد و تناقض و برخورد احتمالی آن ها را پیش بینی نمود.

التقاط بیش از همه در قلمرو دین و فلسفه و در مرحله بعد در حوزه هنر مورد بحث و گفتگو است و در تحقیقات علوم زیستی و فیزیکی و شیمیایی جایی ندارد. زیرا در تحقیقات علمی، اتکا و استناد به یافته های پیشینیان و استفاده از آن ها با هدف های تازه و روشهای جدید همه از اسباب و لوازم تحقیق و پیشبرد کار است و نام التقاط بخود نمی گیرد. در زمینه هنر، یک هنرمند التقاطی آثار و کارهای دیگران را در کنار هم نمی گذارد، بلکه هنرمند التقاطی در خلق یک اثر از آثار و ایده های دیگران فقط تأثیر می پذیرد. در چند دهه اخیر، برخی نقاشان و مجسمه سازان و دیگر خالقان هنرهای ظریف در ایران، ضمن حفظ زمینه های اصیل ایرانی، از برخی آثار و معیار های غربی نیز الهام گرفته اند و هنر التقاطی را پذیرفته اند. در معماری هم تلفیق طرح ها و آثار سنتی با سبک معماری غربی خود نوعی التقاط در هنر است.

سحر بلبل حکایت با صبا کرد که عشق روی گل با ما چها کرد  
نقاب گل کشید و زلف سنبل گره بند قباي غنچه وا کرد  
(شرح و معنای یک بیت بالا از دیوان حافظ\*)

نقاب کشیدن کنایه از بیدار شدن یا بیدار کردن و نیز باز شدن یا باز کردن است، با بیتی از محتشم کاشانی:

ز خواب دیده گشاد و ز رخ نقاب کشید هزار تیغ ز مژگان بر آفتاب کشید  
گره بند یا بند گره قباي غنچه به قسمت پایین غنچه، در زیر کاسبرگ های به هم آمده سبزرنگ، اشاره دارد که چون کمربندی بسته است. بیت مورد نظر فاعل ندارد و معلوم نمی دارد که چه کس نقاب را می کشد و گره بند را باز می کند. در حافظ خانلری، این بیت دومین بیت غزل است. فاعل بیت اول بلبل است که در سحرگاهان از عشق و جفاي گل شکوه می کند. بیدار کردن غنچه و شکفته کردن گل نه کار بلبل است و نه او با آن موافقت دارد، چنانکه در بیت دیگری از حافظ، بلبل فغان برمی دارد که چه کس نقاب گل را کشیده است:

صغیر مرغ بر آمد بط شراب کجاست فغان فتاد به بلبل نقاب گل که کشید  
در شعر قدیم فارسی، نه صدها که هزاران بیت به این باور دیرینه اشاره دارد که گذار باد صبا در چمن گل ها و شکوفه ها را باز می کند و از این رو جای مناسب این بیت در غزل، مطابق نسخه قزوینی/غنی، پس از بیت زیر است:

خوشش باد آن نسیم صبحگاهی که درد شب نشینان را دوا کرد

و همین نسیم صبحگاهی ست که در بیت بعد نقاب گل را می کشد و گره بند غنچه را باز می کند و فریاد بلبل را در بیت دیگر همان غزل برمی آورد:

به هر سو بلبل عاشق به افغان تنعم از میان باد صبا کرد

یعنی بلبل عاشق خون دل می خورد ولی حظ و لذت را باد صبا می برد. معنی بیت مورد بحث آن است که نسیم بیدارکننده صبحگاهی یا نسیم سحری [دستی بر سر و روی سنبل و گل کشید و غنچه های گل را باز کرد].

\*به نقل از کتاب گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی، با مقدمه ایرج افشار، تألیف دکتر بهرام گرامی، ویراست دوم، ۱۳۸۹، صفحه ۴-۱۹۳.





دیگران که رابطه‌ای با شما ندارند استفاده کنید و فقط برای کسانی است که در لیست دوستان تان قرار دارند و شما از قبل در فیسبوک اعلام کرده‌اید که این افراد از دوستان نزدیک یا از اعضای فامیل تان هستند.

## پنج ترند فیسبوک که ممکن است از آنها بی‌خبر بودید

شاید شما از آن دسته اشخاصی باشید که رابطه عشق و نفرت با فیسبوک دارند چرا که از طرفی راهی بسیار ساده و آسان برای ایجاد ارتباط با دوستان و اعضای فامیل است و از طرف دیگر حوزه خصوصی را تهدید کرده و امکان لو رفتن اطلاعات شخصی را فراهم می‌آورد. هرچند فیسبوک اصرار دارد باور کنید میزان لو رفتن اطلاعات شخصی به خودتان بستگی دارد و این انتخاب را به شما داده است که بتوانید تنظیماتی اعمال کنید که چه کسانی می‌توانند «لایک‌ها» و عکس‌های شما را ببینند. در اینجا پنج مورد امکان خوب و بد و تا حدودی شناخته شده فیسبوک را برایتان معرفی می‌کنیم.

### فیسبوک می‌گوید که کجا هستید

«از کجا فهمیدی کجا هستم؟» پاسخ ساده است: «از صفحه فیسبوک خودت متوجه شدم!»

ساختار فیسبوک بر اساس اشتراک‌گذاری است. وقتی افکار، عکس‌ها، فیلم‌ها و اخبار را در صفحه فیسبوک خود با دیگران به اشتراک می‌گذارید در همان لحظه، موقعیت مکان خود را نیز به دیگران اعلام می‌کنید. بر همین مبنا نزدیک‌ترین دوستان فیسبوکی با استفاده از امکان "Nearby Friends" زودتر از بقیه متوجه می‌شوند که شما کجا هستید. اپلیکیشن "Nearby Friends" برای کاربران اندرویدی فیسبوک در دسترس است. این امکان اخیراً در حالت «انتخاب ناحیه دسترسی» تنظیم شده است به عبارتی این امکان فراهم شده است که

کاربر ناحیه دسترسی را خودش انتخاب کند. اگر گوشی همراه اندرویدی دارید می‌توانید آن را امتحان کنید. به فیسبوک بروید و آن را باز کنید. با لمس سه خط افقی که در بالا و در گوشه سمت راست گوشی قرار گرفته است، پنجره‌ای باز می‌شود که گزینه "Nearby Friends" قابل مشاهده است اگر آن را به حالت روشن برگردانید، این انتخاب را دارید که اجازه دهید چه کسانی بتوانند محل شما را ببینند. (دقت داشته باشید در بعضی از نسخه‌های اندرویدی ممکن است سه خط موازی گوشه راست به صورت چرخ‌دنده ظاهر شود.) طبق تنظیمات تعریف شده این امکان برای دوستان فراهم شده است و خوشبختانه برای همه قابل تنظیم نیست لذا شما نمی‌توانید از آن برای شناسایی محل

را متوقف کنید. همچنین می‌بایست علاوه بر تنظیمات مربوط به فیسبوک تنظیمات انصراف از دریافت تبلیغات در گوشی‌ها یا تبلت‌ها را نیز فعال کنید.

### فیسبوک به سرگرمی‌ها می‌افزاید

هنگامی که شما پیام یا ایمیلی ارسال می‌کنید ممکن است این پیام‌ها شکلک‌هایی باشند که برای بیان احساسات و حالات خود از آن‌ها در بین متن ارسالی استفاده کرده‌اید. غیر از این صورتک‌ها و قلب‌ها، شکلک‌های مخصوص هستند که در ارتباط با نمایش حالات بدن، غذاها، ساختمان‌ها، ماشین‌ها و غیره طراحی شده‌اند که توسط کمپانی‌های تبلیغاتی درست شده و به راحتی می‌توانید با "Copy" و "Paste" کردن در پیام‌هایی که به دوستان خود ارسال می‌کنید از آن‌ها استفاده کنید.

دنباله مطلب در صفحه ۴۹

حتی شما این امکان را دارید که به شکل موقت مکان خود را با شخصی به اشتراک بگذارید یا گروه دوستانی را پیدا کنید که نزدیک هم هستند و تا چه مدتی مایل هستید این اشتراک ادامه داشته باشد.

### فیسبوک شما را (ردیابی و دنبال می‌کند)

فیسبوک بخشی از یک شبکه تبلیغاتی بزرگ است که در مبادله اطلاعات با شرکت‌ها و موسسات اطلاعات شخصی تان را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. این اطلاعات برای کمپانی‌ها این امکان را فراهم می‌سازد تا هدفمند سراغ شما بیایند. آن‌ها در واقع از لایک‌های شما می‌فهمند که خواسته و سلیقه تان چیست و چه عادت‌هایی دارید و چه سرگرمی‌هایی را می‌پسندید. اما لازم است بدانید با مراجعه به بخش "Digital Advertising Alliance" و تغییر تنظیماتی در فیسبوک، می‌توانید این ردیابی

نیکروز و نیک جشن و نیک وقت و نیک فال

مهرگان آمد گرفته فالش از نیکس مثال

## Iranian Cultural Events Presents 4th Annual Mehregan Festival

Admission FREE

### جشن مهرگان

♦ موسیقی و رقص ♦ کارگاه هنری

♦ آشنایی با مشاهیر ایران ♦ سفره مهرگان

یکشنبه، ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۵ از ساعت ۱۱ صبح الی ۵ بعد از ظهر

برای فروش: صبحانه سنتی و ناهار، فالوده و بستنی گل نظر

Sunday September 27th 2015 11am to 5pm

Food, Drink & Ice Cream Available for purchase

در کنار یکدیگر یک روز به یاد ماندنی برای خود و فرزندانمان بسازیم

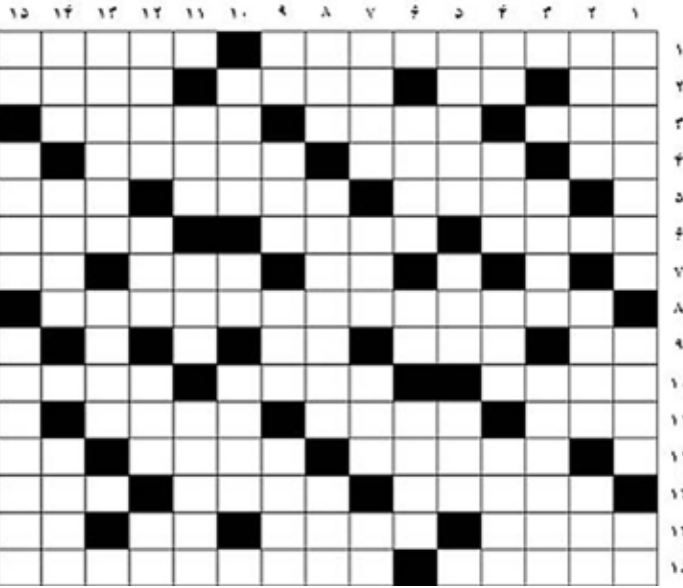
از صاحبان مشاغل خواهشمندیم ما را در انجام این کار فرهنگی یاری رسانند!

ورود برای همگان رایگان می باشد

10185 N. Stelling Rd., Cupertino CA 95014

حل جدول در صفحه ۵۰

# سرگرمی



عمودی:

- ۱- سعادت معنوی- بیزاری- زهر و شرنگ
- ۲- گواه- فرخنده- ساز
- ۳- تراز سخن- واحد پول این کشور آسیایی دلار است
- ۴- از سه رقمی‌ها- اولین قوم- شهر شرقی آلمان- چاقو
- ۵- مهیا- زمان- ریسمان از لیف یا پوست خرما
- ۶- همسر حضرت ابراهیم(ع)- بدن- برق زننده
- ۷- پوسیده- مورچه- کپه ترازو- برجستگی لاستیک
- ۸- امر به درآوردن- مرحله کمال و فنا بنابر آیین بودا- امر به سکوت
- ۹- حرف فاصله- میانپهدن- خویشاوندی- منتقل کننده
- ۱۰- خرسندی- پدربزرگ- اسوه
- ۱۱- واحد پولی در ایران باستان- پس غذا- روپوش زنانه
- ۱۲- قوم ایرانی- چراغ آسمان- درخت اعدام- جنس مذکر
- ۱۳- یکی از پیشروان سرمایه‌گذاری و نویسنده روزنامه «سهام»- دم صبحگاهی
- ۱۴- حرف تصدیق- صورتگر- ابزار برف‌روبی
- ۱۵- صورت تنبیه- ارز آفریقای جنوبی- یکی از محدودترین شاخص‌های تکنیکال

افقی:

- ۱- از عوامل و متغیرهای مهم در صادرات اروپا- بی‌خبر
- ۲- ساده- لحظه- بی‌جان- مسافر
- ۳- گرد و غبار- دربند- زن گندمگون
- ۴- استدعا- همیشگی- مجموعه آثار منظوم یک شاعر
- ۵- آشنا به کار- محیطی در اردبیل که قرار است در آنجا منطقه ویژه اقتصادی تاسیس شود- جنگ
- ۶- نوبت- رییس- منت گذارنده
- ۷- طرف- منفک و سوا- آب‌بند
- ۸- اولین کتاب «گان» که از پیشگامان تحلیل‌های تکنیکال درباره رفتارهای بازار است، این کتاب در سال ۱۹۲۴ منتشر شد
- ۹- زمینه- بوی بد- پایه
- ۱۰- بی‌همتا- خبر دادن- دوا
- ۱۱- نوعی بالابوش- اساس- بدگو
- ۱۲- پیوسته و بدون فاصله- یار زیبا- عقب
- ۱۳- ایالتی در آمریکا- از ابزار مطبخ- روح
- ۱۴- راکب- کشتی کوچک- هزار کیلوگرم- مجرای خون
- ۱۵- مقیم- از مشهورترین و موفق‌ترین معامله‌گران که هرگز در بازار معامله از کامپیوتر استفاده نکرد

**مدرسه فارسی البرز**  
تجربه یادگیری زبان فارسی را  
برای فرزندان شما زیباتر می‌سازد  
**(408)829-8296**  
1954 Camden Ave. #3, San Jose

## تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

### انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نيمروز برگزار می‌شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است. برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۳۹-۰۹۹۸-۹۲۵ یا ایمیل [mayheravi@yahoo.com](mailto:mayheravi@yahoo.com) تماس حاصل فرمایید.

### جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه  
[www.ferdosi.org](http://www.ferdosi.org)  
۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰  
ورود برای عموم آزاد است

### جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت.  
مکان:  
**Fremont, Main Library**  
۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰  
۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰  
ورود برای عموم آزاد است

### شب شعر در ساکرامنتو

دومین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب.  
تلفن اطلاعات:  
۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰  
**1290 Fulton Ave., #3  
Sacramento, CA**

### برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو شنبه ها ساعت ۱۰ شب از کانال ۱۵ سن حوزه

### آموزش شعر و ادب با نصرت الله نوح

در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. هر هفته در روزهای سه شنبه از ساعت ۷ تا ۹ عصر برگزار می‌شود.  
۹۶۸۵-۵۶۵(۶۵۰)  
Ortega Park, 636 Harrow Way, Sunnyvale

### شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰  
۱۲۳۴-۳۶۹(۴۰۸)  
۶۴۴۰-۳۷۱(۴۰۸)  
مکان: رستوران ساقی  
**1392 S Bascom Ave, San Jose**  
ورودیه با شام ۲۵ دلار

### کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای کسب اطلاعات بیشتر لطفاً با ما تماس حاصل فرمایید.  
۲۹۲۲-۷۲۵(۴۰۸)



۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)

**استودیو برای اجاره**

یک استودیوی مبلمان، مستقل با حمام کامل و مجزا، در شهر سن حوزه، منطقه المدن و کمندن، آماده اجاره به یک خانم و یا آقای مجرد و شاغل می باشد  
 (۴۰۸)۴۸۲-۵۱۱۰

**مهد کودک کاملیا**

محیطی گرم و خانگی با امکانات آموزشی، صبحانه و ناهار برای کودکان یک ماهه تا چهار ساله و بعد از مدرسه. دارای ۱۲ سال تجربه و با داشتن گواهینامه مهد کودک، کمک های اولیه و CPR. در منطقه کمپل و West San Jose ۱۵۴۵-۴۰۶ (۴۰۸)

**جویای کار**

خانمی با تجربه، دارای گواهینامه معتبر، مسئول، با حوصله و مهربان، آماده نگهداری از سالمند شما در سن حوزه و شهرهای حومه از ساعت ۸ صبح الی ۲ بعد از ظهر می باشد. (۴۰۸)۶۰۱-۷۳۸۳

پژواک ناهستان  
 برای درج آگهی با شرکت پژواک تماس بگیرید!  
 (۴۰۸)۲۲۱-۸۶۲۴

**نیاز مندیها****استخدام**

به یک خانم ایرانی و یا افغان، مهربان و صبور، بطور شبانه روزی، جهت نگهداری از آقای نود ساله که به بیماری فراموشی مبتلا هستند، در منطقه سن متئو نیازمندیم.  
 (۴۰۸)۵۷۱-۸۱۲۴

به یک خانم و یا آقای ایرانی، مسلط به زبان انگلیسی، با داشتن اجازه کار و گواهینامه مجاز در ایالت کالیفرنیا برای کار بازار یابی نیازمندیم. (۴۰۸)۲۲۱-۸۶۲۴

دفتر میهن به چند منشی، مسلط به زبان های فارسی و انگلیسی و با آشنایی به کامپیوتر، به طور تمام و نیمه وقت نیاز دارد. (۴۰۸)۲۴۹-۹۸۲۷

**اتاق اجاره ای برای دفتر کار**

اجاره اتاق اداری به اندازه ۲۵۹ اسکوئر فیت در یکی از بهترین ناحیه شهر سن حوزه با داشتن سرویس کامل و اینترنت در تقاطع خیابان ساراتوگا و شاهراه ۲۸۰ موجود می باشد. برای گرفتن اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس بگیرید.  
 (۴۰۸)۶۸۸-۱۸۴۱

**فصل ستارگان****دی**

ممکن است تنهایی برایتان آزار دهنده باشد اما در عین حال تنهایی بهترین زمان برای تامل و اندیشیدن است. گاهی اوقات همین موقعیت به شما آرامش و نشاط باورنکردنی ارزانی می کند. پس امتحان کنید. منتظر خبرهای تازه ای باشید که بسیار خوشحال کننده است. دوستی درخواست کمک فکری از شما می کند. دریغ نکنید.

**بهمن**

یکی از آرزوهای قدیمی برآورده خواهد شد. به زودی دوستی را که مدت ها از او دور بودید خواهید دید و لحظات خوش گذشته را باهم مرور می کنید. یک مشکل مالی مدتی است فکرتان را به خود مشغول کرده، اما نباید نگران بود چون فرصت هایی فراهم می شود که در نتیجه آن موقعیت مالی شما تقویت خواهد شد.

**اسفند**

همه آدم ها یک صندوقچه توی قلبشان دارند پر از خاطرات گذشته، یک سر به دوران بچگی زدن و یادآوری خاطرات و بازی های کودکی می تواند روحیه آدم را عوض کند. به زودی تحول بزرگی در زندگی تان پیش می آید. کار زیاد و سخت به سلامت شما آسیب می رساند؛ مواظب رژیم غذایی خود باشید.

**مهر**

این روزها رویاها و افکار رومانسیک جذاب هستند اما در واقعیت جایی ندارند. باید خود را برای زندگی واقعی آماده کرد و به افکاری دل بست که مفید و عملی باشند. مشکلات مالی به وجود می آید. اما شما با کمی فکر و اندیشه به راه حلی برای رفع آن می رسید. پس تشویب و نگرانی را از خود دور کنید.

**آبان**

مسائلی در انتظار شماست که در برخورد با آن باید صبور باشید. خویشتنداری و صبر موجب می شود که دوباره به آرامش برسید و درست تصمیم بگیرید. زمینه برای یک کار یا موقعیت تحصیلی مناسب که در دراز مدت به سود مالی منتهی می شود، فراهم شده است. باید از تمام توانایی های خود استفاده کنید. خبر خوشی از راه دور می شنوید.

**آذر**

خوشبختی همین نزدیکی هاست. در یک رابطه گرم و دوستانه یا در یک محیط گرم خانوادگی. شما خودتان باید شادی و خوشبختی را برای خود ایجاد کنید و از آن لذت ببرید. رابطه ای عاطفی شکل می گیرد که نمی توان درباره آن داوری کرد چون هیچ چیز مشخص نیست. نیاز به آرامش و یک مسافرت تفریحی دارید. نقشه اش را بریزید.

**تیر**

در خودتان انرژی زیادی احساس می کنید که تازگی دارد. بهتر است در این گونه مواقع کاری بکنید که از انجام دادنش لذت می برید. به این صورت ماه خوب و شادی خواهید داشت. اگر بخواهید می توانید موفقیت های مهمی را به دست آورید. این روزها مسائل عاطفی ذهن شما را به خود مشغول کرده است.

**مرداد**

تمایل به گوشه گیری و انزوا دارید. شاید این موضوع بخاطر حالت های روحی شما طبیعی باشد اما مشکلی را حل نخواهد کرد. باید با تجدید نظر در این کار دوباره خود را با جمع و با جماعت هماهنگ کنید. تا وقتی که از حرف یا خبری مطمئن نشدید نباید درباره اش قضاوت کنید چون فقط اعصابتان را لطمه خواهید زد.

**شهریور**

هرکاری زحمت دارد، پس نباید انتظار داشته باشید که بدون زحمت و دردرس به هدف یا خواسته خود برسید. سعی کنید کسی را دوست داشته باشید که او هم جایی در دل خود برای شما ذخیره کرده باشد. پس از یک وقفه نسبتا طولانی دوباره موقعیت اقتصادی شما روبراه خواهد شد. خودتان را عادت بدهید که ولخرجی نکنید.

**شروردین**

تغییرات مثبتی در امور روزانه پیش خواهد آمد که برخی نگرانی ها را از بین می برد. باید همیشه امیدوار باشید در این صورت انرژی زیادی در شما بوجد می آید که همه حوادث اطرافتان را تحت تاثیر قرار می دهد. به زودی شاهد رفت و آمدهای بیشتری در خانواده خواهید بود. یکی از دوستان نزدیک به همفکری شما نیازمند است.

**اردیبهشت**

خود را با کارهای حاشیه ای فرسوده نکنید. یک راست به سراغ هدف اصلی بروید تا به منفعتی برسید. با افراد باتجربه مشورت کنید و از آنها کمک بگیرید. روابط خوب و مستحکم خود را با دوستان و خویشان نباید متزلزل کرد. چون برای تجدید روابط یا برقراری دوباره آنها فرصتی نخواهد بود. با اطرافیان مهربانتر باشید

**خرداد**

در این ماه فرصت های اقتصادی و عاطفی خوبی برای شما پیش می آید که باید از آنها استفاده کنید. کسی که این فرصت ها را از دست بدهد جز پشیمانی حاصلی نخواهد داشت. خو کردن به یک زندگی یکنواخت و بی تحرکت جذباتی ندارد. باید به خانواده و دوستانتان وقت بیشتری بدهید و بیشتر به آنها توجه کنید.

## پرواز ساعت ده

ناهید کشاورز

شهرزاد روی تخت پهلوی به پهلوی می شود، پاهایش را توی شکمش جمع می کند و صورتش از دردی که زیر شکمش پیچیده دردم می رود، دستش را زیر سرش می گذارد و چشمش روی کمد فلزی درازطوسی رنگ روبرویش که در شکسته اش باز است، خیره می ماند. دوتخت فلزی دیگر اتاق خالی مانده اند. چند تکه ظرف نشسته و خرده های نان و پنیر و تکه ای گوچه فرنگی در بشقابی روی میز کنار اتاق، لباسهای دردم روی صندلی چوبی بی قواره، تختخوابهای نامرتب، دو چمدان کنار اتاق همه و همه آشفتگی فضای آنجا را بیشتر کرده اند. هوا سنگین است و بوی ماندگی میدهد. شهرزاد سرش را محکم روی بالش فشار می دهد بعد سرش و بالش را با هم بلند می کند و رویش را بطرف دیگر می چرخاند. دلش آشوب می شود و فکر می کند کاش می شد که از جایش بلند نشود، تصور توالی و دستشویی کمپ پناهندگی حالش را بهم می زند. یک ساعتی بود که می خواست به توالی برود ولی رفتنش را عقب انداخته بود تا شاید هیاهوی راهرو کم شود و مجبور نباشد در صف جلوی توالی زیر نگاه خسته و عصبی منتظران زیاد بایستد.



میان اشکهایش با خودش فکر می کند. بعد با زحمت از جایش بلند می شود، کفش هایش را که حالا دیگر مثل دمپائی خانه شده اند را می پوشد و از گنجه کنار تختش که او را به یاد تخت های بیمارستان می اندازد ماده ضدعفونی کننده و دستکش هایش را برمی دارد. ژاکت بلندی را روی پیزامایش می پوشد و از اتاق بیرون می رود. در صف توالی وقتی می بیند تنها دوزن با بچه هایشان منتظر ایستاده اند، نفس راحتی می کشد. در انتظار چند دقیقه ای درد زیرشکمش بیشتر می شود و فکر می کند که «زندگی در اینجا بطور جدی مریضم می کند». وقتی در دستشویی که توالی هم در کنارش است را باز می کند حالت تهوع پیدا می کند «تو این کثافت دونی فقط می تونی مثانه در حال انفجارت را تخلیه کنی». بعد روزها رامی شمرده، امروز روز هفتم اقامتش در اینجا است. از توالی که بیرون می آید کنشهایش از آبی که روی زمین جمع شده، خیس بود، او همیشه همه تالشش را می کرد تا آنقدر کوچک شود که بدنش هیچ تماسی با در و دیوار آنجا نداشته باشد و چنه کوچک لاغرش کارش را راحتتر می کرد. حمام رفتن در اینجا هم برایش عذابی شده بود، او که عادت داشت در ایران هر روز حمام کند تمام هفته گذشته فقط دوبار

به حمام رفته بود. کمپ محل زندگی شهرزاد یک پادگان قدیمی است در منطقه جنگلی جنوب آلمان که حالا به محل زندگی بیش از ششصد پناهنده تبدیل شده است. در راهروها تمام روز بچه ها در سنین مختلف موج می زنند و صدایشان لحظه ای قطع نمی شود. کوچکترها گریه می کنند و بزرگترها دنبال همدیگر می دوند و همیشه راهروها پر از صدای پای مادرانی است که دنبال بچه هایشان می گردند. شبها راهروها محلی برای عریضه کشی مردان مستی می شود که آرامش و خواب را از چشم خستگان بی حوصله ای که روزهای بهتری را انتظار می کشند می گیرند.

اعتراضها اغلب به درگیری و زدخورد می کشد و مسئولین شبها یانایستند و یا

رساند و صبر کرد تا او در اتاق را باز کند و بعد به انگلیسی گفت: «نترسید به شما کاری ندارن، من تسفان هستم». شهرزاد دستش را دراز کرد و از او تشکر کرد و با نگاهی حیران و ترسان به سر تا پای او که برای اولین بار می دیدش، خیره شد.

تسفان نزدیک یکسال بود که در این کمپ زندگی می کرد. پرونده پناهندگیش بسته شده بود و تلاشهایش برای یافتن امکانی برای ماندن به جایی نمی رسید. او در اریتره دانشجوی پزشکی بود و مجبور شده بود که آنجا را ترک کند. قدی بلندی دارد با بدن ورزیده و پوست خوشرنگ قهوه ای تیره، دماغ کشیده خوش فرم و چشمان تیره نافذ. انگلیسی را روان حرف می زند و شرایط سخت نظافت آنجا هم از آراستگی کم نکرده است.

روز بعد وقتی شهرزاد از اتاقش بیرون آمد، تسفان همان دور و برها بود، انکار همان موقع از جایی رسیده بود و توی راهرو با تلفن دستی اش آنقدر مشغول شد تا شهرزاد دوباره به اتاقش برگردد. مودبانه سلام کرد و احوالپرسی که شهرزاد با عجله و خجول جواب داد.

وقتی شهرزاد روز بیستم اقامتش در کمپ پناهندگی آلمان را شمرده دیگر دیدن تسفان بزرگترین دلخوشی زندگیش شده بود. دیدارها و قدم زدنشان در جنگل آنها را به سرعت بهم نزدیک کرده بود. و امروز بعد از دوهفته آشنائیشان می خواهد با او به شهر نزدیک آنجا برود.

شهرزاد خیلی وقت بود که از خواب بیدار شده بود، خوابش نمی برد، تنش در لرزش ملایم هوس یک گرما مورمور می شد، مثل وقتی که از یک آغوش گرم به ناچار بیرون خزیده باشی. مدتی در رختخوابش غلت زده بود و تب و تاب جسم و جان بی قرارش کرده بود. دوساعت مانده به قرارشان به حمام رفت، راهرو در رخوت یک صبح زود پاییزی در انتظار هیاهوی روزانه اش به نظر ملال آوری می آمد.

هنوز هوا کاملاً روشن نشده بود، شهرزادموهایش را در اتاقش خشک کرد و در آینه شکسته کمد صورتش را آرایش کرد. چند وقتی بود از دیدن خودش در آینه خوشحال می شد. پلبور سبز رنگی که خواهرش موقع آمدن برایش خریده بود را پوشید. با اینکه اشتها نداشت چند لقمه نان و پنیر را با چای خورد و منتظر روی تختخوابش نشست. حس می کرد لاغر شده است و لباسهایش برایش گشاد شده اند و فکر کرد که بی قرارهایش و زنتش را کم کرده.

قلیش تند تر از معمول می زد و او می توانست همه حرکات قلبش و همه مسیری که خون به آن می رسید و باز می گشت را حس کند.

در اتاقهای کارشان آنقدر خودشان را از درگیری ها دور نگه می دارند تا پلیس سر برسد. دور بودن محل کمپ از شهر ساکنان آنجا را منزوی کرده است. برای رسیدن به اولین ایستگاه اتوبوس تا آنها را به نزدیکترین دهکده برساند دو کیلومتر پیاده راه است. چند نفری که دوچرخه هایی پیدا کرده اند از خوشبخت های آنجا بشمار می روند.

شهرزاد از دستشویی بیرون آمد و هنوز چند اتاق مانده بود تا به اتاق خودش برسد که از ته راهرو صدای فریادی بلند می شود و به دنبال آن دو مرد که به دنبال هم می دوند و اتاقهایی که درشان از روی کنجکاوی باز و یا از ترس بسته می شوند. شهرزاد تا به خودش بیاید در میانه میدان جنگ است، او خودش را به دیواری که دیگر نمی شود فهمید چه رنگی دارد، می چسباند. بدنش می لرزد و پاهایش توان رفتن ندارند. مردی با چاقو دیگری را تهدید می کند و وقتی یک شیشه آبجو که شهرزاد نفهمید از کجا پرتاب شد جلوی پایش روی زمین شکست، حوله و وسایل نظافتش از دستش روی زمین افتادند و وقتی خودش هم می رفت تا روی زمین ولو شود، دستی اول او را سرپا نگه داشت و بعد وسائش را از روی زمین جمع کرد و بازوی شهرزاد را گرفت و او را به اتاقش



این رادیو ها هم بعلت جذاب و پُر محتوا و سرگرم کننده بودن رادیوهای تهران و رادیو ایران که در تهران و شهرهای دیگر رله میشد، شنوندگانی جز بیماران روحی، که از شادی مردم، دچار درد میگرددند، نداشتند و فقط، باز مانده های حزب توده که در آرزوی حاکمیت روسها بر ایران پسر میبردند، شنونده های دروغ پراکنی آنها بودند.

در تهران، از زمان رضا شاه، چند کارخانه برق کار میکرد و به تدریج در این زمان هم به تعداد آنها افزوده شده بود که هیچکدامشان کفاف برق رسانی کافی برای دارندگان برق در خانه ها نبودند. یک کارخانه برق در خیابان گرگان بود که نامش برق روشنایی بود و آن محله هم به همان نام شناخته میشد. یک کارخانه برق دیگر در خیابان سلمان فارسی بود با نام برق بین الملل. برق دیگری در بیرون شهر غرب تهران در بیابانی که بعد ها در آن آریاشهر را بنا کردند بود به نام برق آلتوم، یکی در خیابان ژاله و چند کارخانه دیگر که همه متعلق به اشخاص، در بخش خصوصی بودند و آنقدر نسبت به تعداد مشترکین ضعیف بودند که هنگام غروب که چراغها روشن میشدند، در درون شیشه لامپ، فقط یک خط کوچک سرخ تیره رنگ دیده میشد و به هیچ وجه قابل استفاده نبود و تازه پس از آنکه کسبه ای که مشترک برق بودند، ساعت کسبشان تمام میشد و در دکان را می بستند و از خط مصرف خارج میگرددند، کم کم، فروغی به چراغها می آمد که هرچه دیر وقت تر میشد، چراغها هم پُر سو تر میگرددند و میشد رادیو برقی و پس از آن وسایل دیگر را روشن کرد.

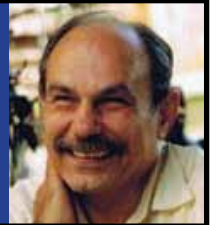
دنباله مطلب در صفحه ۵۲

ارائه کند، ساقط میگردد و بارها میشد که چند وکیل اقلیت مجلس، برای آنکه نگذارند رئیس دولت حرف بزند که طرح خود را به مجلس تقدیم کند، آنقدر بر روی میزها میکوفتند تا میزها شکسته و خرد میگرددند و چون رئیس دولت نمیتوانست در مجلس حرف بزند، استعفای خود را تقدیم میکرد و از گردونه خارج میگردد. اینک حاکمیت کشور، به شدت جلو هری نظمی و خوش رقصی برای بیگانگان را گرفته بود و روزنامه ها را اجازه فحاشی و افترا زدن به مردم شریف نمیداد و به دقت مطالب نوشته شده در روزنامه ها را از زیر نظر میگذرانیدند و هر جمله تحریک آمیز و یا دروغ و یا افترا و یا ضد ملی را از نوشته ها حذف میکرد و مفتی های که عادت کرده بودند به عالم و آدم و به هر خادمی، انگ خیانت بزنند، از این روند کنترل، ملول و آشفته حال شده بودند و این بار در گوشی به مردم میگفتند که شاه و دولت، مطبوعات را سانسور میکنند. این به قول توده ای ها و ضد ملی ها «سانسور» باعث ثبات جامعه شد و طرح های ملی، به دور از زبان و قلم دشمنان ملت، به سرعت شروع به گسترش کرد و ساخت و ساز ملی، با روند باورنکردنی ای به پیش رانده میشد و تنهارسانه هایی که خارج از کشور بودند، مانند رادیو ملی!!! (در شوروی)، رادیو پیک ایران (در شوروی)، رادیو پکن (در چین) رادیو بی بی سی (در لندن) و چند رادیو دیگر در آلبانی و آلمان شرقی و غیره، به شدت با پیشرفت طرح های ملی مخالفت میورزیدند و هر کار بزرگی را که در کشور صورت میگرفت، یا به کلی منکر میشدند و یا آنرا به امپریالیسم منتسب میکردند که برای خاموش کردن صدای مردم، به کار گرفته میشود...

## خیلی قدیم های تهران

### بخش آخر

#### عباس پناهی



نیز یکی دو فیلم دیگر هم با شرکت او به نمایش در آمده بود که خانم دلکش هم به جای او ترانه میخواند، از جمله، فیلم شب نشینی در جهنم با شرکت ارحام صدر و عزت الله وثوق که از محبوب ترین فیلمهای آن زمان شد، بطور ثابت به نمایش در آمد. مردم دقایق بسیاری در برابر ویتترین فروشگاه میایستادند تا ببینند بعد از این چه خواهد شد اما هیچ اتفاقی نمی افتاد و آن جعبه، مانند شیشه ای بود



که عکسی را پشتش گذاشته اند و یک چراغ هم در پشت عکس آنرا روشن تر نشان میدهد.

همزمان با آمدن تلویزیون، دهان به دهان چرخید که بر روی رودخانه کرج یک بنداب یا سد ساخته اند و آب آن را، بوسیله لوله به شهر و خانه ها خواهند آورد و پس از آن، آب پاک و خوش طعم کرج را که در ضمن از هر آلودگی هم، تصفیه خواهند نمود، توزیع خواهند کرد و دیگر کسی آب آلوده نخواهد نوشید که بیماری های گوناگون، از طریق آن وارد بدنش شود.

سالیان درازی بود که دانش سد سازی و توربین های آبی در آمریکا و اروپا به کار گرفته شده بود و در زمان رضا شاه، قرار بود که اینکار آغاز شود که آن طرح ملی هم به علت وقوع جنگ جهانی دوم صورت نگرفت و پس از جنگ هم در دوازده سال اولیه سلطنت محمد رضا شاه هیچ کاری نتوانست انجام پذیرد. آزادی های بی حد و حصر، باعث شده بود در ایران، سنگ بر روی سنگ بند نشود و هر دولتی که روی کار میآمد، با هیاهو و کارشکنی روزنامه ها و مجامع و مجلس هایی که دست ساخته اجنبی ها و بخصوص انگلیس ها و روسها بودند، روبرو میشد و هیچکدام بیش از چند ماهی، دوام نمیآوردند و مجبور به سقوط میشد و دولت بعدی بروی کار می آمد و پیش از آنکه بتواند طرحی را

گاهی کسانی که از سفر کرده های به فرنگ، از عجایب خارجه نقل قول میکردند، میگفتند که در خارجه رادیو هایی هست که وقتی کسی آواز میخواند، ما میتوانیم در خانه، آن خواننده را ببینیم.

این حرف همیشه ذهن مرا به خود مشغول میکرد که چگونه خواننده را به توسط رادیو میشود دید و به همین خاطر برای خودم آنرا در ذهن باز سازی میکردم. به این ترتیب که خواننده را حتما به شکلی کوچک میکنند و او بالای جعبه رادیو می ایستد و آواز میخواند و ما هم او را که بالای رادیو است، اما کوچک، میتوانیم ببینیم و او هم ما را ببیند و اگر از او آهنگ دیگری را بخواهیم، برایمان خواهد خواند. کم کم زمزمه ای که حاکی از آمدن آنگونه رادیو که خواننده و گوینده اش را هم میتوانستیم ببینیم در بین مردم شایع شد و مردم میگفتند، در این رادیو، وقتی که خبری را اعلام میکنند، شما میتوانید آنرا ببینید و مثلا اگر میگویند امروز در فلان جا برف میبارد، همان آمدن برف را هم خواهیم دید. و باز خیال میکردم که وقتی برف میبارد، همان دور و بر رادیو از بالا به پایین میریزد که که اگر دستم را دراز کنم، برف در دستام خواهد ریخت. ولی مشکل دیگری پیدا میکردم که، این برف، تا چه محدوده ای بارش میکند و اگر ناگهان، گوینده، حرفش را عوض کند و بگوید: در آنجا، تابستان است، چه خواهد شد! گفتند که نام این رادیو، تلویزیون است...

بعضی از فروشگاه های معتبر مرکز شهر مانند خیابان نادری در پشت ویتترین، جعبه هایی را روی هم و در کنار هم چیده بودند که یک سمت آن جعبه ها، شیشه ای بود و گفتند این همان تلویزیون است که بزودی بکار خواهد افتاد و مردم هر چه در جلو ویتترین فروشگاه ها میایستادند تا از طرز کار آن جعبه ها سر در بیاورند، چیزی دستگیرشان نمیشد.

پس از مدتی که از چیده شدن جعبه ها در پشت ویتترین ها گذشت، یکروز رنگ شیشه جعبه ها تغییر کرد و نورانی شد و سپس تصویر سیید و سیاه متمایل به آبی یک خانم هنر پیشه ایرانی بنام (روفیا) که در آنزمان به زیباترین زن ایرانی شهرت داشت و چندین فیلم امپارسلان هم با ایلوش در نقش فرخ لقا بازی کرده بود و

## خاطرات هیجان انگیز و پر ماجرای عباس پناهی در پنج جلد کتاب



تلفن سفارش و خرید:

۶۷۱۸-۶۹۱(۴۰۸)

## رویای ناتمام تحصیل افغانستانی‌ها در ایران

امید رضایی

رسانه‌های حامی حکومت ایران، در روزهای گذشته دستور علی خامنه‌ای، رهبر ایران، مبنی بر این که همه کودکان افغانستانی حق دارند در ایران تحصیل کنند را علنی کردند. به گزارش خبرگزاری تسنیم علی خامنه‌ای دستور داده است که «هیچ کودک افغانستانی، حتی مهاجرانی که به صورت غیرقانونی و بی‌مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل باز بمانند و همه آن‌ها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند.» آیا این دستور تغییری در وضعیت کودکان افغانستانی ساکن ایران ایجاد خواهد کرد؟ تاکنون چه موافقی بر سر راه تحصیل کودکان هم‌زبان افغانستانی در ایران وجود داشته است؟

### دستور خامنه‌ای، چرا امروز؟

پرسش این است که چرا رسانه‌های حامی حاکمیت، ناگهان و بدون زمینه قبلی، دستور خامنه‌ای را باز نشر کردند؟

ایران مطرح شده و همان زمان هم اتفاق خاصی نیفتاد. از سال ۷۰ تا به حال شاهد هیچ تغییر محسوسی در خصوص تحصیل دانش‌آموزان افغانستانی نبوده‌ایم.

فرض کنیم از اول مهر تمام بچه‌ها چه آن‌ها که کارت هویت دارند و چه آن‌ها که ندارند، می‌روند سر کلاس. آیا با توجه به شرایط اقتصادی، آنها از چرخه تحصیل حذف نمی‌شوند؟ آیا شرایط



اجتماعی و تحقیرها و چهره مخوفی که رسانه‌ها از مهاجران افغانستانی ساخته‌اند، موجب حذف بچه‌ها نمی‌شود؟»

### چرا افغانستانی‌ها درس نمی‌خوانند؟

در حالی که بنا بر آمار دولتی، دست کم دو میلیون کودک ایرانی بازمانده از تحصیل در ایران وجود دارد، آمار از دسترسی کودکان افغانستانی به تحصیل در دست نیست. با توجه به وضعیت کلی افغانستانی‌های مهاجر در ایران، دور از ذهن نیست که بخش زیادی از آن‌ها کودکان‌شان را به اجبار یا به میل خود، به مدرسه نفرستند.

افغانستانی‌های مقیم ایران، در پایین‌ترین طبقات اقتصادی جامعه ایران جای می‌گیرند. آن‌ها عموماً در «مشاغل پست» مشغول به کار هستند و از حداقل حقوق کارگری هم محروم‌اند. بخش زیادی‌شان کار سیاه دارند و دستمزدی کمتر از کارگران ایرانی می‌گیرند. خرده‌فرهنگ مذهبی حاکم به معنی خانواده‌های پرجمعیت و «فرزند بیشتر» هم به مشکلات اقتصادی‌شان دامن می‌زند. تعداد زیادی از کودکان افغانستانی خیلی زود تحصیل را رها می‌کنند و برای کمک به اقتصاد خانوار، به بازار کار می‌پیوندند. کم‌تر کودک افغانستانی در ایران پیدا می‌شود که تجربه کار در سن کم را نداشته باشد. احمد، دانش‌آموز افغانستانی، سال سوم دبیرستان، دو-سه سال از هم‌کلاسی‌هایش بزرگ‌تر است. او به رادیو زمانه می‌گوید

متوسط درآمد خانوارهای ایرانی کمتر است؛ دو عاملی که دلیل اصلی ترک تحصیل کودکان افغانستانی در ایران به شمار می‌رود.

### هم‌کلاسی‌هایی که دوست نیستند

احمد که تا به حال پنج بار مدرسه خود را عوض کرده است، درباره تبعیض‌ها و برخوردها با افغان‌ها در مدرسه‌ها می‌گوید: «حرف‌های بد زیاد به ما می‌زنند. چند هفته پیش، ناظم مدرسه حرف‌هایی در مورد سنی‌ها زد که درست نبود. البته خود بچه‌های ایرانی و شیعه مدرسه جوابش را دادند.» در حالی که تبعیض علیه اهل سنت در جمهوری اسلامی نهادینه شده و در ساختار آموزشی و علیه کودکان هم وجود دارد، افغانستانی‌های سنی مهاجر به شکل مضاعف این تبعیض را تحمل می‌کنند. مذهب اما تنها عاملی که نیست که برای کودکان افغانستانی در ایران مشکل ایجاد می‌کند.

فریده، دختر افغانی که در ۱۳ سالگی دانش‌آموز کلاس پنجم دبستان است، به‌خاطر نداشتن مدارک هویتی، چند سال دیر وارد مدرسه شده است. او به رادیو زمانه می‌گوید: «وقتی کلاس سوم بودیم، یک هم‌کلاسی هزاره داشتیم که بچه‌های کلاس مسخره‌اش می‌کردند و بهش می‌گفتند "چشم‌بادومی".» دنباله مطلب در صفحه ۴۵



**CONURE**  
MEDIA



WEB DESIGN



MARKETING

**CALL FOR FREE CONSULTATION**

www.conuremedia.com

408.913.6060 • info@conuremedia.com



پس از چهار ماه که دوره آموزشی به پایان می رسد گل نم یونیفورم میپوشد و به مرکز رزمندگان حزب اعزام می گردد تا در آنجا طبق مراسمی سوگند یاد کند. او نمی دانست که چه زمانی می تواند با شیر کوه تماس بگیرد و همین موضوع او را نگران کرده بود که اگر سوگند می خورد می باید به آن وفادار می ماند. اشکال کار در این بود که نمیتوانست از کسی هم سؤال نماید. تا اینکه راهنمایی که او را به مرکز رزمندگان آورده بود به او می گوید که داوطلبان هر کدام قبل از سوگند یک مصاحبه نهائی خواهند داشت و زمانی را که در گروه هستند فقط از یک نفر فرمان خواهند گرفت و با یک پیشمرگ و هم رزم عملیات را انجام می دهند. هر رزمنده ای دارای یک شماره کد است که فقط خودش می داند و کسی که از او دستور می گیرد. نه هیچکس دیگر و هر فرمانی همراه با آن شماره کد صادر می شود. بنابراین رزمنده هیچ کاری بدون فرمان انجام نمیدهد حتی دستور کشتن و هر دستوری باید به موقع و بدون چون و چرا انجام پذیرد حتی اگر دستور بیاید که هم رزم خود را بکشی. هیچ عذر و بهانه ای قابل قبول نیست. سرپیچی از هر فرمانی نتیجه اش مرگ است. این انتخابی است که رزمنده به انجام آن سوگند خواهد خورد و حالا تا زمان مصاحبه و سوگند دو روز ماند است هنوز فرصت دارد تا تصمیم نهایی خود را بگیرد.

گل نم در شک و تردید عمیقی گرفتار آمده بود. چند دفعه خواست که از ادامه کار منصرف گردد لیکن حرفهای غلام او را امیدوار میکرد و حالا فقط دو روز وقت داشت تا شیرکوه را شناسائی کند و خودش را معرفی نماید. دنباله مطلب در صفحه ۵۳

گل نم هنوز از برد خودش خبر نداشت چون او فکر میکرد که اگر برنده شود دستگاه باید پول بریزد. وقتی به او گفتند که ۱۰۰۰۰ دلار برنده شده است باز جیغ کشید و بالا و پائین پرید تا متصدی قسمت آمد. وقتی به دستگاه نگاه کرد گفت یک سکه انداخته بودید؟ حیف شد تا به حال هیچ کسی روی این دستگاه Jack Pot نکرده بود. خانم باید خیلی خوش شانس باشد.

به گل نم گفتم حالا راحت شدی؟ این هم برد امشب حالا بریم که خیلی خسته شدیم.

### جمعه ۲۳ آگوست

گل نم برابم شروع به تعریف بقیه داستان زندگی کرد و گفت که غزال جلو آمد و مرا سخت در آغوش کشید و گفت تو بقدری محکم و با ایمان جواب مرا دادی که هرگز از هیچ پیشمرگی نشنیده بودم. من به تو افتخار میکنم و خوشحالم که به گروه ما می پیوندی. به تو خوش آمد میگویم. حقا که دختر یک همچون پدری هستی و بعد چمدانی را که همراه آورده بود به او میدهد و میگوید مقداری لباس برایت آورده ام امیدوارم اندازه تو باشند و حالا هم حاضر شو تا برویم ترا به قسمت آموزشی ببرم و تو دیگر با هتل کاری نداری. ما مخارج این چند روزه را پرداخت کرده ایم. گل نم چمدان را بر می دارد و با غزال می رود. مدت چهار ماه تمام روزی ۸ ساعت ۵ روز در هفته آنها آموزش رزمی می بینند و به آنها یاد می دهند که چطوری می توانند در سرما و گرما و تنهایی در کوه و بیابان خود را محفوظ و سلامت نگهدارند و با خطرات پیش بینی نشده روبرو گردند. تمام این آموزش ها را گل نم به خوبی فرا می گیرد و بقدری سریع و درست انجام می دهد که عده ای را زیر دست او میکذارند تا آنها را تعلیم دهد.

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS  
FREE CAR WASH COUPON  
@  
TOUCHFREEWASH.COM  
OPEN 24 HOURS



**توضیح:** همراه با تشکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود به رشته تحریر درآورم. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. سنتا پارابارا- کالیفرنیا

گل نم تکه ای نان کیک با کافی خورد و بعد رو به من کرد و گفت: خیلی خسته شدم می شود بقیه اش را بعدا برایت تعریف کنم؟ گفتم: حتما عزیزم اگر دوست داری برویم قدری بگردیم، بازی کنیم و شامی بخوریم. گل نم خیلی زود قبول کرد و بلند شد و دوید رفت زیر دوش و منم روی تخت دراز کشیدم دستم را گذاشتم زیر سرم و رفتم توی فکر گل نم. قضاوت کردن درباره او تا زمانی که تمام سرگذشت او را نشوم درست نبود. ولی هر چه بود زندگی پر مخاطره ای را می گذراند و من تنها کاری که میتوانستم برای او بکنم این بود که نگذارم به او صدمه ای وارد شود که جبران ناپذیر باشد.

گل نم از زیر دوش بیرون آمد و به من گفت اگر می خواهی دوش بگیرم بلند شو که او تا چند دقیقه دیگر حاضر است. از جا بلند شدم و دوش گرفتم و منم حاضر شدم و به اتفاق رفتم پائین. از گل نم پرسیدم خوب دوست داری اول چکار کنی؟

گفت: برویم من یک مشروب بخورم کمی حال بیایم. بعد هم می خواهم کمی بازی کنم. به پشت بار رفتم و هر کدام مشروبی گرفتم و به طرف میز های بازی براه افتادیم. گل نم برای اکثر کارکنان کازینو قیاقه ای آشنا بود به خاطر بازی، جیغ و فریاد کشیدن ها و انعام دادن و مستی های او. این بود که بر سر هر میزی می رفتم با او حال و احوال می کردند و اصرار داشتند که بازی کنیم. گل نم هم از این احوالپرسی ها و تعارفات کلی خوشش آمده بود. رو به من کرد و گفت چقدر می توانم بازی کنم؟ گفتم: هر چقدر که دوست داری و دست کردم در جیبم و هزار دلار دادم دستش و گفتم برو ببینم چکار میکنی. گل نم رفت سر میز Craps و پانصد دلار ژتون خرید و شروع به بازی کرد. هنوز ساعتی نگذشته بود که هزار دلار را باخت. نگاهی به من کرد و با ناراحتی گفت تو باور میکنی که من حتی یک دست هم نبردم. گفتم: گل نم جان ناراحت نباش. قمار یعنی همین. کسی را نمی توان یافت که همیشه برنده باشد. هزار دلار دیگر در آوردم و ژتون خریدم و رفتم سر میز بازی. گل نم بدون اینکه

### در جستجوی پدر «شهریار»

ای داد که از آن همه یار و سر وهمسر  
یک در نگشاید که بپرسد خیرم را  
یک بچه همسایه ندیدم به سر کوی  
تا شرح دهم قصه سیر و سفرم را  
اشکم برخ از دیده روان بودولیکن  
پنهان که نبیند پسرم چشم ترم را  
میخواستیم این شیب و شبایم بستانند  
طفلیم دهند و سر پر شور و شرم را  
چشم خردم را ببرند و به من آرند  
چشم صغرم را و نقوش و صورم را  
کم کم همه را در نظر آوردم و ناگاه  
ارواح گرفتند همه دور و برم را  
گویی بی دیدار عزیزان بگشودند  
هم چشم دل کورم و هم گوش کرم را  
یکجا همه گمشدگان یافته بودم  
از جمله حبیب و رفقای دگرم را  
این خنده وصلش بلب آن گریه هجران  
این یک سفرم پر سد و آن یک حضرتم را  
این ورد شبنم خواهد و نالدین شبگیر  
و آن زمزمه صبح و دعای سحرم را  
تا خود به تقلا بدر خانه کشاندم  
بستند به صد دایره راه گذرم را  
یکباره قرار از کف من رفت و نهادم  
بر سینه دیوار در خانه سرم را  
صوت پدرم بود که می گفت چه کردی؟  
در غیبت من عاله در پدرم را  
حرفم بزبان بود ولی سسککه نگذاشت  
تا باز دهم شرح قضا و قدرم را  
فی الجمله شدم ملتمس از در بدعایی  
کز حق طلبد فرصت صبر و ظفرم را  
اشکم بطواف حرم کعبه چنان گرم  
کز دل بزود آنهمه زنگ و کدرم را  
نا گه پسرم گفت چه می خواهی از این در  
گفتم پسرم بوی صفای پدرم را

### پدر «سهراب سپهری»

یاد آمدم که در دل شب ها هزار بار  
دست نوازشم به سر و رو کشیده بود  
از خود برون شدم به تماشای روی او  
کی لذت وصال بدین حد رسیده بود  
چون محو شد خیال پدر از نظر مرا  
اشکی به روی گونه زردم چکیده بود



### پدر

نمک برزخم من شیرین تر از خواب سحر گردد  
جگرها خون شود تا یک پسر مثل پدر گردد  
پدر از شوق دل در کودکی دست پسر گیرد  
به امیدی که در پیبری پسر دست پدر گیرد  
«لادری»

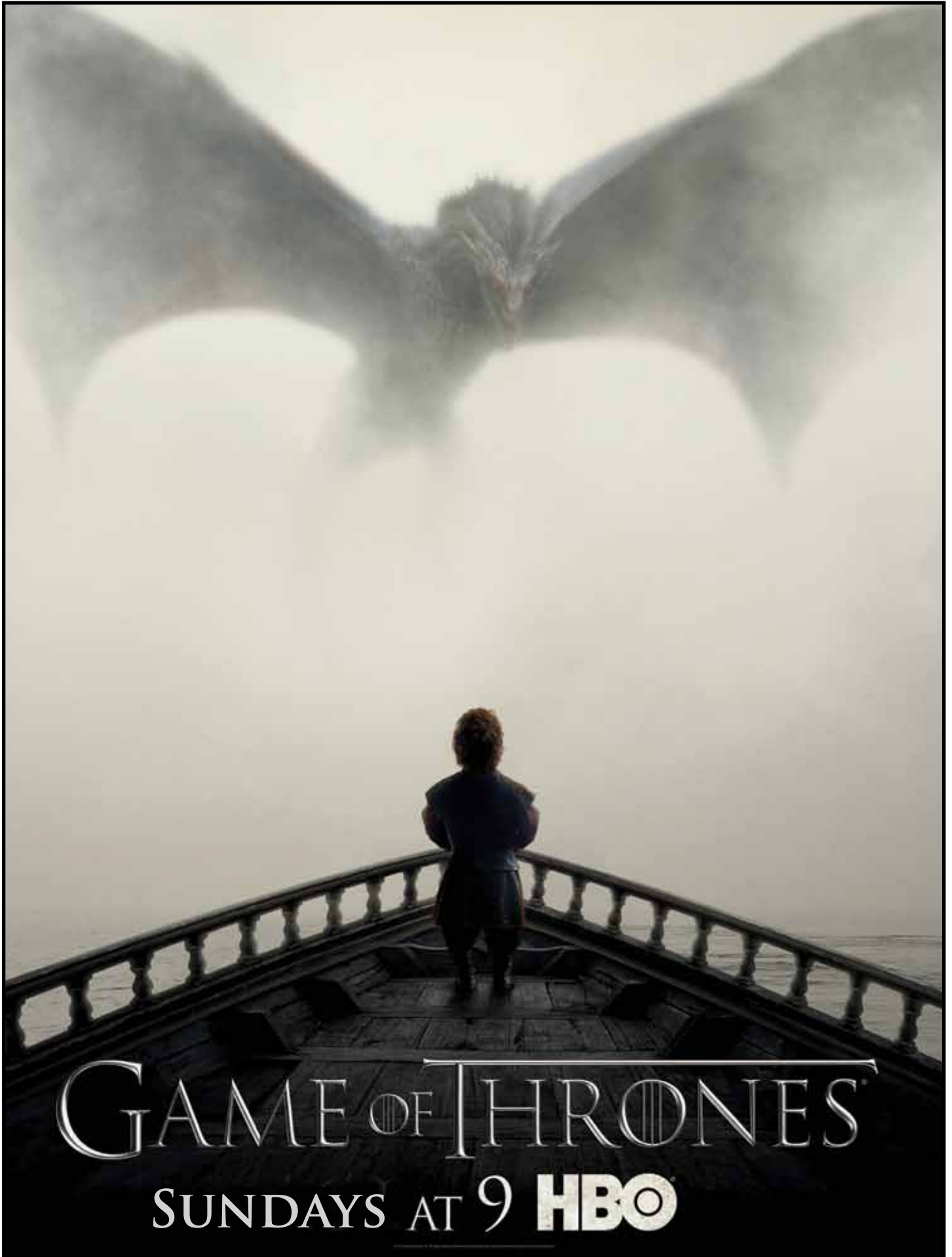
### پدر «پروین اعتصامی»

پدر آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل  
تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من  
یوسف نام نهادند و به گرگت دادند  
مرگ گرگ تو شد ای یوسف کنعانی من  
مه گردون ادب بودی و در خاک شدی  
خاک زندان تو گشت ای مه زندانی من  
از ندانستن من دزد قضا آگه بود  
چو تو را برد بخندید به نادانی من  
آن که در زیر زمین داد سر و سامانت  
کاش میخورد غم بی سر و سامانی من  
به سر خاک تو رفتم خط پاکش خواندم  
آه از این خط که نوشتند به پیشانی من  
رفتی و روز مرا تیره تر از شب کردی  
بی تو در ظلمتم، ای دیده نورانی من  
بی تو اشک و غم و حسرت همه هممان من اند  
قدمی رنجه کن از مهر به مهمانی من  
صفحه روی ز انتظار نهان می دارم  
تا نخوانند بر این صفحه پریشانی من  
دهر بسیار چو من سر به گریبان دیده ست  
چه تفاوت کندش سر به گریبانی من  
عضو جمعیت حق گشتی و دیگر نخوری  
غم تنهایی و مهجوری و حیرانی من  
گل و ریحان کدامین چمنتم بنمودند  
که شکستی قفس ای مرغ گلستانی من  
من که قدر گهر پاک تو می دانستم  
ز چه مفقود شدی ای گهر کانی من  
من که آب تو ز سرچشمه دل می دادم  
آب و رنگت چه شد ای لاله نعمانی من  
من یکی مرغ غزلخوان تو بودم چه فتاد  
که دگر گوش نداری به نواخوانی من  
گنج خود خواندیم و رفتی و بگذاشتیم  
ای عجب بعد تو با کیست نگهبانی من

### پدر

ای پدر ای با دل من همنشین  
ای صمیمی ای بر انگشتر نگین  
ای پدر ای همدم تنهاییم  
آشنایی با غم تنهاییم  
ای طنین نام تو بر گوش من  
ای پناه گریه ی خاموش من  
همچو باران مهربان بر من ببار  
ای که هستی مثل ابر نو بهار  
در صداقت برتر از آینه ای  
در رفاقت باده ای بی کینه ای  
ای سپیدار بلند و بی قرار  
می برم نام تو را با افتخار  
هر چه دارم از تو دارم ای پدر  
ای که هستی نور چشم و تاج سر  
رحمت بارانی روشن تبار  
مهربانی از تو مانده یادگار  
ای پدر بوی شقایق می دهی  
عاشقی را یاد عاشق می دهی  
با تو سبزم، گل بهارم، ای پدر  
هر چه دارم از تو دارم ای پدر  
«لادری»







## کار می خواهی، بچه دار نشو!

### نعیمه دوستدار

شدن ندارند. گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که ۳۱.۱ درصد جوانان در آستانه ازدواج اعتقاد دارند که اگر بیش از دو فرزند بیاورند مردم آنها را سرزنش می‌کنند. همچنین ۱۸.۷ درصد جوانان پیشرفت تحصیلی و شغلی زنان را مهم‌تر از بچه‌دار شدن می‌دانند. در این گزارش همچنین آمده که ۱۴.۱ درصد از جوانان در آستانه ازدواج گفته‌اند: «آدم پولش را برای چیزهایی که دوست دارد خرج کند بهتر از این است که خرج بچه کند». ۲۹.۴ درصد از جوانان هم گفته‌اند: «بچه‌دار شدن سخت است و راحتی را از آدم می‌گیرد».

همچنین در حالی که شعارهای «دو بچه کافی است» دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با شعارهایی نظیر «فرزند بیشتر، زندگی قوی‌تر و آبرومندتر» و تصاویر تبلیغاتی خانواده‌های پرجمعیت جایگزین شده، بررسی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که میانگین تعداد فرزندان فعلی زنان ۱.۷ فرزند است.

۳۴ درصد پاسخ‌دهندگان به این آمارگیری، تمایل به داشتن فرزند دیگری نداشته‌اند. ۵۶ درصد یک فرزند دیگر، ۷.۸ درصد دو فرزند و ۱.۱ درصد نیز سه فرزند دیگر می‌خواسته‌اند.

همین آمار نشان داده که زنان پاسخگوی ساکن نقاط شهری به طور متوسط ۷.۷ فرزند هستند و زنان ساکن مناطق روستایی به طور متوسط سه فرزند می‌خواهند.

در همین حال، محمد اسماعیل مطلق، مدیرکل دفتر سلامت، جمعیت، خانواده و مدارس وزارت بهداشت، اردیبهشت امسال اعلام کرده که هر سال ۴۴۰ هزار فرصت فرزندآوری در کشور از دست می‌رود که بیشترین آن ۴۱۰ هزار فرصت فرزندآوری در زنان ازدواج نکرده است.

از مرخصی ۹ ماهه استفاده کرده‌اند اما سازمان تامین اجتماعی ایران می‌گوید که در همین وزارتخانه‌ها هم اجرای قانون برای همه یکسان نبوده است و برخی از مرخصی زایمان ۹ ماهه و بعضی از مرخصی شش ماهه استفاده کرده‌اند.

طرح افزایش مرخصی زایمان گرچه در پوشش طرح‌های حمایتی از زنان ارائه شده اما در واقع تنها بخشی از مجموعه طرح‌هایی است که در سال‌های گذشته برای افزایش جمعیت ایران و در راستای سیاست کلی حکومت اسلامی در این زمینه ارائه شده است. مجموعه این طرح‌ها می‌کوشد زنان را به فرزندآوری بیشتر تشویق کند.

طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده که خرداد سال ۱۳۹۲ از سوی ۵۰ تن از نمایندگان مجلس و در پیوند با طرح افزایش جمعیت و ارتقای نرخ باروری ارائه شد، یکی از این طرح‌هاست. این طرح، دسترسی زنان به «حق کار» را محدود و با گرفتن آزادی و حق انتخاب آنان، حضورشان در بازار کار را به تدریج کم‌رنگ می‌کند. این طرح، همچنین با اولویت دادن به مردان برای فرصت‌های شغلی، به طور مستقیم به تبعیض در استخدام دامن می‌زند.

بر اساس ماده ۹ طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، اولویت استخدام در کلیه بخش‌های دولتی و غیر دولتی به ترتیب با مردان دارای فرزند و سپس مردان متاهل فاقد فرزند و سپس زنان دارای فرزند است و به نظر می‌رسد که هدف این طرح به طور مشخص در ادامه تشویق زنان به ترک بازار کار، فرزندآوری بیشتر و تمرکز بر وظایف «مادری» و «همسری» است.

با وجود همه این تلاش‌ها، مرکز آمار ایران فروردین ماه امسال اعلام کرده که ۲۵ درصد جوانان علاقه زیادی به فرزنددار

مرخصی زایمان ۹ ماهه را برای آنها در نظر بگیرد اما این دیوان احتمالاً به کارفرماهای شرکت‌ها و کارخانه‌های خصوصی توجهی ندارد که زنان را با قراردادهای کوتاه مدت استخدام می‌کنند و برایشان شرط بچه‌دار نشدن می‌گذارند یا پس از بچه‌دار شدن زنان را اخراج می‌کنند و نیروی جایگزین مرد می‌آورند. قبل از رای دیوان عدالت اداری، دولت حسن روحانی دستور لغو مصوبه افزایش مرخصی زایمان را داده بود و سال گذشته معاون اول رییس جمهوری گفته بود که اجرای مصوبه مرخصی زایمان ۹ ماهه لغو شده است.

### داستان افزایش مرخصی زایمان

افزایش مرخصی زایمان شش به ۹ ماه داستان درازی دارد. این طرح در خرداد ماه ۱۳۹۲ در دولت محمود احمدی‌نژاد در مجلس تصویب شد اما شورای نگهبان با آن مخالفت کرد. پس از آن مجلس اعلام کرد که اجرای این مصوبه از سوی دولت اختیاری خواهد بود و به دنبال آن دولت محمود احمدی‌نژاد افزایش مرخصی زایمان به ۹ ماه را تصویب و ابلاغ کرد.

مرخصی زایمان اما تنها یک بند از تسهیلات و سوسه‌انگیزی بود که در دولت احمدی‌نژاد تصویب شد. مصوبه شامل ارائه تسهیلاتی نظیر وام قرض‌الحسنه فرزند، واگذاری زمین و خانه مسکونی، اهدای سکه بهار آزادی، امکان تحصیل غیرحضوری، مرخصی برای پدران، بیمه اجباری درمان و سبب بهداشتی-درمانی و تغذیه رایگان هم بود.

تصویب این مصوبه نگرانی‌های زیادی را در میان فعالان حقوق زنان و در گروه‌های مختلف زنان شاغل ایجاد کرد. بسیاری نگران بودند که با تصویب این مصوبه زنان بیشتری کار خود را به دنبال استفاده از مرخصی زایمان از دست بدهند و همین طور هم شد. سازمان تامین اجتماعی اعلام کرده که افزایش مرخصی زایمان نه تنها به اشتغال زنان کمکی نکرده بلکه یک سوم از ۱۴۵ هزار مادری که در دو سال گذشته از مرخصی زایمان استفاده کرده‌اند، از کار اخراج شده‌اند. با وجود اینکه اعلام شد استفاده از این مصوبه «اختیاری» است، بسیاری از نهادهای دولتی و خصوصی این شرط را رعایت نمی‌کنند. در وزارت بهداشت و آموزش و پرورش تعدادی از کارمندان

متین، کارشناس ارشد رشته پلیمر، دو سال است ازدواج کرده و سه سال است دنبال کار می‌گردد. هفته پیش، وقتی از مصاحبه کاری برگشت، خیلی خوشحال بود. مدیر شرکت در حرف‌هایش گفته بود او را که فارغ‌التحصیل از یک دانشگاه معتبر است، به همتایان مردش ترجیح می‌دهد. اما ایمیل دیروز مدیر شرکت خیلی خوشحالش نکرد. در ایمیل نوشته بود که هنوز انتخاب اولش متین است، به شرطی که قراردادی را امضا کند که در آن آمده متین تا چهار سال آینده که پروژه شرکت برقرار است، بچه‌دار نخواهد شد.

تصمیم‌گیری برای بچه‌دار شدن در جامعه امروز ایران نه برای زنان آسان است نه برای مردان. از یک طرف مشکلات اقتصادی امکان چنین کاری را از آنها می‌گیرد، از طرف دیگر اولویت‌های زندگی برای آنها تغییر کرده. حالا دیگر نه فقط مردان که زنان هم نمی‌خواهند پیشرفت شغلی و تحصیلی خود را فدای بچه‌دار شدن کنند. حتی زنانی که خودشان می‌خواهند بچه‌دار شوند هم با خطر از دست دادن موقعیت کاری و تحصیلی مواجه‌اند؛ مثل متین که فکر می‌کند اگر بچه‌دار شود، امکان یک تجربه بزرگ کاری را از دست خواهد داد.

### مصوبه‌ای که لغو نشد

دولت ایران در ظاهر ادعا می‌کند که طرح‌هایی برای حمایت از زنانی که می‌خواهند بچه‌دار شوند در چننه دارد. یکی امکان استفاده از مرخصی ۹ ماهه زایمان. هیات عمومی دیوان عدالت اداری ایران، افزایش مرخصی زایمان از شش ماه به ۹ ماه را که محل بحث بود، تأیید کرده و برای آن رای وحدت رویه صادر کرده است. بر اساس حکم وحدت رویه هیات عمومی دیوان عدالت اداری، از این به بعد اگر کارمندی درباره مرخصی زایمان از دولت شکایت کند و بخواهد مرخصی ۹ ماهه بگیرد، کارفرما موظف است حقوق و مزایای او را برای ۹ ماه کامل بپردازد.

دیوان عدالت اداری ایران به شکایت از اشخاص و نهادهای دولتی رسیدگی می‌کند و پیش از صدور این حکم، پنج کارمند دولت درباره مرخصی زایمان به دادگاه‌های مختلف شکایت کرده بودند. حالا دیوان عدالت اداری گفته شکایت کارمندان وارد است و کارفرما باید

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS  
FREE CAR WASH COUPON  
@  
TOUCHFREEWASH.COM  
OPEN 24 HOURS





**(408) 345-3848**

**355 Santana Row #1010, San Jose, CA 95128**

**Blowfish Sushi Presents**

**Happy Hour  
4-7pm  
Everyday**

**Under New  
Operations**

**Middle  
Eastern  
Night**

**Every Thursday**  
**11:00pm - 1:30 am**  
**DJ ANO**  
Top 40 - Hip Hop - Middle Eastern  
Epic Music Ent.

**Monday-Friday  
Lunch:  
11:30am-2:30pm  
Dinner:  
5:00pm-11:00pm**

**Saturday & Sunday  
Lunch:  
11:30am-5:00pm  
Dinner:  
5:00pm-11:00pm**

Blowfishsushi.com - 355 Santana Row, STE 1010 San Jose, Ca 95128 - 408 345 3848

## سنگ تراش

روزی، سنگتراشی که از کار خود ناراضی بود و احساس حقارت می کرد، از نزدیکی خانه بازرگانی رد می شد. در باز بود و او خانه مجلل، باغ و نوکران بازرگان را دید و به حال خود غیبه خورد و با خود گفت: این بازرگان چقدر قدرتمند است! و آرزو کرد که مانند بازرگان باشد. در یک لحظه، او تبدیل به بازرگانی با جاه و جلال شد. تا مدت ها فکر می کرد که از همه قدرتمندتر است. تا این که یک روز حاکم شهر از آنجا عبور کرد، او دید که همه مردم به حاکم احترام می گذارند. حتی بازرگانان. مرد با خودش فکر کرد: کاش من هم یک حاکم بودم، آن وقت از همه قوی تر می شدم! در همان لحظه، او تبدیل به حاکم مقتدر شهر شد. در حالی که روی تخت روانی نشسته بود، مردم همه به او تعظیم می کردند. احساس کرد که نور خورشید او را می آزد و با خودش فکر کرد که خورشید چقدر قدرتمند است. او آرزو کرد که خورشید باشد و تبدیل به خورشید شد و با تمامی نیرو سعی کرد که به زمین بتابد و آن را گرم کند. پس از مدتی ابری بزرگ و سیاه آمد و جلو تابش او را گرفت. پس با خود اندیشید که نیروی ابر از خورشید بیشتر است، و تبدیل به ابری بزرگ شد. کمی نگذشته بود که بادی آمد و او را به این طرف و آن طرف هل داد. این بار آرزو کرد که باد شود و تبدیل به باد شد. ولی وقتی به نزدیکی صخره سنگی رسید، دیگر قدرت تکان دادن صخره را نداشت. با خود گفت که قوی ترین چیز در دنیا، صخره سنگی است و تبدیل به سنگی بزرگ و عظیم شد. همان طور که با غرور ایستاده بود، ناگهان صدایی شنید و احساس کرد که دارد خرد می شود. نگاهی به پایین انداخت و سنگتراشی را دید که با چکش و قلم به جان او افتاده است!

افزایش اطلاعات عمومی درباره خشونت نسبت به زنان و کودکان، تاثیر مهمی در نجات این قشر آسیب پذیر داشته اما در نقطه مقابل و به دلیل عدم آگاهی، اقلیت کوچک مردان آسیب دیده، حتی در خلوت خود هم به این باور نمی رسند که مسیر بسیار سخت تری برای رهایی از این وضعیت، پیش روی خود دارند. پزشکان توصیه می کنند که اگر در رابطه هستید و می خواهید این رابطه سالم بماند، باید بدانید که رابطه احتیاج به مراقبت و ترمیم دارد. هر چند ممکن است کار چنین رابطه ای از ترمیم گذشته باشد و پایان دادن به آن راه حل مفیدتری باشد.

## ادامه مطلب مردان هم قربانی... از صفحه ۱۱

معمولا در این بحث ها و حرف ها، این که مرد نباید روی حرف زنش حرف بزند یا کارهای سخت خانه به عهده مردان است و حتی حرف هایی درباره میزان سکه های مهریه و ترس از مادرزن هم به عنوان شاهد خشونت خانگی در شوخی و خنده ها، به عنوان نشانه ارائه می شود. این ماجراها معمولا به شوخی برگزار می شوند و می گذرند اما کافی است یکبار جدی و محکم به این مردان خندان بگویید که اگر واقعا احساس می کنند در رابطه زناشویی خود امنیت روانی ندارند یا به اندازه نقش خود قدرت تصمیم گیری ندارند یا از یک فرد بیرونی و تاثیرش در زندگی خود می ترسند و فکر می کنند تحت خشونت خانگی هستند، باید خودشان و البته همسرشان درمان شوند. آن وقت خواهید دید که چگونه این افراد ممکن است حرف خود را پس بگیرند.

### سکوت راه حل نیست

مردانی که ناگهان در رابطه تبدیل به نفر دوم می شوند و سکوت را به عنوان راهی برای واکنش نشان دادن به مساله انتخاب می کنند، احتمالا مردانی آسیب دیده در رابطه هستند. حتی مردانی که تحت کنترل شدید همسران خود قرار می گیرند و از رفتارهای کوچکی مثل طرز نشستن و راه رفتن تا رفتارهای اجتماعی مثل میزان گپ و گفت در جمع، مشروب خوردن، معاشرت با آدم های دیگر و... تحت نظارت همسر خود هستند هم در واقع تحت خشونت خانگی قرار دارند، گرچه پرداختن به این موضوع نباید جای توجه ویژه به خشونت سیستماتیک علیه زنان را بگیرد.

بر اساس نظر کارشناسان علوم اجتماعی در ایران، تربیت و شخصیت مردان در اتفاقی مثل خشونت خانگی، بسیار تاثیرگذار است. مردانی با اعتماد به نفس و عزت نفس پایین، تحت سلطه زنانی قرار می گیرند که عادت به کنترل، پرخاش، سوءاستفاده، خشونت کلامی و جنسی دارند. زنانی با این بیماری ها و ناهنجاری های رفتاری، دقیقا شبیه نمونه های مردانه خود، با این رفتارها به آرامش و رضایت می رسند که روزگار را برای شریک زندگی خود سخت می کنند و از او قربانی تمام عیار می سازند.

قربانی مرد بر خلاف قربانیان مونث و کودک خشونت خانگی، علاوه بر ترس و فشار روحی و روانی، اغلب به دلیل شنیده ها و آموخته های عامیانه و بی اساس، قربانی بودن خود را نه متوجه می شود و نه باور می کند که این نظر می توان شبیه مراحل اولیه متاثر شدن از خشونت قربانیان کودک و زن باشد. او خودش را عامل اصلی تمام مشکلات و بلاها می داند و رفتار فرد مقابل را نسبت به خود می پذیرد. واقعیت این است که درصد بسیار کمی از مردان جامعه، دچار خشونت خانگی می شوند، اما همین اقلیت بسیار کوچک، شرایطی سخت تر از نمونه های مونث خود تجربه می کنند. درست است که در سال های گذشته،

معمولا در این بحث ها و حرف ها، این که مرد نباید روی حرف زنش حرف بزند یا کارهای سخت خانه به عهده مردان است و حتی حرف هایی درباره میزان سکه های مهریه و ترس از مادرزن هم به عنوان شاهد خشونت خانگی در شوخی و خنده ها، به عنوان نشانه ارائه می شود. این ماجراها معمولا به شوخی برگزار می شوند و می گذرند اما کافی است یکبار جدی و محکم به این مردان خندان بگویید که اگر واقعا احساس می کنند در رابطه زناشویی خود امنیت روانی ندارند یا به اندازه نقش خود قدرت تصمیم گیری ندارند یا از یک فرد بیرونی و تاثیرش در زندگی خود می ترسند و فکر می کنند تحت خشونت خانگی هستند، باید خودشان و البته همسرشان درمان شوند. آن وقت خواهید دید که چگونه این افراد ممکن است حرف خود را پس بگیرند.

### فشنونت علیه مردان، کلامی و روانی

روان شناسان، روان پزشکان و مددکاران اجتماعی معتقدند که گرچه مردان هم گرفتار خشونت خانگی می شوند، اما تعریف این خشونت در زندگی مردان بسیار متفاوت تر از اتفاقی است که در زندگی زنان و کودکان رخ می دهد. بر اساس آنچه که از آمارها و بررسی های انجام شده برمی آید، درصد زنانی که همسران خود را مورد آزار و اذیت فیزیکی قرار می دهند و آسیب جسمی به آن ها وارد می کنند ناچیز است اما درصد بالایی از زنان آسیب زنده، از ابزار خشونت کلامی استفاده می کنند و به رفتارهایی مثل تحقیر، توهین، تهدید، کنترل گری و... متصل می شوند. از آنجایی که بر اساس شرایط زیستی و محیطی در ایران، معمولا زنان از نظر جسمی ضعیف تر از مردان هستند و همین طور حساسیت روحی بیشتری دارند، آمار و تاثیر خشونت خانگی نسبت به زنان بسیار بالاتر از مردان است. مردها قدرت تحمل جسمی و روانی بیشتری نسبت به زنان دارند و همین تفاوت، باعث می شود تا کمتر از زنان دچار خشونت خانگی شوند. بر اساس آمارهای رسمی، مقصران اصلی خشونت های خانگی مردان هستند و خشونت ورزی، کتک زدن و دیگر رفتارهای این چنینی از سوی آن ها توجیه پذیر نیست. سوی دیگر ماجرا اما امنیت روانی زن و مرد در رابطه است.

وقتی امنیت روانی همسران در خانه به خطر می افتد و همین که یکی از دو سوی رابطه حتی در رابطه میان دو هم جنس، احساس کند که همسرش بیشتر از آن که به او توجه



## ارتش آمریکا استخدام می کند!

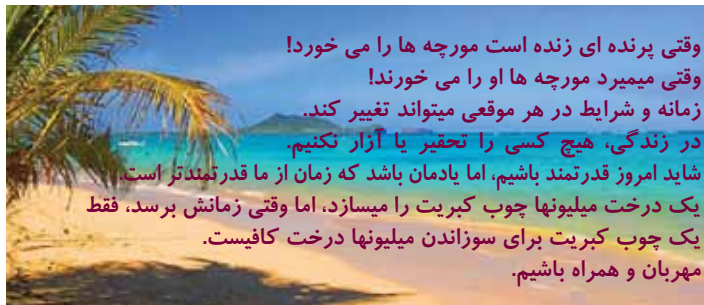
به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا بپیوندید!



Earn your Citizenship within six to eight months

**Sergeant Jamie Laurent**  
650-248-4760





و خانواده‌های زیادی به خاطر همین هزینه‌ها قید تحصیل فرزندشان را می‌زنند. الهام موسوی، فعال حقوق کودک، می‌گوید: «دولت افغانستان هم مسئولیتی در قبال مهاجران نمی‌پذیرد. سفارت حمایتی از دانشجویان از هیچ لحاظی نمی‌کند. حتی بورسیه‌ها به صورت گزینشی و رانتی توزیع می‌شود و افغانستانی‌ها شانس مساوی برای دریافت بورسیه ندارند.»

#### آنها که رویا دارند

تا زمانی که سیاست ایران نسبت به مهاجران افغانستانی در ابعاد اقتصادی، سیاسی و حقوقی تغییر نکند، احتمالاً هیچ تغییری در وضعیت افغانستانی‌ها در هیچ حوزه‌ای ایجاد نخواهد شد. با وجود تمام این مشکلات، اما، کودکان افغانستانی ساکن ایران، رویا دارند و به رویاهای خود وفادارند. یک شهروند افغان می‌گوید: «یک دهه پیش با قاطعیت می‌شد گفت رویاهای کودکان مهاجر افغانستانی در ایران مرده است، اما حالا می‌توان گفت نه. کودکان مهاجر افغانستانی با وجود محدودیت‌ها تمام تلاش خودشان را می‌کنند که به دانشگاه‌های دولتی راه پیدا کنند.» احمد هم می‌گوید: «می‌خواهم در ایران لیسانس مدیریت بازرگانی بگیرم، بعد در کانادا فوق لیسانس بگیرم و بعد به افغانستان برگردم و به هومونانم کمک کنم.»

افغانستانی‌ها به دانشگاه وجود دارد؟ دانش‌آموزان افغانستانی که معدل دیپلم‌شان کمتر از ۱۳ باشد، حق ورود به دانشگاه‌های دولتی را ندارند. تا سال گذشته این حداقل معدل، ۱۴ بود. همچنین افغانستانی‌هایی که در رشته‌های روزانه دانشگاه‌های دولتی پذیرفته می‌شوند، همچنان باید هشتاد درصد شهریه شبانه را پرداخت کنند. یعنی امکان تحصیل رایگان برای افغانستانی‌ها وجود ندارد.

افغانستانی‌ها حق تحصیل در برخی رشته‌های مهندسی (مانند هوافضا) و پزشکی را ندارند.

مهم‌ترین نکته اما این است که افغانستانی‌ها در صورت ورود به دانشگاه، حق اقامت خود را در ایران از دست می‌دهند. با ورود به دانشگاه، کارت اقامت‌شان باطل می‌شود و ویزای تحصیلی می‌گیرند و به محض این که مدرک تحصیلی‌شان را دریافت کردند، باید خاک ایران را ترک کنند. وضعیت برای دختران کمی بهتر است، چون می‌توانند بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی، از طریق خانواده‌شان دوباره کارت اقامت بگیرند، اما برای پسرها هیچ راهی وجود ندارد، به خصوص که آینده شغلی هم در ایران در انتظار افغانستانی‌ها نیست.

افغانستانی‌های فاقد پاسپورت، در صورت پذیرش در دانشگاه، باید برای تهیه پاسپورت افغانستانی به کشور خودشان بازگردند. سفری که هزینه‌های زیادی دارد

## ادامه مطلب رویای ناتمام... از صفحه ۳۸

می‌کند. مثلاً در سال ۸۳ اعلام شد که فقط افغانستانی‌هایی می‌توانند وارد مدرسه‌های ایران شوند که کارت اقامت داشته باشند. تا سال ۸۹ کودکانی که کارت اقامت نداشتند و پاسپورت افغانستانی داشتند، نتوانستند وارد مدرسه‌های دولتی شوند و در مدرسه‌های خودگردان، آن‌جایی‌ها یا در جمع‌های کوچک‌تر درس خوانند. این تغییر سیاست‌ها، در جاهای مختلف دیده می‌شود: انتخاب رشته، هزینه‌های تحصیلی، مدت زمان اقامت و...»

#### سازمان‌های مردم‌نهاد: حیران مافات

نهادهای غیردولتی حامی حقوق کودک، علاوه بر نقش مهمی که در وارد کردن گفت‌وگوهای حقوق کودک به ایران داشتند، در مساله آموزش هم کمک زیادی به کودکان کم‌درآمد، کودکان کار و کودکان افغانستانی کرده‌اند.

احمد که چند سالی به دلایل اقتصادی از مدرسه دور بوده، می‌گوید: «مدتی در یکی از انجمن‌های حمایت از کودکان کار درس می‌خواندم که آن‌جا درس خواندن آسان‌تر بود. پولی برای ثبت‌نام نمی‌دادیم. معلم‌ها داوطلبانه تدریس می‌کردند. دختر و پسر با هم بودیم. کلاس‌های غیردرسی داشتیم. چون همه افغانستانی بودند، فضای بهتری داشت. کسی افغانستانی‌ها را به‌خاطر چشم‌هایش مسخره نمی‌کرد. انجمن کمک کرد من در سال‌هایی که مجبور بودم کار کنم، درس هم بخوانم.»

#### راه سفت دانشگاه

احمد می‌گوید: «بین ما کمتر پیدا کسی می‌شود که به تحصیل ادامه بدهد. کمی درس می‌خوانند، ول می‌کنند و کار می‌کنند. نهایتاً تا دیپلم.» آیا مانع خاصی بر سر راه ورود

الهام موسوی می‌گوید: «تصویر کربیه و زشتی از افغانستانی‌ها توسط رسانه‌ها ساخته شده و من افغانستانی در مدرسه و دانشگاه و مهد کودک بارها و بارها با این مواجه شده‌ام که هی افغانی متجاوز! کشور ما را اشغال کرده‌ای! به کشور خودت برگرد وحشی!»

احمد هم می‌گوید: «خیلی پیش می‌آمد در مدرسه‌های دولتی ایرانی به من و دوستانم می‌گفتند که «اینجا چه کار می‌کنی؟ برو کشور خودت. برگرد افغانستان.» ما هم جواب نمی‌دادیم.»

#### اولویت کار بر تمهیل

از ویژگی‌های دیگر فرهنگ مذهبی غالب، بی‌اهمیت بودن آموزش است. خرده‌فرهنگی که در ساختار ارزشی‌اش «کار» جایگاهی بالاتر از آموزش دارد و به‌خصوص وقتی خانوار با مشکل اقتصادی روبه‌روست، اولویت با سیر کردن شکم است، نه آموزش. به این ترتیب حتی وقتی کار کودک برای اقتصاد خانواده «ضروری» نیست، عدم آگاهی بر لزوم و اهمیت آموزش از طرفی و فشار اجتماعی و روانی که بر خانواده وارد می‌شود، باعث می‌شود کودک به راحتی از چرخه آموزش حذف و وارد بازار کار شود.

حاکمیت در حالی که موظف است زمینه تحصیل رایگان را فراهم کند و طبق قانون آموزش برای کودکان زیر ۱۸ سال الزامی است، نه تنها تلاشی در این زمینه نمی‌کند، که با تغییر مداوم سیاست‌ها و تحمیل هزینه‌های مختلف، به سخت‌تر شدن وضعیت تحصیلی کودکان افغانستانی دامن می‌زند. الهام موسوی می‌گوید: «تصمیم‌های سیاسی و قانونی درخصوص تحصیل کودکان مهاجر افغانستانی در ایران مدام تغییر

## با نهایت مسرت به استحضار دوستان و علاقمندان میرساند:

هفتمین و آخرین کتاب از مجموعه کتابهای: «سیروسفری در گلستان شعروادب پارسی» گردآوری و نگارش مهندس پرویز نظامی انتشار یافت. این مجموعه نفیس که در نوع خود بینظیر می‌باشد مشتمل است بر شرح احوال - تحلیل آثار - افکار و اندیشه‌ها و منتخبی از زیباترین اشعار بیش از یکصد و پنجاه شاعر و عارف

و دانشمند ایرانی در یک‌هزار و دو بیست سال گذشته - از تاریخ شروع نهضت تجدید حیات فرهنگی ایران پس از یورش تازیان تا زمان حاضر.

قیمت هر جلد بیست دلار

تلفن سفارش و خرید

۷۷۸۷-۲۰۸ (۵۱۶)

parviznezami@yahoo.com

## ادامه مطلب پرواز ساعت... از صفحه ۱۳۶

ابرها باشد، تا بحال چنین چیزی را ندیده بود. میان همه کسانی که معلوم نیست از کجا به کجا می روند، چشم شهرزاد به دنبال تسفان می گردد، ناگهان دلش می لرزد، ترسی ملایم به جانش می افتد، به خودش دلداری می دهد «حتما او هم خواب مانده»، اما از نگرانش کم نمی شود.

در بازگشت از دستشویی راهش را بطرف اتاق تسفان کج می کند، «برم مه را نشونش بدم، حتما در اریتره هرگز چنین مهی نبوده»، اما خودش می داند که می خواهد بی قراریش را آرام کند. به اتاق او نرسیده در باز می شود و هم اتاقی تسفان بیرون می آید. شهرزاد را که می بیند، می ایستد، سرش را پایین می اندازد و با آلمانی شکسته بسته ای می گوید: «تسفان را به کشورش برگرداندن، امروز ساعت چهارصبح آمدند او را بردند، با پرواز ساعت ده صبح برمی گردد». بعد ساعت میچیش را جلو چشم شهرزاد می گیرد که ساعت ده و نیم را نشان می دهد.

پاهای شهرزاد شل می شوند، روی زمین می نشیند و سرمای همه زمستانها به جانش می ریزند، وقتی نیم ساعت بعد از زمین بلند می شود، نمی تواند کمرش را صاف کند، با زحمت زیر نگاه سرد و مات غریبه هایی که شهرزاد دیگرصدایشان را نمی شنود به اتاقش بر می گردد. سرش را زیر پتو پنهان می کند و همانطور با کفش های خیس به خواب می رود. وقتی دوباره بیدار می شود همه جا تاریک است، شیشه پنجره ها بخار کرده اند، بوی نم در همه جا پیچیده است، فکر می کند «چه بوی تلخیه، بوها هم می تونن حس داشته باشن». با زحمت خودش را نیم خیز می کند، درونش خالی است، حس می کند که جای قبلش یک حفره بزرگ است. بدنش را لمس می کند تا مطمئن شود هنوز زنده است. دستش را به جستجو در اطرافش دراز می کند تا تلفنش را پیدا می کند و شماره می گیرد. «سلام، خوبم، آره، نه چیزی نشده، فقط میشه برام پول بفرستی؟ بعد برات توضیح میدم، به اندازه پول یک بلیط برا برگشتن». تلفن را که قطع می کند سرش را زیر بالش می کند و با دست محکم آنرا روی سرش فشار می دهد، بدنش مثل کوه سنگین شده است، حس می کند غم همه عالم بر جانش ریخته است. در راهرو کسی عربده می کشد و او از تنهایی می ترسد. پاهایش را توی شکمش جمع می کند و با صدایی که شبیه هیچ صدایی نیست ضجه می زند. باد وزه کشان پنجره را به ناگاه باز می کند و مه خرامان به درون می آید.

شیرین ترین حس دنیا یکجا می بلعد. شب با آخرین اتوبوس به کمپ برمی گردند، هوا سرد است، یک شب مهتابی که کمتر در پاییز آلمان پیش می آید. شهرزاد فکر می کند «ماه هیچوقت اینقدر روشن نبوده». تسفان دست او را گرفته است و هر دو در سکوت راه می روند. شهرزاد با خودش می گوید «چرا در نقاشیهای بچگیمان ماه هیچوقت خندان نبود، خنده مال خورشید بود. ماه مال دنیای بزرگترها، برای جلوه گری های عاشقانه». وقتی دست تسفان دستش را رها می کند شهرزاد می داند که به اتاقش رسیده است.

در اتاقش را پشت سرش قفل می کند و به خواب عمیقی فرو می رود و صورتش از رویای دلپذیری که بیداریش را بی می گرفت از هم شکفت و سر و صدای هم اتاقیهایش هم اینبار خوابش را نیاشفت. روز بعد با صدای تلفن از خواب بیدار شد. همان چند جمله تکراری. شهرزاد روی تخت می نشیند. فکر می کند، نکند همه دیروز خواب خوشی بوده که حالا از آن بیدار شده. اشکهایش سرازیر می شوند و این بار حسی غم انگیز همراهشان است: «او فکر می کنه پول تنها چیزی است که منو خوشبخت می کنه. راستی چرا اصرار نکرد که بمنم. مثل این بود که با آمدن من از سر یک رابطه دست و پا گیر خلاص می شه. دیگه مجبور نمیشه همه اش دروغ بگه. دروغایی که دیگه گفتنشونم لزومی نداشت. من نمی پرسیدم تا اون دروغ نگه ولی او بازم می گفت. عادتش شده بود. چه چیزی منو تو اون زندگی بند کرده بود؟ بدهکار کی بودم؟ از چی می ترسیدم؟ اگه نیامده بودم بازم توان کندن نداشتم. اینقدر تو اون زندگی می موندم تا ببوسم». طولی نمی کشد تا شهرزاد دوباره به دنیای واقعی برگردد. برای اولین بار دنیای واقعی زیباتر است، پراز شور و عشق است. از جایش بلند می شود، اشکهایش را پاک می کند و در اتاق که فاصله میان او و خوشبختی است را باز می کند.

دو ماه از آشنایی شهرزاد با تسفان می گذرد. یکروز دوشنبه سرد زمستان در میانه جنگلهای سیاه آلمان است، شهرزاد از اتاقش بیرون می آید. امروز دیرتر از هر روز از خواب بیدار شده. خوشحال است که می خواهد دوباره با تسفان به شهر برود و در کافه خودشان خوشمزه ترین قهوه دنیا را بنوشد. راهرو مثل همیشه شلوغ است، هوا همه را خانه نشین کرده، مه غلیظی همه جا را گرفته، هیچ جا در بیرون دیده نمی شود. مثل این است که ساختمان آنها میان

پراز برگهایی است که از باران چند ساعت قبل خیس شده اند. شهرزاد فکرمی کند هرگز جایی به این زیبایی را در عمرش ندیده است. یقه کاپشنش را بالا می کشد و با اینکه هوا زیاد سرد نیست دلش می خواهد گردنش را در گرما و نرمی آن فرو کند. آنها حرف می زنند، میان حرف همدیگر می دوند مثل اینکه وقت کمی برای گفتن داشته باشند، تسفان ناگهان می پرسد: «تو همه این سالها کجا بودی؟ من این همه دنبالت گشتم و حالا در یک غربت سرد و ناامن پیدایت کردم. اینقدر سالها با خیالت زندگی کردم که حالا به اندازه همه آن سالهای خیالی می شناسمت» شهرزاد می ایستد، رویش را به سمت او برمی گرداند و اشکها صورتش را خیس می کنند بی آنکه حسی از غم در او باشد.

در یک کافه کوچک بلژیکی که هیچکدام از صندلی ها و میزهایش شبیه هم نیستند در کاسه های کوچک سفالی قهوه می خورند، موزیک دلچسپی پخش می شود. شهرزاد با خودش فکر می کند «در یک شهر کوچک، در یک کافه که مثل هیچ کافه ای در دنیا نیست با مردی که چیز زیادی از او نمی دانم، چه حس زیبایی دارم. من چقدر خوشبختم، چه اتفاقی افتاده؟ انگار خود خود عشق است! اصلا یادم نمیاد آنروزهایی که اینقدر تند نفس نمی کشیدم چطور بودند، کاش دنیا همینجا تموم می شد، کاش هیچکس منو از این خواب بیدار نکنه». ناگهان بدن شهرزاد مثل ساعت گرفته ها تکان می خورد، صورتش گرم می گیرد و حس می کند که قلبش دارد از جا کنده می شود، تسفان دستش را در دست دارد و شهرزاد گرمای نفس او و داغی بوسه ای بر لبانش را مثل

تقه ای ملایم به در خورد. اعلام حضوری که در خودش آرامش دارد، مثل اینکه بگوید، من آدم بی هیچ جبری، من هستم بدون ذره ای تحمیل، صدایی که همه ترسها و ناامنی های غربت را دور می کند. شهرزاد اما در این سوی در با بی تابی و شور این آرامش و امنیت را انتظار می کشد، در را که باز می کند حس می کند خون از گونه هایش بیرون می ریزد و فکر می کند چه کسی می تواند قلب بزرگ پر تپش او را نبیند؟!

در تمام راه رسیدن به ایستگاه اتوبوس برای رفتن به شهر کوچک نزدیک آنجا تسفان مثل همیشه حرف می زند از خودش می گوید و خانواده اش. با اینکه راههای گرفتن اقامت برایش بسته شده ولی خوش روحیه است و فکر می کند حتما می شود کاری کرد. کمتر از زندگی شهرزاد می پرسد و با ظرافت از زیبایی از خال کنار لب او تعریف می کند. شهرزاد از همه اطرافش کنده شده است. نه گذشته ای دارد و نه آینده ای. فقط لحظه است که او را در حالت خلسه واری مجذوب کرده است. اوبارها این حس را در رویاهایش دنبال کرده بود، آنقدر که به نظرش آمده بود واقعی هستند. او چند سال پیش عاشق حس عاشقانه اش شده بود و فکر کرده بود آنرا در مردی که حالا همسرش بود یافته است. تسفان حرف می زند و چشمهایش برق می زنند.

آنها در کوچه پس کوچه های شهر پرسه می زنند، هوا آفتابی است، یک روز زیبایی پاییزی، باد ملایمی می وزد، برگهای درختان رنگارنگ و زیبا رقص کنان بر زمین می ریزند. در خیابانی درختان از دوسوی در بالا بهم گره خورده اند و زمین

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

Fuel for change.org

FREE CAR WASH COUPON

@

TOUCHFREEWASH.COM

OPEN 24 HOURS

دنیای آقدر وسیع است که برای همه مخلوقات جا هست. به جای آن که جای کسی را بگیرد، تلاش کنید جای واقعی خودتان را بیابید. (چارلی چاپلین)



## ادامه مطلب صدای مرا از ... از صفحه ۱.

جرات کنم باورهای قدیمی و موروثی را کنار بگذارم و مهم تر از همه، تفاوت های انسان ها را درک کنم و دوستشان داشته باشم. بعد از مدتی تصمیم گرفتم آشکارسازی کنم و به قول معروف، از گنجه بیرون بیایم. شجاعت زیادی لازم داشتم تا به دوستانم بگویم همجنس‌گرا هستم و شجاعت به مراتب بیش‌تری برای گفتن این موضوع به خانواده‌ام. آسان نبود ولی یک روز این شجاعت را به دست آوردم. نیاز به لذت زندگی محترمانه و آزاد مرا قوی‌تر می‌کرد و برای خودم هم عجیب بود که توانستم آن قدر معقول باشم که تقریباً تمام آدم‌های اطرافم، زمانی که متوجه همجنس‌گرایی من شدند، طردم نکردند. روزی را به خاطر دارم که برای اولین بار به یکی از دوستانم گفتم خانمی که در جلسه‌های گروه‌مان شرکت می‌کند، به دلم نشسته است. وقتی هفته بعد او را دیدم در گوشم گفت «خاک تو سر خوش سلیقه ات کنن»، حسی سرشار از لذت داشتم. احساسم مثل انسانی بود که سال‌ها در جزیره‌ای به تنهایی زندگی کرده و حالا کشتی نجات را از دور می‌بیند. حالا باید تا آن کشتی نجات با تمام قوا شنا می‌کردم. بعد از دوستان نزدیکم، نوبت خانواده‌ام بود که مرا همان‌طور که هستم ببینند. از بین اعضای خانواده، پدرم آخرین کسی بود که فهمید. او نمازش را -هنوز هم- در مسجد اقامه می‌کند و از تصور خشم و شاید هم ناامیدی‌اش از من، بسیار مضطرب بود. اما او وقتی رازی را که شاید برایش نمود جهنم بود فهمید، به من گفت: «با هر کسی که شادتری زندگی کن.»

## ادامه مطلب لشکر ۴۰ هزار نفره ... از صفحه ۲

این عکس‌العمل او با عشق پدری، یکی از عجیب‌ترین لحظه‌های زندگی‌ام را ساخت. آدم‌ها را همیشه دوست داشته‌ام و به آن‌ها احترام گذاشته‌ام. حالا می‌بینم که نزدیکانم من را همان طوری که هستم، بی‌کم و کاست دوست دارند؛ همان طور که من همیشه دوستشان داشته‌ام. شاید من یکی از معدود دگرباشانی باشم که در ایران زندگی می‌کنم و از طرف هیچ کدام از نزدیکان و اعضای خانواده‌ام طرد نشده‌ام. فکر می‌کنم این آشکارسازی خیلی ساده‌تر از آن بود که تصورش را می‌کردم! شاید موفقیت تحصیلی و شغلی‌ام در این پذیرش بی‌تأثیر نبوده باشد ولی تنها چیزی که از آن‌ها خواستم، این بود که من را - تمام من را- بپذیرند و آن قدر خوش‌بخت بودم و هستم که این اتفاق افتاد. حالا من در قلب تهران زندگی می‌کنم و بیش‌تر آدم‌های زندگی‌ام از گرایش جنسی من با خبر هستند. به نظر زندگی من در همین دایره کوچک کاملاً عادی است. دلم می‌خواهد این دایره بزرگ‌تر شود و اصلاً دیگر مرزی نداشته باشد. شاید به همین دلیل هم باشد که با وجود آرامش نسبی و کمیاب برای کسی مثل من در ایران، من هم مانند همه آدم‌های دیگر عاشق می‌شوم، گاهی روزهای خوبی دارم، گاه عشق‌های دست‌نیافتنی و گاهی هم پایان رابطه. حالا در صدد مهاجرت برای ادامه تحصیلاتم هستم تا تمام خودم را زندگی کنم چون تفاوتی بین من و دیگران وجود ندارد جز یک تفاوت کوچک و آن هم این است که من خوش‌بخت‌تر از آدم‌هایی هستم که برای خودشان بودن هرگز ننگیده‌اند.

۲۴ اردیبهشت امسال، حسین اسدی‌گی، رئیس مرکز اورژانس اجتماعی به ایلنا گفته است در سال گذشته ۸۰۰ مورد خودکشی مربوط به زنان و ۴۶۰ مورد مرتبط خودکشی مربوط به مردان ثبت شده است. علاوه بر این، به طور معمول خودکشی‌هایی رخ می‌دهند که رسانه‌ها از وقوع این موارد با خبر نمی‌شوند. نزدیکان فرد و خانواده بسیاری از افرادی که دست به خودکشی می‌زنند خودکشی فرد را به دلیل حفظ «ابرو» و ناپسند بودن و «گناه» بودن خودکشی پنهان می‌کنند. از این منظر می‌توان گفت آمار واقعی خودکشی در ایران، کم‌اکان مبهم و حداقل بیش از برآوردهای رسمی است. همچنین آمارهای رسمی تایید می‌کنند که از مجموع مرگ‌های مشکوک به خودکشی در ایران، گروه سنی ۱۸ تا ۲۵ سال با ۲/۲۸ درصد بیشترین موارد خودکشی را به خود اختصاص داده که آماري هشداردهنده در مورد خودکشی جوانان است. یک جامعه شناس ساکن تهران که مایل به بردن نامش نیست، گفت "وضعیت نابه‌سامان اقتصادی، اخراج از محل کار و بیکاری، نداشتن امید به آینده، ناامیدی نسبت به تغییر وضعیت موجود، سرکوب‌های اجتماعی، قوانین تبعیض‌آمیز، شکست و ناتوانی فرد، تغییرات ناگهانی در عرصه‌های مختلف حرفه‌ای، خانوادگی، اجتماعی، مالی و نیز خفقان احساسات شدید" از علل وقوع خودکشی یاد می‌کند. شراره شرفه، پزشک عمومی با تخصص روان درمانی که اکنون ساکن اتریش است نیز دلایل وقوع خودکشی را به دو عامل ریشه‌ای و محرک تقسیم کرده و می‌گوید: «اگر بخواهیم ریشه خودکشی را به عنوان شدیدترین تعرضی که انسان نسبت به جان خود دارد واکاوی کنیم در واقع باید گفت که خودکشی در مشکلات روحی شخص ریشه دارد و مسائل سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی تنها محرک هستند.» به گفته وی، هر فردی که دچار فقر شود دست به خودکشی نمی‌زند، یک سری جریان‌های تهوری در کنار هم قرار می‌گیرند که فرد را به خودکشی وامی‌دارند، چنانچه شرایط موجود فرد و دنیای اطرافش به اندازه‌ای غیرقابل تحمل باشد که هیچ روزنه‌ای نبیند خودکشی را تنها راه برون رفت از این

انسان تنها موجود طبیعت است که از مرگ خود آگاه است. با این که می‌دانیم همه چیز به پایان می‌رسد، زندگی خود را به نبردی تبدیل می‌کنیم که سزاوار موجودی با زندگی ابدی است. پائولو کولتلیو

## افسانه

در افسانه‌ای هندی آمده است که مردی هر روز دو کوزه بزرگ آب به دو انتهای چوبی می‌بست، چوب را روی شانه‌اش می‌گذاشت و برای خانه‌اش آب می‌برد. یکی از کوزه‌ها کهنه‌تر بود و ترک‌های کوچکی داشت. هر بار که مرد مسیر خانه‌اش را می‌پیمود نصف آب کوزه می‌ریخت. مرد دو سال تمام همین کار را می‌کرد. کوزه سالم و نو مغرور بود که وظیفه‌ای را که به خاطر انجام آن خلق شده به طور کامل انجام می‌دهد. اما کوزه کهنه و ترک خورده شرمند بود که فقط می‌تواند نصف وظیفه‌اش را انجام دهد، هر چند که می‌دانست آن ترک‌ها حاصل سال‌ها کار است. اما کوزه پیر آنقدر شرمند بود که یک روز وقتی مرد آماده شد تا از چاه آب بکشد تصمیم گرفت با او حرف بزند: "از تو معذرت می‌خواهم. تمام مدتی که از من استفاده کرده‌ای فقط از نصف حجم من سود برده‌ای. فقط نصف تشنگی کسانی را که در خانه‌ات منتظرند فرو نشانده‌ای." مرد خندید و گفت: "وقتی برمی‌گردیم با دقت به مسیر نگاه کن." موقع برگشت کوزه متوجه شد که در یک سمت جاده، سمت خودش، گل‌ها و گیاهان زیبایی رویده‌اند. مرد گفت: "می‌بینی که طبیعت در سمت تو چقدر زیباتر است؟ من همیشه می‌دانستم که تو ترک داری و تصمیم گرفتم از این موضوع استفاده کنم. این طرف جاده بذر سبزیجات و گل پخش کردم و تو هم همیشه هر روز به آنها آب می‌دادی. به خانه‌ام گل برده‌ام و به بچه‌هایم کلم و کاهو داده‌ام. اگر تو ترک نداشتی چطور می‌توانستی این کار را بکنی؟"

## سوفیا لورن: عشوه گر ناپلی



او دختری بود لاغر و نحیف و سبزه به نام سوفیا ویلانی شوکولونه که روز بیستم سپتامبر ۱۹۳۴ در رم به دنیا آمد و در شهر کوچک پوتوسولی نزدیک ناپل بزرگ شد. مادرش، که مثل بیشتر دختران فقیر، سالها با آرزوی هنرپیشه شدن زندگی کرده بود، دختر خاموش و خجالتی را مدام به مسابقات زیبایی و "انتخاب دختر شایسته" می‌فرستاد، تا این که تلاش و پشتکار او سرانجام نتیجه داد و دختر چهارده ساله‌اش در مسابقه‌ای نفر دوم شد. با این "پیروزی" توجه مجلات مصور به دختر جلب شد. در چند فیلم سیاه‌لشکر بود و از همه مهمتر توجه تهیه‌کننده‌ای ثروتمند را جلب

کرد به نام کارلو پونتی، که از او ۲۲ سال بزرگتر بود، اما می‌توانست در سینما را به روی او باز کند. تهیه‌کننده با نفوذ سینما ظرف دو سه سال از او ستاره‌ای آفرید به نام سوفیا لورن. داستان پرماجرایی عشق پنهان و ازدواج آشکار سوفیا لورن با کارلو پونتی به سرعت از سوژه‌های داغ مجلات شد. به خاطر قوانین رسمی ایتالیای زیر سلطه کلیسای کاتولیک، کارلو پونتی نمی‌توانست از همسر پیشین خود جدا شود، مگر احتمالاً با ترفندهایی یادآور "طلاق به سبک ایتالیایی" (فیلمی دلنشین از پیتر جرمی). کارلو پونتی و سوفیا لورن پس از ماجراهای طولانی سرانجام در سال ۱۹۶۶ به شکل رسمی ازدواج کردند، آن هم پس از گرفتن تابعیت فرانسه، که اینجا هم باید از فیلم "ازدواج به سبک ایتالیایی" یاد کرد.

ویتوریو دسیکا، کارگردان "دزد دوچرخه" و چزاره زاواتینی، فیلمنامه‌نویس نامدار او، پس از دردمسهای فیلم نئورئالیستی "اومبرتو د" از فشار سانسور به ستوه آمده بودند و قصد داشتند به جای "سیاه‌نمایی" فیلمی کمدی و سبک با مایه‌های اجتماعی بسازند. کارلو پونتی که به همراه دینو د لورتیس تهیه‌کنندگان فیلم بودند، بر آن بودند که نقش اول داستان اصلی را به سوفیا لورن بدهند. این فیلم به نام "طلای ناپل" به نمایش در آمد و با موفقیت تجارتي بزرگی روبرو شد. دسیکا در هنرپیشه جوانی که ناگهان "ستاره" شده بود به دو استعداد کم‌یاب پی برد. نخست آن که سوفیا لورن تجسم چیزی بود که "زیبایی ایتالیایی" خوانده می‌شود: اندامی ظریف و کشیده، نگاه گیرا و عمیق و به همین اندازه پراهمیت، استعداد مادرزاد سوفیا لورن در جان بخشیدن به نقش‌های دشواری بود که از دنیای «ستارگان» بس دور هستند، به ویژه نقش زنان ساده و عامی. در «طلای ناپل» سوفیا لورن هنرپیشه‌ای ۱۹ ساله و کم‌تجربه است، هرچند با پیکر درشت و انحناهای برجسته بزرگتر می‌نماید، اما در ایفای نقش زن کارگر پیتزایی، مهارت و پختگی بی‌حدی نشان می‌دهد. پس از پایان فیلمبرداری «طلای ناپل» کارلو پونتی فیلمی کمدی تهیه کرد به نام «حیف که تو آدم بی‌سروپایی هستی» (۱۹۵۴) در این فیلم نقش مقابل سوفیا لورن را هنرپیشه‌ای جوان به نام مارچلو ماسترویانی ایفا کرد. در این فیلم ویتوریو دسیکا نقش پدر کلاهدار دختر را ایفا کرد و کارگردانی به عهده الساندرو بلازتی بود. با این فیلم سوفیا و مارچلو محبوبترین زوج هنری اروپا را ساختند و در چندین فیلم کمدی اجتماعی ظاهر شدند، از «ازدواج به سبک ایتالیایی» (۱۹۵۴) تا مولودرام‌هایی مانند «گلکهای آفتابگردان» و «دیروز، امروز، فردا» (۱۹۶۳)...

سوفیا لورن، شاید برخلاف تنها رقیب نامدارش جینا لولوبریچیدا، تنها زیبا و «بانمک» نبود، بلکه از عهده نقش‌های جدی و تراژیک هم به خوبی بر می‌آمد. باید اشاره کرد به فیلم‌های «دو زن» (۱۹۶۰) و «گوشه‌نشینان آلتونا» (۱۹۶۲) هر دو به کارگردانی ویتوریو دسیکا. سوفیا لورن در فیلم «دو زن» نقش مادری ساده و بی‌نوا را ایفا کرد که در جریان جنگ جهانی دوم به همراه دختر سیزده ساله‌اش مورد تجاوز سربازان نازی قرار می‌گیرند. (فیلم در ایران به نمایش در آمد و فیلمنامه آن هم به فارسی ترجمه شده است). دنیاه مطلب در صفحه ۵۱

قوانین سخت‌گیرانه دولت‌ها در ایران اما روند مصرف و توزیع مواد مخدر متوقف نشده است. شرایط سخت کار، تورم و رکود اقتصادی که بر زندگی کارگران حاکم است، از عوامل سوق

## ادامه مطلب اعتیاد، بزرگترین... از صفحه ۴

جدا شده و دور از خانواده و فرزندان زندگی می‌کند. این کارگر کارخانه فولاد ۱۷ سال است که به تریاک اعتیاد دارد و ۲۳ سال است که در مراکز صنعتی اصفهان مشغول به کار است. لطف‌الله معتقد است که عوامل فرهنگی هم در اعتیاد دخیل هستند و این مساله را مربوط به کل جامعه می‌داند. او در این باره می‌گوید: «در استان‌های مرکزی ایران مصرف تریاک خارج از عرف نیست. معتاد بودن من ربطی به اشتغال در کارخانه فولاد ندارد. من اولین بار ۱۶ سالم بود که در حضور پدرم تریاک مصرف کردم. کسی هم اعتراضی نداشت. عموهایم هم مصرف می‌کردند.» او با همه‌گیر خواندن اعتیاد در ایران می‌گوید: «در میان پزشکان و رانندگان هم معتاد زیاد است. نمی‌توان فقط این مساله را به کارگران محدود کرد. یک گرم تریاک با هزینه زیادی تامین می‌شود، اما مواد مخدر صنعتی مثل نقل و نبات ریخته و فراوان است. تهیه این مواد ارزان است و هزینه‌ای هم ندارد. من در همین شهرک صنعتی ده‌ها پخش‌کننده مواد مخدر را می‌شناسم که راست راست راه می‌روند و کسی کاری به آنها ندارد.»

بنا بر گزارش‌های سازمان بهزیستی ایران، مصرف مواد مخدر علاوه بر مراکز صنعتی اصفهان، در عسلویه نیز شایع است. منطقه ویژه اقتصادی عسلویه، هزاران کارگر را در خود جای داده است و این کارگران در کمپ‌های مختلف مستقر شده‌اند. رضاف، ۳۴ ساله، از یکی از استان‌های شمالی ایران برای آرماتوربندی به عسلویه آمده است. او مصرف مواد مخدر را در کمپ‌های کارگری عسلویه بی‌رویه می‌داند و می‌گوید: «با یک گردش شبانه در این کمپ‌ها هم می‌توانید خرید و فروش مواد مخدر را ببینید و هم مصرف آن را نظاره‌گر باشید.»

این کارگر عسلویه می‌گوید که هیچ‌گونه برنامه‌ای از طرف دولت برای سامان‌دهی این کمپ‌ها صورت نگرفته است: «مستولان شرکت‌های پیمانکاری و کارفرماهای دولتی به خوبی از این وضع آگاه هستند و هیچ مقابله‌ای هم با پخش‌کنندگان مواد مخدر نمی‌کنند. من یک بار با چشمان خود دیدم که یکی از این توزیع‌کنندگان با گزارش کارگران دستگیر شد و چند روز بعد همان شخص در کمپ مجاور به توزیع مشغول شد.»

زندانیانی که به جرم قاچاق مواد مخدر به اعدام محکوم می‌شوند بیش‌ترین آمار اعدامی‌های ایران را به خود اختصاص داده‌اند. با وجود تمام

این کارگر معدن در پاسخ به این سوال که چرا سایر کارگران معدن معتاد نمی‌شوند می‌گوید: «دسترسی ما به مواد مخدر سریع‌تر از آن است که شما فکرش را بکنید. اگر کارگری هم معتاد نمی‌شود به این دلیل است که چند ماهی در معدن می‌ماند و کار می‌کند و نمی‌تواند شرایط سخت کار را بپذیرد و می‌رود. کارگران باسابقه هم بعد از مدتی به هزار مرض گرفتار می‌شوند و اگر مصرف نمی‌کنند شاید دلایل خاص خود را دارند. اما فقط می‌توانم این را بگویم که من [در مصرف] تنها نیستم.»

حسن ۴۷ ساله هم کارگر معدن زغال سنگ است و در همان معدنی کار می‌کند که ابراهیم در آن مشغول به کار است. او تقاضای بازنشستگی داده اما هنوز با بازنشستگی‌اش موافقت نشده است. حسن می‌گوید که در طول ۱۸ سالی که در معدن زغال سنگ کار کرده است به مواد مخدر نزدیک نشده، اما معتقد است که به دلیل شرایط دشوار کار در معدن، روز به روز به آمار کارگران معتاد افزوده می‌شود.

او با بیان اینکه کارفرما از اعتیاد برخی کارگران آگاه است و اقدامی در این زمینه انجام نمی‌دهد، به رادیو زمانه می‌گوید: «کار در معادن زغال سنگ به صورت متناوب در طول سال انجام نمی‌شود و شش یا هفت ماه به دارا می‌انجامد. دستمزد پرداختی هم به کارگران منظم نیست و با چند ماه تأخیر پرداخت می‌شود. به همین دلیل کارفرما ترجیح می‌دهد حرفی نزد و مقابله‌ای نکند. کارگر چند ماه مفت و مجانی برایش کار می‌کند و بعد از چند ماه هم معلوم نیست که دستمزدش پرداخت می‌شود یا نه. کارفرما به این سود فکر می‌کند.» با وجود این صحبت‌ها اما تاکنون آمار مشخصی از طرف نهادهای رسمی و دولتی در مورد میزان کارگران معتاد در معادن منتشر نشده است.

### ۲۰ درصد کارگران صنعتی اعتیاد دارند

در فروردین ماه ۱۳۹۴، قائم مقام دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر از اعتیاد ۲۰ درصد از کارگران و فعالان حوزه صنعت خبر داد. طرح شیوع‌شناسی مواد مخدر که با همکاری وزارت تعاون، رفاه و کار اجتماعی و ستاد مبارزه با مواد مخدر از سال گذشته آغاز شده و هنوز هم به اتمام نرسیده است، تحقیقات خود را از کارگران صنعتی اصفهان آغاز کرد. میزان شیوع اعتیاد در کارگران صنعتی اصفهان به میزان ۲۵ درصد اعلام شد و در برخی از مراکز صنعتی به ۳۰ درصد هم رسید.

لطف‌الله، کارگر کارخانه فولاد در اصفهان، ۵۲ سال دارد. او هفت سال است از همسرش



## ادامه مطلب پنج ترند... از صفحه ۱۳۳

رد تماس و ندیده گرفتن تعبیر می‌کنید. ولی اگر پاسخ دهید که بعدا تماس خواهید گرفت ممکن است این شبهه پیش نیاید. آیا فکر می‌کنید شما مجبور به پاسخ دادن هستید؟ اگر شما از گوگل کروم استفاده می‌کنید در قسمت "extension" با افزودن امکان "Facebook Unseen"، می‌توانید گزینه "seen at" را غیر فعال کنید و نگران جواب دادن به پیام‌های فیسبوکی نباشید. در سیستم‌های اندرویدی و اپل از امکان "Unread" و "Privy Chat" برای همین منظور می‌توانید استفاده کنید.

**فیسبوک تنظیمات مزه فموصی شما را زیر نظر دارد**  
حفظ حریم خصوصی امر بسیار مهمی است و فیسبوک همیشه در حفظ آن بسیار خوب عمل نمی‌کند. به همین دلیل ابزار حفظ حریم شخصی کاربران با استقبال شگفت‌انگیزی روبرو شد. اما بسیاری از کاربران از وجود این امکان بی‌خبر هستند. به همین منظور کافی است به بخش تنظیمات حوره شخصی (Privacy Checkup) که در گوشه سمت راست بالای صفحه‌تان قرار داد، رجوع کرده و آن را انتخاب کنید. فیسبوک این امکان را به شما می‌دهد که تنظیمات شخصی خود را در ارتباط با دیدن پست‌ها، عکس‌ها و حتی اپلیکیشن‌ها اعمال کنید.

## ادامه مطلب آتنا فرقدانی... از صفحه ۱۳

۱۳۹۳ توسط ماموران امنیتی بازداشت و به بند دو- الف سپاه پاسداران در زندان اوین منتقل و در ۱۱ آبان ماه با قرار وثیقه تا زمان حکم دادگاه آزاد شد. این فعال مدنی پس از آزادی در تاریخ پنجم دی ماه مصاحبه‌ای با سایت جرس درباره وضعیتش در دوران بازداشت و بازجویی‌هایش داشت. همین‌طور ویدیویی از خود منتشر کرد که در آن رفتارهای نامناسب ماموران زن زندان اوین می‌گفت. او پس از آن در تاریخ ۲۰ دی ماه به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب احضار شد و پس از آن بازداشت و مستقیم به زندان قرچک ورامین منتقل شد. خانم فرقدانی در بهمن ماه در اعتراض به عدم رعایت اصل تفکیک زندانیان سیاسی از غیر سیاسی در آن زندان دست به اعتصاب غذا زد و پس از آن در تاریخ هفتم اسفند ماه به دلیل طولانی شدن اعتصاب در بیمارستان بستری شد. خانم فرقدانی در روز ۱۲ اسفند ماه با موافقت قاضی صلواتی از بیمارستان به زندان اوین منتقل شد و تاکنون در آنجا به سر می‌برد.

همچنین استیکرهای زیادی هستند که برای بیان احساسات به کار برده می‌شوند که تعدادی از آن‌ها در پنجره چت فیسبوک قابل دسترسی هستند و چنانچه بخواهید بر تعداد آن‌ها اضافه کنید باید آن‌ها را دانلود کنید. اما بدون اینکه متوجه باشید با دانلود کردن این استیکرهای به ظاهر ارزان یا رایگان به سرعت ممکن است صفحه فیسبوک‌تان بهم بریزد. این موضوع می‌تواند شما را مورد هدف انواع تبلیغات اشتراک گذاشته شده توسط دوستان‌تان قرار دهد. (می‌توانید آن‌ها را از طریق "extension" موجود در گوگل کروم یا فایرفاکس پنهان کنید). فیسبوک دارای بیش از ۴۰۰ شکلک احساسی است که اگر نحوه ایجاد آن‌ها را بلد باشید نیازی به استفاده از شکلک‌هایی که توسط کمپانی‌های تبلیغاتی ارائه می‌شوند نخواهید داشت.

## فیسبوک همان زاغ سیاه است

حتما بارها هنگام ارسال پیام از طریق فیسبوک کنجکاو شدید بدانید پیامی که فرستاده‌اید توسط طرف مقابل دیده شده است یا نه. ظاهر شدن "seen at" این اطمینان را به شما می‌دهد که پیام دریافت شده است و با مشاهده آن احساس خوبی خواهید داشت اما از طرف دیگر در صورت عدم دریافت پاسخ مناسب، موضوع را به

محمد مقیمی با اظهار اینکه بخشی از مبنای اتهامات موکلش "نوشته‌های فیسبوکی او" است به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت: «در قانون ما فعالیت در شبکه مجازی فیسبوک جرم شناخته نشده است و از آنجا که همیشه اصل بر آزادی انسان‌ها است بنابراین موکل نباید به دلیل نوشته‌هایش در فیسبوک متهم شود. از سوی دیگر در جوامع دموکراتیک کشیدن کاریکاتور برای نقد قدرت پذیرفته شده است. موکل من هم یک هنرمند است که با کشیدن کاریکاتور افکارش را بیان می‌کرد و منظورش هم نقد صاحبان قدرت بود.» مقیمی ادامه داد: «مضاعف بر اینکه بر اساس اصل هشت قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همگانی است که دولت و ملت هر دو نسبت به هم دارند و تکلیف قانونی و شرعی برای همه شهروندان است. از سوی دیگر انتقاد کردن در راستای آزادی اندیشه و بیان نیز هست.»

آتنا فرقدانی، فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشگاه الزهرا، فعال حقوق مدنی و کودک برای اولین بار در تاریخ دوم شهریور ماه

## ادامه مطلب خشونت خانگی... از صفحه ۱۳

جنسیت؛ تحت تأثیر تلاش برای از بردن جنین در طول دوران بارداری. **دوران نوزادی**؛ نوزادان دختر مورد سوءاستفاده فیزیکی، جنسی و روانی. **دوران کودکی**؛ از دواج کودکان، ختنه دختران، سوءاستفاده فیزیکی، جنسی و روانی، تجاوز محارم، تن فروشی کودکان و استفاده از آنان در ویدیوهای پورن. **دوران نوجوانی و جوانی**؛ خشونت در قرارهای عشقی و عشقبازی (بعنوان مثال پاشیدن اسد و تجاوز)؛ رابطه جنسی با زورگیری اقتصادی (بعنوان مثال دختران محصلی که بخاطر مخارج مدرسه با مردانی همسن پدرشان رابطه جنسی دارند)؛ تجاوز محارم؛ سوءاستفاده‌های جنسی در محل کار، تجاوز، تهدیدهای جنسی، اجبار در تن فروشی و ویدیوهای پورنو، قاچاق زنان، شراکت در اعمال خشونت، تجاوز همسر، سوءاستفاده مالی و قتل، شرکت در قتل، سوءاستفاده روحی-روانی، سوءاستفاده از زنانی که نقص عضو دارند، اجبار به بارداری.

**دوران میانسالی**؛ اجبار به خودکشی یا قتل بیوه‌ها به دلایل اقتصادی، رابطه جنسی با سوءاستفاده جنسی و روانی. در نهایت آنچه مسلم است نقش مرد و رهبران جوامع و قوانین در کنترل خشونت خانگی است. همه ما در هر جایگاهی که هستیم میتوانیم مهارت‌هایی را پرورش دهیم که در پیشگیری و مداخله در خشونت به آن نیاز است. افزایش آگاهی نخستین گام در این کوشش اجتماعی برای تغییر است. مردم و مسوولان و پلیس و وکلا و قضات و قانون‌گذاران هر چه بیشتر درباره خشونت خانگی بدانند بیشتر در کنترل آن موثر خواهند بود. پس از ارتقای آگاهی، گام بعد کمک به خانواده‌هایی است که نیازمند یاری‌اند. نهاد‌های سنتی حمایتی و سازمانهای غیر دولتی و ارگانهای حمایتی و مراکز بهداشتی و مشاوره دولتی در این راه میتوانند مفید واقع شوند. هدایت و سازمان دهی این خدمات دارای اهمیت هستند و ما به عنوان یک حلقه کوچک در این یاری‌رسانی به کوشش پرداخته‌ایم. کنترل و توقف خشونت خانگی در گرو بسیج اجتماعی و یاری تک تک ماست.

منابع:

<http://www.who.int/gender/violence/v4.pdf>  
<http://www.pezeshkan.org/?p=2900>  
<http://www.un.org/depts/dhl/violence>

**خشونت‌های حقوقی و مرتبط با طلاق**؛ جلوگیری از نگهداری فرزندان در زمان متارکه، ازدواج مجدد شوهر، امتناع از طلاق علی‌رغم اصرار زن.

ممانعت از رشد اجتماعی، فکری و آموزشی؛ ممانعت از کارایی و اشتغال زن، ایجاد محدودیت در رابطه با ادامه تحصیل، ایجاد محدودیت در ارتباط فامیلی، دوستانه و اجتماعی. از آنجایی که بسیاری از خشونت‌ها در خانواده علیه زنان در خانواده صورت می‌گیرد توجه به این موضوع دارای اهمیت است.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بیست و سوم فوریه سال ۱۹۹۴ طی قطعنامه ای خشونت علیه زنان را اینگونه تعریف کرده است: عبارت "خشونت علیه زنان" به معنی هر عمل خشونت‌آمیز بر اساس جنس است که به آسیب و رنجاندن جسمی، جنسی، یا روانی زنان منجر شود، یا احتمال آن وجود داشته باشد، از جمله تهدیدات یا اعمال مشابه؛ اجبار یا محروم کردن مستبدانه زنان از آزادی، که در منظر عموم یا در خلوت زندگی خصوصی انجام شود. نتیجه تحقیقات سازمان بهداشت جهانی نشان میدهد که در هر یازده ثانیه یک زن مورد آزار قرار می‌گیرد و باردار بودن زنان هم آنها را از خشونت مصون نمی‌دارد. ۳۳ تا ۳۵ درصد زنان آمریکایی مورد آزار جسمی همسران خود هستند و ۱۵ تا ۲۵ درصد آنها در هنگام بارداری مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند؛ همچنین از هر ده زن سه نفر از آنان توسط شوهرانشان یا سایر مردان به قتل میرسند. بعنوان مثال: در هند بطور متوسط سالانه ۴۱۴ زن در اثر آزار جسمی همسرانشان دست به خودکشی می‌زنند، در بنگلادش ۵۳۴ قتل از قتل‌ها ناشی از خشونت مردان بوده؛ و در شیلی ۶۳۴ زن مورد آزار جسمی قرار گرفته‌اند. در ایران آمار قابل اعتماد در مورد خشونت خانگی علیه زنان کمتر در دسترس است. اما آمارهای موجود نشان می‌دهد که ۶۶ درصد زنان ایرانی، از اول زندگی مشترکشان تاکنون، حداقل یکبار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. میزان و انواع خشونت خانگی در استان‌های مختلف ایران از تنوع و تفاوت‌های زیاد و معناداری برخوردار است.

سازمان بهداشت جهانی نیز انواع خشونت را بر اساس دوره‌های زندگی به صورت زیر تقسیم بندی کرده است:  
دوران پیش از تولد؛ سقط جنین به دلیل

آنکه خود را به امور کوچک سرگرم می‌کند  
چه بسا که توانایی کارهای بزرگ را ندارد. (لاروشوکو)





## ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

عادت داشت از دوازده شب به بعد بنویسد و در تمام این مدت قهوه می خورد و می نوشت و می گفت قهوه که وارد بدن من می شود باعث می شود که ایده ها چون هنگ های ارتش وارد مغز من می شوند. **ناپلئون** می گفت قهوه پرنرگ و غلیظ مرا بیدار نگه می دارد و به من احساس گرمی و نیرو می بخشد. **فردریک کبیر** پادشاه آلمانی دستور میداد در تهیه قهوه اش بجای آب از شامپاین استفاده کنند.

**تالیران** سیاستمدار فرانسوی یک فنجان قهوه مطلوب را چنین تشریح می کرد و می گفت بایستی به سیاهی ابلیس به پاکی و خلوص یک فرشته و به شیرینی عشق باشد.

**امانوئل کانت** در ایام کهولت شدیداً به قهوه روی آورد و همواره قهوه آسیاب شده و آماده همراه قوری آب جوش در کنارش بود و غالباً با یک علامت خاص خودش به پیشخدمت اشاره می کرد که قهوه را بریزد و در سینی نزد او بیاورد. پیشخدمت هم می گفت که جناب پروفیسور همین الساعه، همین الان و کانت زیرلب می گفت: اشکال کار در همین الساعه و همین الان است.

بهرحال یادتان باشد اگر یک ایرانی به خانه تان آمد دست کم بفرماید چایی میل دارید یا قهوه؟ لطفاً روی چایی سنتی ایرانی بی رحمانه خط نکشید و آنرا پیش قهوه بی اعتبار نفرمایید.

### عادات مکروهه و مذمومه طوایف غالب در ایران

حکومت ایران نه به قانون اسلام شبیه است نه به قاعده ملل و باید بگویم حکومتی است مرکب از عادات ترک، فارس، تاتار، مغول، افغان و روم. مخلوط و درهم و یک عالمی است علیحده با هرج و مرج زیاد، که در هر چند قرنی یکی از ملوک طوایف مذکوره به ایران غلبه کرده اند و از هر طایفه ای عادت مکروهه و مذمومه در ایران باقی مانده. در این عهد همه آن عادات کاملاً جاری می شود. اگر اجراکنندگان این عادات بگویند: حالت حالیه ما اجرای این عادات را اقتضا نمی کند که بهترین قانونهاست و در همه عصر می توان معمول داشت. شترمرغهای ایرانی، که از پطرزبورگ و سایر بلاد خارجه برگشته اند و دولت ایران مبلغ ها در راه تربیت ایشان متضرر شده از علم دیپلمات و سایر علوم که به تحصیل و تعلم آن مامور بودند معلومات آنها بدو چیز حصر شده استخفاف ملت و تخطئه دولت.

(نقل از کتاب از صبا تا نیما جلد اول)

امیرنظام این نامه را به میرزا عباس خان قوام الدوله نوشته بود: «فدایت شوم. باز قلمی برداشته و دو اسبه بر من بیچاره تاخته بودید. آقای من و مولای من، وزیر داخله، وکیل مهم مملکت آذربایجان به قول مرحوم مغفور مرید الدوله که به امین لشکر می گفت ملکا، مهانگارا، صنما، بتا، بهارا متحیرم ندانم که تو خود چه نام داری. آن وقت که میرزا عباس خشک و خالی بودی، بنده مخلص و معتقد سرکار بودم و بر صدر اعظمی و ریاست سرکار قول گذشته. حالا که قوام الدوله، وزیر داخله، وکیل آذربایجان و محرم اسرار سلطنت و فلان و فلان، هستیید اگر دعوی الهیبت بکنید آمانا صدقنا کدام احق مطلق است که جلالت شان شما را نداند و یا عیاذاً بالله ملازمان عالی را به چشم حقارت ببینید...»

### فارسی شکر است

سیدمحمدعلی جمال زاده از همان دوران اقامت در برلین و همکاری با نشریه معروف کاوه معتقد بود که در مملکت ما هزارها موضوع بکر، بدیع و مهم موجود است که هنوز مانند بسیاری از منابع ثروت مادی ما دست نخورده و مورد بهره برداری قرار نگرفته است. اگر نویسنده قابلی با همت و استقلال پیدا شود می تواند از هر کدام از آنها رمان یا قصه ای خواندنی و ممتاز بسازد که بیگانگان هم به خواندن آن رغبت داشته باشند. با این عقیده و طرز فکر بود که در خلال سالهای ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۰ هجری قمری گاهی محض تفریح خاطر، نمونه از فارسی معمولی و متداول امروزه حکایاتی نوشته و آنها را با مقدمه ای راجع به خرابی و فقدان نسبی نثر فارسی و لزوم ترقی دادن آن و بعضی نظرات دیگر در مجموعه ای فراهم آورده بود که نخستین حکایت آن به نام «فارسی شکر است» بوده و این حکایت نخست در روزنامه کاوه که در آلمان منتشر میشد به چاپ رسید سپس در سال ۱۳۴۰ ه. ق همه آن حکایات به صورت کتابی مستقل تحت نام «یکی بود یکی نبود» در برلین انتشار یافت.

### چای میل دارید یا قهوه؟

بگذارید از چند تا قهوه خور قهار حرف بزنیم.

**سببستیان** باخ آنقدر عاشق قهوه بود که برایش یک اپرای کمدی یک پرده ای هم ساخته بود بنام: کافی کانتانا که حکایت پدر سختگیری بود که مانع قهوه خوردن دخترش میشد.

**بالزاک** زمان نویسنده مشهور فرانسه

## ادامه مطلب مولوی و عشق... از صفحه ۱۳

بر هوا تأویل قرآن می کنی  
بست و کز شد از تو معنی سنی  
یکی دیگر از پدیده های روانی طلب و خواستاری سالک از حق توفیق در مراحل سیر و سلوک و تزکیه روح و فوز و فلاح و نیل تشرّف به آستان معبود است. زیرا عارف خود را در عبادت و بندگی و شناسائی معرفت او قاصر می داند که «ما عبدناک حقّ عبادتک و ما عرفناک حقّ معرفتک» لذا از حق در طریق این قصور و کوتاهی پوزش می طلبد و از او می خواهد که او ورا با عنایت و فضل خود مورد بخشایش قرار دهد.

ای خدای پاک بی انباز و یار  
دست گیر و جرم ما را در گذار  
یاد ده ما را سخن های رقیق  
که تو را رحم آورد آن، ای رفیق!  
هم دعا از تو، اجابت هم ز تو  
ایمنی از تو، مهابت هم ز تو  
گر خطا گفتیم اصلاحش توکن  
مصلحی تو، ای تو سلطان سخن

## ادامه مطلب سوفیا لورن... از صفحه ۴۸



مارچلو ماسترویانی، دوست می شود.

مولانا توصیه می کند که عشق پاک الهی را نباید با آلودگی و هواهای نفسانی ناپاک ساخت و به خواهش های نفس اماره نباید اعتنا کرد چه نفس انسانی او را به کجروی و خطا سوق می دهد و حرمت عشق پاک را مخدوش میکند. لذا از نفس اماره باید گریخت و در پناه نفس مطمئنّه قرار گرفت که در آنجا عنایت و قرب حق ما را شادی و سرور می بخشد. او نفس اماره و شیطان را یکی می داند و نام آنها را برهم اطلاق می نماید.

نفس و شیطان هر دو یک تن بوده اند

در دو صورت خویش را بنموده اند  
و به همین جهت است که می گوید  
ایمان را که از پدیده های روانی است  
باید در درون و باطن استوار و زنده و تازه نگهداشت نه فقط به زبان گفت و در باطن و درون پیر و نفس اماره بود و در این باره می فرماید:

تازه کن ایمان نی از گفت زبان  
ای هوا را تازه کرده در نهان  
تا هوا تازه ست ایمان تازه نیست  
کیون هوا جز قفل آن دروازه نیست

سوفیا لورن با این فیلم به افتخاری بزرگ دست یافت به عنوان تنها هنرمندی که اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی را برای بازی در فیلمی غیرآمریکایی دریافت کرد. این البته در کنار ده‌ها جایزه‌ای است که سوفیا لورن طی نزدیک نیم قرن کار در سینما برنده شده است. بر همین روال باید به بازی هنرمندانه او در فیلم «یک روز بخصوص» (۱۹۷۷) اشاره کرد به کارگردانی اتوره اسکولا. در فیلم او زنی ساده و خانه‌دار است که در دوران تسلط فاشیسم با همسایه‌اش، بانقش آفرینی

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS  
FREE CAR WASH COUPON  
@  
TOUCHFREEWASH.COM  
OPEN 24 HOURS

## ادامه مطلب خیلی قدیم های ... از صفحه ۱۳۷

روشن زاده بود. خوشرو و خوش تیپ و خوش بیان. از آنروز، تلویزیون ایران که در واقع یک تلویزیون بخش خصوصی بود، آغاز بکار کرد. اما هنوز هیچ تجربه ای در برنامه سازی تلویزیونی نداشتند و مجبور بودند از فیلمهای قدیمی خارجی استفاده کنند. کم کم از فیلم های ایرانی ای که تا آنوقت ساخته شده بود به نمایش در آوردند که همه پاره پوره و تکه تکه های نامربوط به هم بودند و این، خود یکی از نشانه هایی بود که ما ایرانی ها عادت به بایگانی و نگهداری از دستاوردهایمان نداریم و اگر میبینیم که از گذشته تاریخی مان چیزی بر جای نمانده، همه را نمیشود به گردن دشمنان انداخت و خود ما مردم، مقصرین درجه یک هستیم. تقریباً میتوان به جرات گفت ما هیچ یک از فیلمها و آهنگ ها و آثار هنری پنجاه شصت ساله اخیر خودمان را حفظ نکرده ایم و همه را به زباله دانی انداخته ایم و اگر گاهی هم چیزی از آندوران بدست می آید، یا در بایگانی غیر ایرانی ها بجا مانده و یا در خانه های بسیار قدیمی زیر خورار ها آت و آشغال فراموش گردیده بوده و فرصت دور انداختن پیدا نشده بوده که امروز بر حسب اتفاق، یافته میشود که آنهم چند سال دیگر نابود خواهد شد. حتی از آنهمه سریال و فیلم که در سالهای بعد در تلویزیون های ایران ساخته شد، بجز دایی جان ناپلئون و دلیران تنگستان، سریالی را ندیده ام که بطور کامل باقی مانده باشد. خانه هایی که دستگاه گیرنده تلویزیون داشتند، مرکز شب نشینی اقوام و دوستان و همسایه ها شده بودند و هر شب بلا استثناء دسته دسته میهمان ناخوانده وارد خانه ها میشدند که می بایستی پذیرایی هم میشدند. برخی از میهمانان با خود شچره هم می آوردند. صدای تخمه، سفوفنی اصلی زمینه برنامه های تلویزیونی بود. آنقدر جمعیت زیاد میشدند که گاهی روی زانوی یکدیگر مینشستند. بعضی وقتها شامشان را هم با خود میاوردند که به صاحب خانه هزینه اضافه تحمیل نکرده باشند. اگر خانه ای پنجره به کوچه داشت، در اشغال سر رهگذران در می آمد و گاهی که رو به پنجره میکردیم هفت هشت کله را در پشت پنجره میدیدیم و اگر صاحب خانه برای حفظ حریم خانه، پنجره را می بست و پرده را میکشید، سیل اعتراض و ناسزا از طرف رهگذران به سویس جاری میگردد.

و عدم وابستگیشان به احزاب سیاسی دست نشانده اجانب، فوراً رفع توقیف و منتشر میگردد. روز نامه توفیق تقریباً تبدیل شده بود به یک هنرکده که جمع نویسندگان و طنز پردازان و شعرا و کاریکاتوریست ها و غیره را گرد آورده بود و بدون پشتیبانی از اهداف تجاوز گران جهانی که چشم طمع به همه چیز ایران داشتند، همچون یکی از فرزندان میهن، آنچه را که بنظرش صلاح کشور می آمد به قلم در می آورد. اگر هم برخی از دست اند کاران در آن روزنامه در پس پرده وابستگی ای به اجانب داشتند، با مدیریتی که در آن اعمال میگردد، نمیتوانستند نیت خود را بروز دهند. مردمی که دستشان به دهانشان میرسید، با خریدن یک دستگاه گیرنده تلویزیون، و استقرارش در خانه، به انتظار آغاز برنامه های تلویزیونی نشستند و هر روز و شب، برای آغاز برنامه های آن، لحظه شماری میکردند. قهوه خانه ها و بستنی فروشی ها و مکانهایی که میتوانستند، چندین صندلی در محوطه خودشان بگذارند و هرکدام یک دستگاه خریدند و در جای بلندی نصب کردند و تا روزی که برنامه ها شروع نشده بودند، به تماشای همان تصویر از خانم روفیا قناعت میکردند. به محض شروع برنامه های تلویزیونی، همه مکانهای عمومی که تلویزیون نصب کرده بودند، برای ورود به محل کسبشان، یک ریال از مردم دریافت میکردند و آنقدر این مکانها شلوغ میشد که مردم بدون استفاده از صندلی هم یک ریال به صاحب مغازه میدادند و وارد دکان میشد. هر کسی که وارد شده بود، دلش نمیخواست آنجا را ترک کند، حتی وقتی که برنامه آشپزی یا خیاطی و اینگونه مسایل را نشان میداد. در پشت ویرترین مغازه هایی که تلویزیون روشن کرده بودند، آنچنان ازدحامی میشد که عبور و مرور قطع میگردد. با آغاز برنامه های تلویزیونی از طرف آخوند ها، اعلامیه تحریم به دو دلیل صادر گردید. یکی به خاطر آنکه در اینگونه وسایل لهو و لعب، شیطان حضور دارد و دوم آنکه صاحب آن تلویزیون بهاییست و در نتیجه این تلویزیون نجس است!! یکرور در صفحه تلویزیون، جوان بلند بالا و بسیار خوش تیپی ظاهر شد و با معرفی خود آغاز برنامه های تلویزیون ایران را اعلان کرد. نامش، حبیب الله

گذاشته شده بودند که با فشار دست، شیر آب راه را باز میکرد و آب از لوله با فشار خارج میشد و از آن پس مردم، آب خوراکی و نیز مصرفی برای شستشو را از همان استوانه های شیر آب تامین میکردند.

لوله کشی به همه محلات و کوچه ها و پس کوچه ها، کار بسیار سخت و پر هزینه ای بود که دولت از همان جزئی درآمد نفت و مالیاتهای بر بعضی ارزاق، بدست میآورد که همزمان، ده ها طرح آبادانی ورفاهی و پزشکی و فرهنگی و تفریحی و علمی و غیره را با هم انجام میداد و در همین حال نق زندهای دشمنان ایران هم تمام شدنی نبودند و کاملاً معلوم بود که اگر دولت، بار دیگر به آن دسته نوکران تجاوز بین المللی، اجازه حرف زدن و اظهار عقیده میداد، میبایستی تمام طرح های ملی، متوقف میگردد. کما اینکه در تمام مدتی که کشور، شروع به کار پیشرفت کرد، نه تنها حتی یکبار از آن کار ها، مثلاً لوله کشی آب آشامیدنی، و یا احداث بیمارستانها، از طرف همان مدعیان آزادی!!! مورد حمایت قرار نگرفت، بلکه چه به صورت تمسخر در زیر گوش مردم و چه از طریق رادیو های خارج از کشور، مورد انتقاد و تقیب واقع شدند.

در همان روزها، روزنامه هایی انتقادی منتشر میشدند که چون فقط جنبه انتقاد داشتند و اغلب، انتقادات درست هم، به عمل کرد برخی نهاد ها داشتند، منتشر میشدند و تا آنجا که به پایه و اساس سازندگی کشور حمله نمیکردند، در کار انتشارشان مشکلی پیدا نمیشد. از جمله روزنامه های انتقادی، روز نامه فکاهی توفیق بود که با آنکه دائم سر بسر دولتمردان میگذاشت و از بعضی اشتباهات وزرا یا وكلا و یا روسای سازمانها و تشکیلات ها به صورت طنز ایراد میگرفت، همچنان به انتشارش ادامه میداد و همین مسئله را توده ای ها مستمسک قرار داده بودند که چگونه است که ما را سانسور میکنند، اما توفیق منتشر میشود؟! و همین را به دروغ در میان مردم شایع میکردند که (روزنامه توفیق، متعلق به خود دولت است و آنرا مانند سوپاپ اطمینان کرده اند تا با انتقاد از خود، قدری درد های جامعه را تخفیف دهند که دیگر بخار مردم ناگهان نترکد). البته روزنامه توفیق هم گاهی توسط دولت، بنا بدلایلی توقیف میگردد اما به علت خلوص نیت کارکنان آن روزنامه

وقتی که بندآب یا سد کرج ساخته شد، توربین های بسیار بزرگ و پر قدرت تولید برق هم در پای آن نصب شدند و توسط فشار آب هدایت شونده ای، شروع به تولید برق کردند و آن برق را به سرعت، توسط کابل های فشار قوی و دکل های عظیمی، به سمت شهر ها و به تدریج به همه نواحی کشور، روانه ساختند و با برق بسیار نیرومندی که به شبکه های برق رسانی تزریق شد، دیگر در شب و روز، فشار برق، تفاوتی پیدا نمیکرد و دولت، همه آن شبکه های خصوصی را از آن کارخانه های برق خریداری کرد و خانه ها و فروشگاه ها و کارگاه ها و موسسات را به شبکه سراسری متصل نمود. (در زمان پس از پیروزی خمینی و زیردستانش، بازرگان که نخست وزیر خمینی بود در کمال حماقت، یکروز سخنرانی کرد و گفت: این سد سازی و تولید برق از طریق سد را شاه از من یاد گرفت، چون یکروز برای بازدید به کلاس درس من آمد و من داشتم همان را درس میدادم. این آدم که خود را مهندس هم می نامید، هنوز نفهمیده بود که اگر رضا شاه او را فرستاد خارج تا آن درسها را بخواند، هزاران نفر دیگر هم آن درسها را خوانده بودند و محمد رضا شاه، بارها و بارها در سویس و آمریکا و همه اروپا، از آنگونه سد ها بازدید کرده بود و همه این مسایل را نه تنها شاه بلکه هر آدم عادی ای هم میدانست).

لوله کشی ها، از سد کرج به سمت تهران آغاز شد و شاه لوله های عظیمی را با جوش دادن به هم ایجاد کردند تا در آب رسانی برای پنجاه سال آینده با کمبودی روبرو نشود که مجبور شوند لوله های دیگری را برای بار دوم، از بنداب کرج به تهران بکشند تا آب مردم تامین شود. نقشه های جامعی طراحی شده بود که اگر در پنجاه سال آینده شهر، به جوانب دیگر گسترش پیدا کرد، سازمان آب رسانی، آمادگی توزیع آب به مناطق افزوده شده به شهر را هم داشته باشد. شاخه های شاه لوله، در خیابانهای تهران پیش میرفت و کارگران، هر روز مشغول کندن زمین برای کاشتن لوله ها بودند و جوشکاران هم تکه های لوله ها را به هم جوش میدادند و در ضمن، در هر دویت قدمی هم شعبه ای از شاه لوله جدا میکردند تا آن را به شیر های فشاری آب، وصل کنند و آن شیر های آب در استوانه های فولادی ای کار

آنکه می تواند، انجام می دهد. آنکه نمی تواند انتقاد می کند. (جرج برنارد شاو)



## ادامه مطلب گل نم... از صفحه ۱۳۹

میشد. او وقتی جلوی گل نم می رسد نگاهی میکند و اسمش را می خواند که در این لحظه یکدفعه گل نم می گوید گل نم ... و ساکت می ایستد! بازدید کننده سری تکان می دهد و میگذرد بدون هیچ عکس العملی از آسایشگاه بیرون می رود. راهنما نیز بدنبال او می رود ولی وقتی از جلوی گل نم میگذشت گفت تو سه تا اشتباه مرتکب شدی؟

اول: سؤال نشده حرف زدی. دوم: خودت را معرفی کردی. سوم: خلاف دستور عمل کردی. که به خاطر همین اشتباه ها توبیخ خواهی شد. این را گفت و رفت.

گل نم میگفت هر چند که راهنما نه اسمی از بازدید کننده برد و نه سمت او را اعلام کرد لیکن از قد و سن و سالتش که غلام برایم گفته بود با اینکه مطمئن نبودم فکر کردم این شخص بایستی همان شیرکوه باشد پس بهتر است تا دیر نشده این ریسک را بکنم و خودم را معرفی کنم.

حرفهای راهنما او را ترساند، نمیدانست که چه نوع تیبیهی در انتظار او هست و بالاخره آن شخص شیرکوه بود یا نه؟ اگر نبود حالا چگونه میتواند شیرکوه را پیدا کند و یا خودش را به او معرفی نماید و اگر هم شیرکوه بود چرا هیچگونه عکس العملی نشان نداد؟ امروز روز سوگند بود و دیگر فرصتی برای او نمانده بود که این شخص را پیدا کند. رفت روی تخت خوابید و در فکر اینکه چه باید بکند؟ ساعتی بعد راهنما به داخل آسایشگاه آمد و گفت که برای سوگند یاد کردن آماده شونید. گل نم خواست که به راهنما بگوید که از سوگند یاد کردن منصرف شده است و نمی خواهد پیش مرگ باشد. ولی جرأت نکرد حرفش را بزند.

ولی چطوری؟ او که با کسی تماس ندارد و دیگران هم به یقین مثل او نه چیزی میدانند و نه می توانند سؤال کنند. در مرکز رزمندگان حدود پنجاه نفر همگی از دخترانی به سن ۱۵ تا ۲۵ ساله در یک آسایشگاه جمع شده بودند. هر کدام یک تخت و یک کیسه خواب و یک کوله پشتی که لوازم شخصی خود را مثل: مسواک، لباس زیر و جوراب، لوازم آرایش آینه، کمک های اولیه و یک چاقو و غیره در آن می گذاشتند. دسته جمعی دوش می گرفتند و دسته جمعی شام و نهار می خوردند. روز اول که گذشت روز دوم صبح راهنما به داخل آسایشگاه آمد و گفت که برای بازدید بایستی آماده باشند و تکلیف کرد که همه یونیفورم پوشیده و مرتب کنار تخت خود خواهند ایستاد و هیچگونه صحبت و سوالی نمی شود بلکه مورد خطاب قرار گیرند.

گل نم دیگر امیدش را از دست داده بود چون می دید هیچ اتفاقی که او بتواند شیرکوه را پیدا کند نیفتاده. ترس و ناامیدی سر تا پای وجود او را فرا گرفته بود. هر چند دختر با جرأتی بود لیکن نمیخواست که زندگی خودش را به خطر بیندازد.

همه داوطلب ها مرتب و منظم در ساعت مقرر در حالیکه همگی در طرف دست چپ تخت خود در یک ردیف ایستاده بودند و کارت هائی را که فقط اسم کوچک آنها و شماره گروه روی آن نوشته شده بود بر سینه داشتند. در این موقع مرد مسن و قد بلندی وارد آسایشگاه شد و در حالیکه داوطلبان را یکی یکی زیر نظر داشت جلوی هر کدام قدری تأمل میکرد، اسمش را به زبان می آورد، سری تکان می داد و رد

## جدول زندگی

سربازی آمده بود گفت: کار. محسن خندید و گفت: وام. یکی از آن وسط بلند گفت: وقت. یکی گفت: آدم. دوباره یکی دیگه گفت: خدا. خنده تلخی کردم و مداد را گذاشتم سر جایش اما فهمیدم هر کس جدول زندگی خود را دارد. هنوز به آن کلمه سه حرفی جدول خودم فکر میکنم...

شاید کودک پابرهنه بگوید کفش!  
کشاورز بگوید باران!  
لال بگوید حرف!  
ناشناوا بگوید صد!  
نابینا بگوید نور!  
ومن هنوز در فکر...

شما می توانید او را در همه جا پیدا کنید و در دل خودتان به او بخندید.

توی یک جمع بیحوصله ننشسته بودم. طبق عادت همیشگی مجله را برداشتم ورق زدم مداد لای آن را برداشتم همینکه توی دلم خواندم سه عمودی یکی گفت: بلند بگو. گفتم: یک کلمه سه حرفیه. از همه چیز برتر است. حاج آقا گفت: بول. تازه عروس مجلس گفت: عشق. شوهرش گفت: یار. کودک دبستانی گفت: علم. حاج آقا پشت سر هم گفت: بول، اگه نمیشه طلا، سکه. گفتم: حاج آقا اینها نمیشه. گفت: پس بنویس مال. گفتم: حاج آقا باز نمیشه. گفت: پس جاه. خسته شدم با تلخی گفتم: نه نمیشه. دیدم ساکت شد. مادر بزرگم گفت: عمر. سیاوش که تازه از

محصول سالهای سرگشتگی و تنهایی است و هیچکس او را دوست ندارد. با اینهمه

## ادامه مطلب کار می خواهی... از صفحه ۱۴۰

افزایش گزارش می شود. در کنار این آمار، مدیر کل اطلاعات و آمار جمعیت و مهاجرت سازمان ثبت احوال ایران اعلام کرده که سن ازدواج زنان و مردان ایرانی بالا رفته و به دنبال آن، میزان ناباروری به دلیل بالا بودن سن هم افزایش داشته است. همه اینها به این معنی است که بسیاری از زنان ایرانی که در سن باروری قرار دارند، خودخواسته بچه دار شدن را به تأخیر می اندازند چرا که معتقدند اولویت های آنها در زندگی تغییر کرده است. گروهی تحصیلات بیشتر، پیشرفت شغلی و دنبال کردن هدف های شخصی خارج از نقش های مادری را انتخاب کرده اند و گروه دیگری معتقدند که شرایط اجتماعی و اقتصادی در ایران اجازه نمی دهد که فرزندان بیشتری داشته باشند. نرخ باروری کل در ایران ۱.۸ است و متین می گوید با اینکه همیشه دوست داشته بچه دار شود، اما نمی تواند شش سال زحمتی را که برای تحصیل در رشته مورد علاقه اش کشیده فدا کند. او می خواهد قرارداد را همان طوری که رییس شرکت برایش فرستاده، امضا کند.

## ادامه مطلب نوشخند و... از صفحه ۱۷

سری به افسوس تکان میدهم و میگه: «پدر روزگار بسوزه که ما اون بالا بالاها بودیم و حال باید با هر بقال و چقالی سرمیز بنشینیم و به مزخرفاتشان گوش بدیم و بدتر از همه با او بریج بازی کنیم و به این پدر سوخته بازیم. انهم مائی که از شاه مملکت می بردیم.»  
شوهر محترم اخیراً دست بکار نوشتن خاطرات خود شده. اون رو برای همه میخونه و مژده انتشارش رو میدهم. او کتاب خودش رو «شاهد برای تاریخ» نام داده به قیاس فیلم «شاهد برای تعقیب» چارلز لافتون فقید. شوهر محترم دلخوره که چرا در مورد مساله ایران پرزیدنت اوپاما از رهنمودهای او استفاده نمی کنه. او مرتباً در جمع دوستان به اشاره و با پیچ و تاب دادن ابرو از مورد مشورت دائمی قرار گرفتن خود صحبت میکنه. به کاخ سفید، وزارت خارجه و پنتاگون اشاراتی داره و گاهی سر تکان میده و میگه: «در تلفن بهش گفتم قربان شما مثل شاه آنقدر این دست و آن دست نکنید. بزیند درب و داغونشون کنید. من این ایرانی های احمق نمک شناس را خوب می شناسم. با گاو و خر که نباید مدارا کرد.»  
شوهر محترم به خیال خودش همه چیز داره ولی هیچ چیز نداره. در مجالس و محافل دنبال گوش مجانی می گرده که خاطرات و افتخارات گذشته را نقل کنه. شوهر محترم

به گفته این مقام مسئول، هر سال در ایران یک میلیون و ۷۵۰ هزار بارداری اتفاق می افتد که یک میلیون و ۵۳۰ هزار مورد منجر به فرزندآوری و ۲۲۰ هزار منجر به سقط جنین می شود. این در حالی است که مطابق آمار وزارت بهداشت ایران، هر سال حدود شش هزار سقط جنین با مجوز پزشکی قانونی صورت می گیرد که با آمار ۲۲۰ تا ۲۵۰ هزار سقط جنین غیر قانونی فاصله زیادی دارد.

به نظر می رسد که با وجود همه برنامه ریزی ها و تشویق ها، سیاست افزایش جمعیت در ایران از جهت های مختلف به مشکل برمی خورد. یکی از جهت ها، آمار بالای زنانی است که به دلایل مختلف ازدواج نمی کنند. مطابق آمار، اکنون شش میلیون و ۶۰۰ هزار زن ۱۵ تا ۴۹ ساله ازدواج نکرده در ایران وجود دارد و از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳، میزان ازدواج هر سال نسبت به سال پیش از آن کمتر شده و در سال ۹۳ حدود ۴۰ تا ۴۵ هزار مورد نسبت به سال ۹۲ کاهش یافته است. همزمان، آمار طلاق هم در ایران رو به

همیشه باباشو به عنوان موجودی که هنرش فقط کشیدن سیفون و گرفتن فال ورقه می شناسه. بابا هم دل خوشی از این دختر نداره و همیشه به همسرش میگه: «این یکی به تو رفته. بی عرضه و دست و پا چلفتی درآمده.» شوهر محترم وقتی دو گیلاس میزونه و سرحال میاد شروع میکنه به تعریف خاطرات گذشته او معتقد که علت سقوط شاه گوش ندادن به اندرزهای ایشون بوده و بخصوص تاکید میکنه که «بارها و بارها هنگام بازی بریج اشتباهات اعلیحضرت را بهشون گوشزد میکردم ولی گوش ایشان به اندرزهای بنده بدهکار نبود و همین عدم توجه مملکت رو بیاد داد.»

شوهر محترم تقریب و نزدیکی خودشو با اعلیحضرت با این خاطره نقل میکنه: یک شب در مهمانی بزرگی که مرحوم هویدا هم حضور داشت، بعد از شام و موقع صرف درس، من قاشقم را در ظرف شیربرنج کردم و چند قاشقی خوردم. اعلیحضرت که پشت سر من ایستاده بودند دستی به شانه ام زدند و پرسیدند: «چطور است؟!». گفتم: «قربان عالی است. از یخ در بهشت مهمانی پرفسور عدل خیلی بهتر است.» بعد ایشان ظرف شیر برنج را جلو کشیدند و تا ته نوش جان کردند. بعد شوهر محترم اضافه می کنه که «لاید متوجه شدید که این همون ظرفی بود که من قاشقم را توی اون زده بودم.» بعد

## ادامه مطلب نظری بر نظرها... از صفحه ۶

او به خوبی بدعتها و بدایع نیما را در شعر دریافت و در مقاله‌های خود در مجله سخن با نظری مثبت آن را ارزیابی کرد، اما آنچه شعر نیما را در نظر او نادلیذیر می‌کرد زبان شعرش بود که ضعف تألیف گاه موجب ابهام و تاریکی در معنای آثار او می‌شد. ظاهراً همین موضوع خانلری را، با آن همه

تقدیر و اعتقادی که به روشنی و زیبایی زبان فارسی داشت، از درج شعر نیما در مجله سخن بازداشته بود و خشم نیما را دامن زده بود.

اما حقیقت این است که خانلری، با آن که از آوردن شعر نیما در مجله سخن اکراه داشت، نه تنها هرگز نام او را به زشتی نبرد، که از سهم نیما در ابتکار شعر نو به صراحت یاد کرد و بر کهنه ادیبان تاخت و اخوانیه‌ای را که در مدح او در جوانی سروده بود (نیمای عزیز برتر از جانم / نیمای سخنور سخندانم) در «سخن» آورد.

از این روست که اختلاف خانلری را با نیما که صرفاً اختلافی بود مبتنی بر یک سلیقه ادبی به مخالفت خانوادگی تعبیر کردن درست نیست، همچنان که سایه انتقادی را که محمدجعفر محبوب بر تصحیح او از غزل‌های حافظ نوشته ناشی از همکاری‌اش با خانلری در تصحیح حافظ می‌داند که درست نیست. حقیقت این است که تصحیح دیوان حافظ کار شخص شخیص خانلری است که بر اساس چهارده نسخه کهن سال‌های ۸۰۷ تا ۸۳۸ انجام گرفته و خانلری با کار بزرگ خود به بحث و جدل دستیابی به نسخه اصیل حافظ پایان داده است. اگر در این باره جای حرف باشد آن دیگر از موارد اختلافی است که شاید هرگز به توافق قطعی نرسد، زیرا منشاء اختلاف خود حافظ بوده که گاه بیتی را به ضرورت یا به مناسبت تغییر داده است. خانلری در «گزارش کار» خود روش تصحیح خود را به روشنی توضیح داده و از شاگرد خود راضیه مقصد که در کار نسخه‌برداری دیوان حافظ او را یاری داده یاد کرده است. در همین جا باید از نظر سایه درباره بهترین شرح‌هایی که بر حافظ نوشته‌اند یاد کنم. او شرح غزل‌های حافظ از حسینعلی هروی را بهتر می‌داند (ص ۱۰۹۷)، در حالی که به اعتقاد حافظ‌شناسان شرح بهاءالدین خرمشاهی در «حافظ‌نامه» از دیگر شرح‌ها عالمانه‌تر، درست‌تر و به ذهن و زبان حافظ نزدیک‌تر است.

## درباره فروغ فرخزاد

نظر سایه درباره تأثیر ابراهیم گلستان فیلمساز و نویسنده بر فروغ فرخزاد شاعر (ص ۹۷۹) شایعه بی‌اساس عوامانه‌ای است



فروغ فرخزاد

با صداقت و صراحت چگونگی رشد و تحول شعریش را بیان کرده است: «من متأسفم که کتاب‌های «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» را بیرون داده‌ام. افسوس می‌خورم که من چرا با «تولد دیگر» شروع نکرده‌ام... درباره موضوع شعر من به شما گفتم که شعر من با من پیش آمده است. در «اسیر»، «دیوار» و «عصیان» من فقط یک بیان‌کننده ساده از دنیای بیرونی بودم. در آن زمان شعر هنوز در من حلول نکرده بود، بلکه با من هم‌خانه بود، مثل شوهر، مثل معشوق، مثل همه آدم‌هایی که چند مدتی با آدم هستند. اما بعداً شعر در من ریشه گرفت و به همین دلیل موضوع شعر برابرم عوض شد. دیگر من شعر را تنها در بیان یک احساس منفرد درباره خودم نمی‌دانستم، بلکه هرچه شعر در من بیشتر رسوخ می‌کرد، من پراکنده‌تر شدم و دنیاهای تازه‌تری را کشف کردم.» [۳]

و در مصاحبه‌ای دیگر توضیح بیشتری می‌دهد: «من نیما را خیلی دیر شناختم و شاید به معنی دیگر خیلی به موقع. یعنی بعد از همه تجربه‌ها و وسوسه‌ها و گذراندن یک دوره سرگردانی و در عین حال جستجو. با شعری بعد از نیما خیلی زودتر آشنا شدم، مثلاً با شاملو و اخوان... در چهارده سالگی مهدی حمیدی و در بیست سالگی سایه و مشیری شعری ایده‌آل من بودند. در همین دوره بود که لاهوتی و گلچین گیلانی را هم کشف کردم و این کشف مرا متوجه تفاوتی کرد

مستقل شعر گواهی دهد. از این روست که منتقدان او آثارش را به پدرش، به بهار، به دهخدا، و حتی به شاعری صوفی موسوم به رونق‌علی شاه نسبت داده‌اند و زبان شعر او را نیز یادآور زبان شاعران قرن‌های گذشته از قبیل ناصرخسرو و انوری دانسته‌اند که به لحاظ بافت کلام به شیوه کهن گرایش دارد. به روی هم اثری از او در دست نیست



پروین اعتصامی

که پروین را به عنوان شاعری صاحب ذهن و زبان مستقل و حس و خیال اصیل نشان دهد و شعرش از زمانه او و «من شخصی و خصوصی او» حکایت می‌کند. به گفته مهدی اخوان ثالث: «این آزاده زن بزرگوار با آن همه شعر و سخن که دارد (حالا در چه شیوه‌ای است و سخنانش تا چه حد شعر است، تا کجا زاده طبع و قریحه خود او و کجاها اقتباس و پیروی در کار است، با سنن پیشینیان چه کرده است و ملاحظاتی از این قبیل همه اموری است بیرون از بحث ما) در دیوانی با پنج هزار بیت فقط یک دو جا است که از خودش حرف زده و من شخصی و خصوصی او از پس پشت شعرش خود می‌نماید و جلوه می‌کند. تازه در آن یک دو جا هم امری روحی و بشری و از جمله عمومیات عواطف آدمی در میان بوده، عواطف مشترک همگان. مثلاً مرثیه‌ای برای پدرش گفته یا لوحی برای مزارش یا در تقدیم نامه‌ای منظوم و بدایع روح و مواجید قریحه خود را به دست ما سپرده است.» [۵]

## درباره شهریار

داوری سایه درباره شهریار و شعر او صرفاً یک داوری مبتنی بر عواطف دوستانه شخصی است. این عواطف دوستانه تا آن جا پیش می‌رود که ارزش شعر شاعر غزل‌سرا را به اوج می‌رساند و او را شاعری بزرگ و جهانی هم‌تراز پابلو نرودا می‌داند (ص ۱۴۸). هیچ استدلالی نمی‌تواند این نظر سایه را توجیه کند، زیرا که طبعاً نظر او وابسته به ذوقیات و عواطف اوست. دنباله مطلب در صفحه ۵۵

و متوجه مسائلی تازه که بعداً شاملو در ذهن من به آنها شکل داد و خیلی بعدتر نیما که عقیده و سلیقه‌های تقریباً قطعی مرا راجع به شعر «ساخت» و یک جور قطعیتی به آن داد. من از دریافت‌های اوست که دارم استفاده می‌کنم، ولی از جهت دیگر، یعنی داشتن فضای فکری خاص و آنچه در واقع جان شعر است می‌توانم بگویم از او یاد گرفتم که چطور نگاه کنم.

... من اگر به این‌جا - که جایی هم نیست - رسیده‌ام فکر می‌کنم که تجربیات شخصی زندگی خودم عامل اصلی‌اش بوده. این را واقعاً صمیمانه می‌گویم. هیچ وقت نبوده که من آرزو کنم شعری مثل شعر نیما بگویم - پس خودم چی هستیم؟ - نه، نیما کامل بود و من کمال او را ستایش می‌کردم. من می‌خواستم آن انسان را در دنیای خودم بسازم... می‌خواهم بگویم که حتی بعد از خواندن نیما هم من شعرهای بد خیلی زیاد گفتم. من احتیاج داشتم که در خودم رشد کنم و این رشد زمان می‌خواست و می‌خواهد... به هر حال یک وقتی شعر می‌گفتم، همین‌طور غریزی در من می‌جوشید. روزی دو سه تا. توی آشپزخانه، پشت چرخ‌خیاطی. خلاصه همین‌طور می‌گفتم. چون همین‌طور دیوان بود که پشت سر دیوان می‌خواندم و پُر می‌شدم و چون پُر می‌شدم و به هر حال استعدادی هم داشتم، ناچار باید یک‌جوری پس می‌دادم. نمی‌دانم این‌ها شعر بودند یا نه، فقط می‌دانم که خیلی «هن» آن روزها بودند، صمیمانه بودند. و می‌دانم که خیلی هم آسان بودند. من هنوز ساخته نشده بودم. زبان و شکل خودم و دنیای فکری خودم را پیدا نکرده بودم. توی محیط کوچکی و تنگی بودم که اسمش را می‌گذاریم زندگی خانوادگی، بعد یک مرتبه از تمام آن حرف‌ها خالی شدم. محیط خودم را عوض کردم. یعنی جبرا و طبیعتاً عوض شد. «دیوار» و «عصیان» در واقع دست و پا زدن می‌آیوس در میان دو مرحله زندگی است. آخرین نفس زدن‌های پیش از یک نوع رهایی است.» [۴]

با این توضیحات صریح و دقیق به روشنی می‌توان عوامل تحول و تغییر را در شعر فروغ شناخت و نسبت دادن آنها به این و آن حاصل موهومات است.

## درباره پروین اعتصامی

سایه پروین اعتصامی را «عجوبه‌ای می‌خواند که در غوغای شعر نو فراموش شد.» (ص ۸۷۹). اما چرا این «فراموش‌شدگی» را ناشی از این واقعیت ندانیم که پروین شاعر اصیل زمانه خود نبود. به یاد بیاوریم هیچ اثری از پروین در دست نیست که به اصلتش در زنانگی، در تخیل و در زبان



## ادامه مطلب ورزش از نگاه من... از صفحه ۱۴

مالکیت توپ در حمله سخن گفت و خوب بازی کردن را یک وظیفه دانست. باید قادر بود که دریافت چه چیزهایی سبب می شود که یک تیم کارآئی لازم را نداشته باشد.

بازیکنان کلیدی چه کسانی هستند و آگاهی آنها از پستی که بازی می کنند چیست؟ چه زمانی مشکلات بیشتر می شود؟ و در چه منطقه ای از زمین این مشکلات ظهور می کند؟ اغلب در یک تیم خوب با یک سازمان تیمی قابل قبول بازیکنان برجسته قابل به درک این مشکل بوده و خود آن را برطرف می کنند.

وقتی ما قادر به درک و شناخت مشکلات تیم خود باشیم هدف های ما برای رفع آن به ما کمک می کند اما نیاز به دید، درک و بینش و دانش نزد مربیان و انتقال آن به بازیکنان همیشه سوال بزرگی است. یک مربی خوب هرروز و هر لحظه چیزهای تازه ای حتی از کسانی که در اطراف او هستند می آموزد.

رفتاری های شغلی در یک باخت اخلاقی می تواند تجزیه و تحلیل شود. فوتبال یک بازی است، یک علم نیست اما علوم دیگر مانند مدیریت، تجزیه و تحلیل آماری، روانشناسی، تغذیه، آمادگی جسمانی... می تواند عصای دست یک مربی باشند در یک تیم همواره برقراری انضباط تیمی، برقراری ارتباط ذهنی و روحی و جنگیدن با مشکلات برای برطرف کردن آنها از مشغله های فکری و درگیری شغلی یک مربی است. وظیفه شما به عنوان یک مربی ارتباط سالم و احترام آمیز دوطرفه خواهد بود. وقتی که سوال هایتان را به عنوان یک مربی مطرح می کنید باید به شخصیت بازیکنانتان احترام بگذارید. هنگامی که حساسیت یک بازی و فشار روحی و روانی در سطح بالائی است ترس از بد بازی کردن و گناه باخت را روی دوش احساس کردن از یک بازیکن خوب یک چهره بسیار ضعیف می سازد در حالیکه همین بازیکن در زمین تمرین مثال زدنی است.

در همین حال بازیکنانی هستند که ترس در قاموس آنها جایی ندارد. آنها همیشه برنده ها هستند، آنهایی که در تمرین نیز دوست ندارند ببازند.

حالا ورق یک فصل دیگر در فوتبال ایران ورق خورده است. کارشناسان مثل همیشه از این و آن صحبت می کنند. آیا کارشناسان مثل همیشه اشتباه می کنند؟

ما ندرتاً درباره آنچه که داریم فکر می کنیم، درحالیکه پیوسته در اندیشه چیزهایی هستیم که نداریم. (شوپنهاور)

## ادامه مطلب نظری بر نظرها... از صفحه ۵۴

انسان عصر ما را بازتاب دهد. بنابراین، در مورد شهریار می توان گفت که شهریار را با آن ذهن و زبان قدمایی نمی توان شاعر این عصر و زمانه دانست.

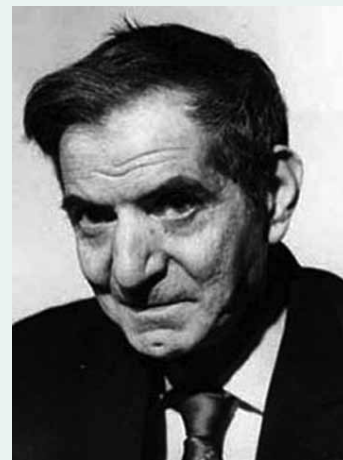
خلاصه کلام این که نظر سایه درباره شعر و شاعران همزمانش بر اساس معیارهای هنری و زیبایی شناسانه نیست و صرفاً جنبه عاطفی دارد. آنچه او درباره شعر شاعران گذشته ایران از رودکی و فردوسی و فرخی سیستانی می گوید اظهار نظرهایی تفتن آمیز است، برکنار از هرگونه نقد و ارزیابی سنجیده. از جمله این که درباره منوچهری می گوید: «شعرش عاطفی نیست... شعرش تصویر بیرونی شکل ظاهری اشیاء و طبیعت. طبیعت تو شعرش با واقعیت جور در نمی آید» (ص ۸۱۱) و درباره سنایی: «از حدیقه خیلی خوشم نمی آید. خشک و ملال آورده. غزل های قشنگی داره منتها کج و کوله است» (ص ۸۱۵) درباره ناصر خسرو: «خوب نیست. شعرش خیلی خشکه برای من... از جوانی وقتی شعر ناصر خسرو می خوندم حس می کردم یه بیانیه سیاسی روز از تو روزنامه می خونم» (ص ۸۱۴) درباره مثنوی مولوی: «بعضی جاهای مثنوی فوق العاده است و به دیوان شمس نزدیک شده. بعضی جاهام نه.. خشکه مطالبش... مثنوی خیلی بیت های درخشان داره که متأسفانه زیر انبوه حرف ها و «معارف» مولانا پنهان شده» (ص ۸۲۸)

از این اظهار نظرها می توان دریافت که سایه متون شعر شاعران گذشته را به تمامی و از سر حوصله و دقت خوانده. به هر متن سری زده، و ورقی خوانده که «نه هر کو ورقی خواند معانی دانست». به نظر می رسد سایه هم مانند بسیاری از شاعران امروز ایران (جز اخوان ثالث و شیبلی کدکنی) چندان رغبتی به خواندن متون قدیم فارسی نداشته است. به طور کلی او به گفته خودش «از ۱۳ سالگی تا ۳۰ سالگی کتاب می خوانده، بعداً تعدیل شد و حتی تعطیل شد، چون دیگه کتاب خواندن اذیت می کرد» (ص ۷۶)

از این روست که نظرهای سایه را درباره شعر شاعران قدیم و جدید نمی توان چندان جدی گرفت. اما شعر او را البته باید گرامی داشت که «بر چکاد بلندی ایستاده که نیازی به انکار دیگران ندارد».

- ۱- آخر شاهنامه، تهران، ۱۳۵۴، ص ۱۳.
- ۲- مجموعه مقالات، م. امید، تهران، ۱۳۴۹، ص ۷۶.
- ۳- از مصاحبه با مجله سپید و سیاه، فروغ فرخزاد، جاودانه زیستن، در اوج ماندن، به کوشش بهروز جلالی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۲۷.
- ۴- از مصاحبه با م. آزاد، پیشین، ص ۱۸۵ - ۱۸۸.

اما حقیقت این است که شهریار شاعر غزل سازی بود که غزل های او بیشتر مضامین غزل های قدیم شعر فارسی را به یاد می آورد. زبان او نیز «گاهی در حد فرودین زبان مردم عامی است»، اما از نظر سایه، «شهریار هرچه می گفت عالی بود... آن روزها دوره درخشان شعر شهریار بود. هرچه می گفت قشنگ بود...» و با تانی و لذت چند بیتی از او را می خواند:



شهریار

باز امشب ای ستاره تابان نیامدی  
باز ای سپیده شب هجران نیامدی

عیش دل شکسته عزا می کنی چرا  
عیدم تویی که من به تو قربان نیامدی

که سایه خود تعبیر «من به تو قربان» را ترکی می داند و به آن ایراد می گیرد. (ص ۱۰۶) با این همه سایه در غزل های شهریار که یادآور آثار شاعران عهد قاجار از قبیل مشتاق و عاشق و نشاط اصفهانی و وصال شیرازی است، «فورانی عاطفی» می بیند که حتی در سعدی هم نیست.

از جمله این «انفجارات عاطفی» بندی از «هذیان دل» است که شاعر را به گریه می اندازد:

ای سوخته از گنساہ مسادر  
در آتش جرم و جور بابا

لولو ممه برده و بغل سرد  
بی رحم نداده نسبه قاقا

چون صبح شود خدا کریم است

باز امشب هم چو بخت ماما  
لالای گل فرسوده لالای (ص ۱۳۶)

درباره شهریار و شعر او در خلاصه ترین شکل می توان گفت که او شاعر زمانه خود نبود. غرض از شاعر زمانه این است که در عصر امروز زندگی کند نه در عالم دیوان های شاعران قدیم. به عبارت دیگر شاعر امروز کسی است که معانی و حالاتی را بیان کند که زندگی واقعی امروزی به ذهن او القا می کند و تجربه های روحی

## ادامه مطلب اخلاق در ایران... از صفحه ۵

مردم با این رشته از ادبیات چنان علاقمند بودند که برای نیکی‌ها و بدی‌ها و تاثیر آنها و مقابله آنها با یکدیگر جدولها ترتیب داده بودند و آنها را به نوآموزان می‌آموختند و گاهی آنها را بصورت اوراد مذهبی می‌خواندند. پس از حمله عرب نیز که همه کتاب‌ها و نوشته‌ها از میان رفت، بیشتر کتب غیر مذهبی که با متون مذهبی بجای ماند

## ادامه مطلب با هادی... از صفحه ۹

هادی از غذاها به صبحانه، نهار و شام و افطار و سحری و کله پاچه بعد از اذان سحر علاقه خاصی دارد. یکی از دلخوشی‌های او و علت اقامتش در لندن مراقبتش از استوانه تاریخی کورس کبیر در بریتیش میوزیوم است. او با علاقه خاصی هر هفته به استوانه سر زده و یک بار به نگهبان موزه گفته «بدهید ببرم خانه خودمان مواظبش باشم.» شخصیت تاریخی محبوب او پرشانا خواهر زیبا و لوند خشایار شاه و شخصیت تاریخی مورد حسادت او شوهر پرشانا میباشد. از سیاستمداران حاضر هادی تا چند سال پیش به محمد مصدق علاقه مند بود ولی اخیراً از هیلاری کلینتون بیشتر خوشش می‌آید. روزنامه نگاری را خرسندی از روزنامه

## ادامه مطلب اصفهان بلوز... از صفحه ۱۶

از میان کسانی که «عطاران» بالاخره بعد از پوشیدن تاکسیدو و ورودش به محوطه فستیوال ملاقات می‌کند، «جیم جارموش» کارگردان آمریکایی دیگر است که در ایران شهرت زیادی دارد ولی او نیز بعد از شنیدن درخواست «عطاران» برای آدرس «اسپیلبرگ»، بی‌اعتنا به راهش ادامه می‌دهد ولی «عطاران» لحظه کمیک دیگری برای فیلمش ضبط می‌کند. از این لحظه‌ها در فیلم چندتای دیگر هم هست و فیلم را در حد ساخته‌ی طنزآمیز پیش می‌برد بی‌آنکه قصد داشته باشد فیلمی کم‌دی‌عرضه کند. بیشتر از این هم نه «عطاران»

## ادامه مطلب گیله مرد... از صفحه ۲۴

زنش آیدا روی زمین نشسته بود و مقواها را دادانه به دانه می‌گذاشت و بر می‌داشت و او از روی مقوا، جواب‌ها را می‌داد. فیلمبرداری که تمام شد، شاملو با چشمان بسته و خسته از این همه فشار و تلاش، به من رو کرد و گفت: کدام شعرم را برایت بخوانم. من هم گفتم همان را که بلدرچین را کباب می‌کنید! کلی خندید و شروع کرد خواندن. به برادرم اشاره کردم دوربین

## ادامه مطلب خاطرات در... از صفحه ۱۵

بعد از مکشی سوال کرد: خب به اعداد که رسیدید چه می‌کنید؟! یعنی چه فاصله فرضی از طرف چپ را باز می‌گذارید؟! عرض کردم: آخه یه کاریش می‌کنیم! خلاصه ما درست راستی هستیم و این‌ها به عکسش! راستی اگر به سلامتی عینکی خریده به صورت زیبایان زده باشید، من اگر باشم عرض می‌کنم بقدرعینک به شما می‌آید! ولی این ناقلها می‌گویند؛ چقدر به شما می‌رود! یکی از سرگرمی‌های آن دوران، سگ زنی بود و گربه را هم بخاطر دله دزدی کله اش را لای در اطاق «آچمز» می‌کردیم! ولی این جا سگ و گربه با شناسنامه جزو خانواده محسوب و عزت و احترامشان کم از اعضاء فامیل نیست! من منظره شلاق و زنجیر کلفت خرک چی‌ها و درشکه چی‌ها را هیچگاه فراموش نمی‌کنم که وقتی زنجیرش روی هوا بلند می‌شد حیوان بیچاره نخورده، چه پیچ و تاب‌ی به بدنش می‌داد. با مقایسه با مسئله حمایت حیوانات و آن اسب سیلی خورده، خود مقایسه بفرمائید... جشن عروسی را شبانه می‌گیریم و اینها

## ادامه مطلب سیر و سفری... از صفحه ۱۸

دست در دامتش فکند و به زاری از نام و مقامش پرسید: چو چشمش مست گشت از ساغر خواب به خوابش آمد آن غارتگر خواب به زاری دست در دامانش آویخت به پایش از مزه خون جگر ریخت که ای در محنت عشقت رمیده قرارم از دل و خوابم ز دیده که اندوه مرا کوتاهی ای ده ز نام و شهر خویش آگاهی ای یوسف در پاسخ عجز و لابه زلیخا چنین پاسخ داد:

## ادامه مطلب از در گوشی‌ها... از صفحه ۲۲

دریغ و افسوس که باعث و بانی گمراهی تو جوانان از تاریخ بی‌خبر می‌شود و ما خود دیگر جامعه پویائی قدیم نیستیم و راه چون و چرایمان سالهاست به بن بست رسیده که پذیرفته ایم و به جناح فرصت طلبان پیوسته ایم که در حالت انفعال از سرخوردگی و کینه توزی روز افزون و ملموس به تنگ نظران تملق پرست پیوسته ایم. و اما به رغم تغییرات و تحولات، هنوز اخلاق سنتی برتری دارد که یک خانم مسن یعنی مادر بزرگ و پیرخانواده زندگی را در خود





**Caroline Nasser**

**Accident Lawyer**

*Are you ready to hire? The steps you take now can mean the difference between a quality hire and a subpar one. As a small business owner, a poor hiring decision can have a significant impact on your bottom line. Here are nine mistakes to avoid when recruiting new employees:*

**Waiting until it's too late.** While you can't always plan for staffing needs, waiting until you desperately need to fill a position may lead to rash decisions. If you make a bad hire, filling the position a second time is more costly and time consuming. Project staffing needs by considering seasonal fluctuations in business, expected sales, and current performance.

**Overlooking the job description.** Prior to starting the recruiting process, develop a well-crafted job description for your open position. Job descriptions identify the essential functions and qualifications needed for the role. These are key elements for a job advertisement and for assessing whether applicants meet the minimum requirements for the job. If your company is growing and you have never hired for a particular job, use the HR411® Job Description Wizard to get started.

**Inflating job requirements.** If your requirements exceed those needed for the position, it may be difficult to fill the role. For example, not every job requires a bachelor's degree but many employers include it as a qualification regardless of the position. This may prevent otherwise qualified applicants from applying. Likewise,

## Recruiting Mistakes to Avoid 9

resist the urge to focus solely on prestige, such as experience at a big name company or a degree from an Ivy League college. Look carefully at the position and determine the job-related requirements needed.

**Failing to be competitive.** Review salary surveys to compare your company's pay data with other businesses similar in size, industry and location. If your company is unable to offer a high base salary, consider a mix of direct and indirect compensation. Direct compensation includes wages, salaries, commissions, and bonuses. Indirect compensation may include health insurance, paid time off, retirement plans, and commuter assistance. The right mix can help you attract (and retain) top talent while managing labor costs.

**Relying on one recruiting method.** Relying on one or two recruiting methods could limit the quality of your applicant pool and increase the time it takes to fill the open role. Consider a wide variety of recruiting methods that fit your budget, such as online job boards, posting jobs on your website and social media pages, or asking for employee referrals. If you're looking to fill a highly specialized role, consider using a professional recruiting firm or reach out to industry organizations.

**Neglecting to send rejection letters.** Once you have disqualified a candidate, inform him or her of your decision. While difficult to do, sending a rejection letter helps maintain goodwill with applicants. This is important if your needs change and you want to tap into former applicants for future openings.

**Excluding applicants based on protected characteristics.** Federal, state, and local laws protect individuals from discrimination on the basis of age, race, national origin, sex, religion, disability, and other protected characteristics. Some states and local juris-

dictions have also enacted laws protecting unemployed individuals from discrimination. Even if you operate in a state without such protections, it's not considered a best practice to have a policy of excluding anyone who isn't currently employed. Check applicable nondiscrimination laws to ensure compliance.

**Failing to involve superiors.** Direct supervisors generally know the requirements of the open role best and will likely train and work closely with the new hire. Involve supervisors in the hiring process, and consider their input when crafting job descriptions and making hiring decisions.

### Continued from Page 60

**Iran hosts...**

Others depict the group's attack on a pencil, the tool of cartoonists, as futile. And one drawing showed members of ISIS leaving their hearts and brains at the door. Exhibition may go to Iraq, Syria So, how to make sense of a country that calls itself "The Islamic Republic" holding a competition to see who can heap the most ridicule on a group that calls itself "the Islamic State"?

For one thing, Iran is predominately Shiite and ISIS is aggressively Sunni, so the two lie on opposite sides of the theological fault line that divides the Middle East.

And anyone who depicts ISIS as

**Failing to consider all factors.**

You want to bring someone on that matches your culture and shares your company's values. This is especially true for smaller companies where a single bad hire can have a significant impact on the business. In addition to assessing overall fit, take into account the job-related information you have obtained, weigh that information carefully, and choose the best match for your company. Regardless of the size of your business and your recruiting budget, have a plan in place before starting the hiring process. Investing the time upfront can help you to draw from a pool of qualified applicants and make well-informed hiring decisions.

the tool of the United States and Israelis is OK by the Iranians.

Organizers said the exhibition may be taken to Iraq and Syria, two countries where ISIS has seized control of significant amounts of territory.

While many cartoonists were pleased to participate, some of them were apparently a little spooked, as well, and traveled under false names.

Also, if they have cartoons on other topics, the cartoonists might have been well advised to leave them at home. Iran is listed by the Committee to Protect Journalists as one of the 10 most censored countries and one of the 10 biggest jailers of journalists worldwide.

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS  
 FREE CAR WASH COUPON  
 @  
 TOUCHFREEWASH.COM  
 OPEN 24 HOURS

**Continued from Page 59 Depression....**

Some people experience just a single depressive episode in their lifetime, but more commonly, major depression is a recurring disorder. However, there are many things you can do to support your mood and reduce the risk of recurrence.

***Dysthymia (recurrent, mild depression)***

Dysthymia is a type of chronic “low-grade” depression. More days than not, you feel mildly or moderately depressed, although you may have brief periods of normal mood. The symptoms of dysthymia are not as strong as the symptoms of major depression, but they last a long time (at least two years). These chronic symptoms make it very difficult to live life to the fullest or to remember better times. Some people also experience major depressive episodes on top of dysthymia, a condition known as “double depression.” If you suffer from dysthymia, you may feel like you’ve always been depressed. Or you may think that your continuous low mood is “just the way you are.” However, dysthymia can be treated, even if your symptoms have gone unrecognized or untreated for years.

***Bipolar Disorder: When Depression is Just One Side of the Coin***

Bipolar disorder, also known as manic depression, is characterized by cycling mood changes. Episodes of depression alternate with manic episodes, which can include impulsive behavior, hyperactivity, rapid speech, and little to no sleep. Typically, the switch from one mood extreme to the other is gradual, with each manic or depressive episode lasting for at least several weeks. When depressed, a person with bipolar disorder exhibits the usual symptoms of major depression. However, the treatments for bipolar depression are very different. In fact, antidepressants can make bipolar depression worse.

***Depression causes and risk factors***

Some illnesses have a specific medical cause, making treatment straightforward. If you have Type-1 diabetes, you take insulin. If you have appendicitis, you have surgery. Depression, however, is more complicated. Depression is not just the result of a chemical imbalance in the brain, and it’s not simply cured with medication. Experts believe that depression is caused by a combination of biological, psychological, and social factors. In other words, your lifestyle choices, relationships, and coping skills matter just as much—if not more so—than genetics. However, certain risk factors make you more vulnerable to depression.

***Causes and risk factors for depression***

- ♦Loneliness
- ♦Lack of social support
- ♦Recent stressful life experiences
- ♦Family history of depression
- ♦Marital or relationship problems
- ♦Financial strain
- ♦Early childhood trauma or abuse
- ♦Alcohol or drug abuse
- ♦Unemployment or underemployment
- ♦Health problems or chronic pain

***The cause of your depression helps determine the treatment***

Understanding the underlying cause of your depression may help you overcome the problem. For example, if you are depressed because of a dead end job, the best treatment might be finding a more satisfying career, not taking an antidepressant. If you are new to an area and feeling lonely and sad, finding new friends at work or through a hobby will probably give you more of a mood boost than going to therapy. In such cases, the depression is remedied by changing the situation.

***The road to depression recovery***

Just as the symptoms and causes of depression are different in different people, so are the ways to feel better. What works for one person might not work for another, and no one treatment is appropriate in all cases. If you recognize the signs of depression in yourself or a loved one, take some time to explore the many treatment options. In most cases, the best approach involves a combination of social support, lifestyle changes, emotional skills building, and professional help.

***Ask for help and support***

If even the thought of tackling your depression seems overwhelming, don’t panic. Feeling helpless and hopeless is a symptom of depression—not the reality of your situation. It does not mean that you’re weak or you can’t change! The key to depression recovery

is to start small and ask for help. The simple act of talking to someone face to face about how you feel can be an enormous help. The person you talk to doesn’t have to be able to fix you; he or she just needs to be a good listener.

Having a strong support system will speed your recovery. Isolation fuels depression, so reach out to others, even if you feel like being alone or don’t want to feel like a burden to others. The truth is that most people will be happy that you chose to confide in them; they’ll be flattered that you trust them enough to open up. So, let your family and friends know what you’re going through and how they can support you.

***Make healthy lifestyle changes***

Lifestyle changes are not always easy to make, but they can have a big impact on depression. Lifestyle changes that can be very effective include:

- ♦Cultivating supportive relationships
- ♦Getting regular exercise and sleep
- ♦Eating healthfully to naturally boost mood
- ♦Managing stress
- ♦Practicing relaxation techniques
- ♦Challenging negative thought patterns

***Build emotional skills***

Many people lack the skills needed to manage stress and balance emotions. Building emotional skills can give you the ability to cope and bounce back from adversity, trauma, and loss. In other words, learning how to recognize and express your emotions can make you more resilient.

***Seek professional help***

If support from family and friends, positive lifestyle changes, and emotional skills building aren’t enough, seek help from a mental health professional. There are many effective treatments for depression, including therapy, medication, and alternative treatments. Learning about your options will help you decide what measures are most likely to work best for your particular situation and needs.

***Are antidepressants right for you?***

Medication can help relieve the symptoms of depression in some people, but they aren’t a cure and they come with drawbacks of their own. Learning the facts about antidepressants and weighing the benefits against the risks can help you make an informed and personal decision about whether medication is right for you.

Effective treatment for depression often includes some form of therapy. Therapy gives you tools to treat depression from a variety of angles. Also, what you learn in therapy gives you skills and insight to prevent depression from coming back.

Some types of therapy teach you practical techniques on how to reframe negative thinking and employ behavioral skills in combating depression. Therapy can also help you work through the root of your depression, helping you understand why you feel a certain way, what your triggers are for depression, and what you can do to stay healthy.

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS  
FREE CAR WASH COUPON  
@  
TOUCHFREEWASH.COM  
OPEN 24 HOURS



## Depression Symptoms & Warning Signs

### *How to Recognize Depression Symptoms and Get Effective Help*

The normal ups and downs of life mean that everyone feels sad or has “the blues” from time to time. But if emptiness and despair have taken hold of your life and won’t go away, you may have depression. Depression makes it tough to function and enjoy life like you once did. Just getting through the day can be overwhelming. But no matter how hopeless you feel, you can get better. Understanding the signs, symptoms, causes, and treatment of depression is the first step to overcoming the problem.

#### *What is depression?*

Sadness or downswings in mood are normal reactions to life’s struggles, setbacks, and disappointments. Many people use the word “depression” to explain these kinds of feelings, but depression is much more than just sadness. Some people describe depression as “living in a black hole” or having a feeling of impending doom. However, some depressed people don’t feel sad at all—they may feel lifeless, empty, and apathetic, or men in particular may even feel angry, aggressive, and restless. Whatever the symptoms, depression is different from normal sadness in that it engulfs your day-to-day life, interfering with your ability to work, study, eat, sleep, and have fun. The feelings of helplessness, hopelessness, and worthlessness are intense and unrelenting, with little, if any, relief.

#### *Are you depressed?*

If you identify with several of the following signs and symptoms, and they just won’t go away, you may be suffering from clinical depression.

♦you can’t sleep or you sleep too much ♦you can’t concentrate or find that previously easy tasks are now difficult ♦you feel hopeless and helpless ♦you can’t control your negative thoughts, no matter how much you try ♦you have lost your appetite or you can’t stop eating ♦you are much more irritable, short-tempered, or aggressive than usual ♦you’re consuming more alcohol than normal or engaging in other reckless behavior ♦you have thoughts that life is not worth living (seek help immediately if this is the case)

#### *What are the signs and symptoms of depression?*

Depression varies from person to person, but there are some common signs and symptoms. It’s important to remember that these symptoms can be part of life’s normal lows. But the more symptoms you have, the stronger they are, and the longer they’ve lasted—the more likely it is that you’re dealing with depression. When these symptoms are overwhelming and disabling, that’s when it’s time to seek help.

#### *Signs and symptoms of depression include:*

**Feelings of helplessness and hopelessness.** A bleak outlook—nothing will ever get better and there’s nothing you can do to improve your situation.

**Loss of interest in daily activities.** No interest in former hobbies, pastimes, social activities, or sex. You’ve lost your ability to feel joy and pleasure.

**Appetite or weight changes.** Significant weight loss or weight gain—a change of more than 5% of body weight in a month.

**Sleep changes.** Either insomnia, especially waking in the early hours of the morning, or oversleeping (also known as hypersomnia).

**Anger or irritability.** Feeling agitated, restless, or even violent. Your tolerance level is low, your temper short, and everything and everyone gets on your nerves.

**Loss of energy.** Feeling fatigued, sluggish, and physically drained. Your whole body may feel heavy, and even small tasks are exhausting or take longer to complete.

**Self-loathing.** Strong feelings of worthlessness or guilt. You harshly criticize yourself for perceived faults and mistakes.

**Reckless behavior.** You engage in escapist behavior such as substance abuse, compulsive gambling, reckless driving, or dangerous sports.

**Concentration problems.** Trouble focusing, making decisions, or remembering things.

**Unexplained aches and pains.** An increase in physical complaints such as headaches, back pain, aching muscles, and stomach pain.

#### *Depression and suicide risk*

Depression is a major risk factor for suicide. The deep despair and hopelessness that goes along with depression can make suicide feel like the only way

to escape the pain. If you have a loved one with depression, take any suicidal talk or behavior seriously and learn to recognize the warning signs.

#### *Warning signs of suicide include*

- ♦Talking about killing or harming one’s self
- ♦Expressing strong feelings of hopelessness or being trapped
- ♦An unusual preoccupation with death or dying
- ♦Acting recklessly, as if they have a death wish (e.g. speeding through red lights)
- ♦Calling or visiting people to say goodbye
- ♦Getting affairs in order (giving away prized possessions, tying up loose ends)
- ♦Saying things like “Everyone would be better off without me” or “I want out”
- ♦A sudden switch from being extremely depressed to acting calm and happy

#### *The different faces of depression*

Depression often looks different in men and women, and in young people and older adults. An awareness of these differences helps ensure that the problem is recognized and treated.

#### *Depression in men*

Depression is a loaded word in our culture. Many associate it, however wrongly, with a sign of weakness and excessive emotion. This is especially true with men. Depressed men are less likely than women to acknowledge feelings of self-loathing and hopelessness. Instead, they tend to complain about fatigue, irritability, sleep problems, and loss of interest in work and hobbies. Other signs and symptoms of depression in men include anger, aggression, violence, reckless behavior, and substance abuse. Even though depression rates for women are twice as high as those in men, men are a higher suicide risk, especially older men. Learn more.

#### *Depression in women*

Rates of depression in women are twice as high as they are in men. This is due in part to hormonal factors, particularly when it comes to premenstrual syndrome (PMS), premenstrual dysphoric disorder (PMDD), postpartum depression, and perimenopausal depression. As for signs and symptoms, women are more likely than men to experience pronounced feelings of guilt, sleep excessively, overeat, and gain weight. Women are also more likely to suffer from seasonal affective disorder. Learn more.

#### *Depression in teens*

While some depressed teens appear sad, others do not. In fact, irritability—rather than depression—is frequently the predominant symptom in depressed adolescents and teens. A depressed teenager may be hostile, grumpy, or easily lose his or her temper. Unexplained aches and pains are also common symptoms of depression in young people. Left untreated, teen depression can lead to problems at home and school, drug abuse, self-loathing—even irreversible tragedy such as homicidal violence or suicide. But with help, teenage depression is highly treatable. Learn more.

#### *Depression in older adults*

The difficult changes that many older adults face—such as bereavement, loss of independence, and health problems—can lead to depression, especially in those without a strong support system. However, depression is not a normal part of aging. Older adults tend to complain more about the physical rather than the emotional signs and symptoms of depression, and so the problem often goes unrecognized. Depression in older adults is associated with poor health, a high mortality rate, and an increased risk of suicide, so diagnosis and treatment are extremely important.

#### *Postpartum depression*

Many new mothers suffer from some fleeting form of the “baby blues.” Postpartum depression, in contrast, is a longer lasting and more serious depression triggered, in part, by hormonal changes associated with having a baby. Postpartum depression usually develops soon after delivery, but any depression that occurs within six months of childbirth may be postpartum depression. Learn more.

#### *What are the types of depression?*

Depression comes in many shapes and forms. The different types of depression have unique symptoms, causes, and effects. Knowing what type of depression you have can help you manage your symptoms and get the most effective treatment.

#### *Major depression*

Major depression is characterized by the inability to enjoy life and experience pleasure. The symptoms are constant, ranging from moderate to severe. Left untreated, major depression typically lasts for about six months.

*Continued on Page 58*

## Iran's homegrown treasure: The spice that costs more than gold

*It is the most expensive and sought after spice in the world, commonly known as red gold.*

CNN-At \$65 per gram for the highest quality crop, Saffron can actually cost even more than the precious metal. Its value has been kept permanently high by labor-intensive harvesting methods that require

often paying for goods in shipments of food and consumer goods. But despite the difficulties, Rowhani has been able to maintain exports of 50 kilograms a month by reorienting his business to new



around 200,000 delicate red strands to be hand-picked from 70,000 Crocus Sativa flowers for each pound.

The undisputed capital for saffron production is Iran, where the tradition dates back over 3,000 years. The country produces over 90% of the 250 tons produced worldwide each year, boosted by unique ecological conditions that deliver a strong-flavored, aromatic crop that is a staple of local cuisine, cosmetics and traditional medicine.

But business has been made harder for traders in recent years. The international sanctions implemented over the country's nuclear program have blocked access to the previously lucrative markets of Europe, the USA and Canada. Iranian companies and banks have been locked out of the global financial system.

### Adapting to isolation

"We can't use banks," says Mehrdad Rowhani, CEO of Saffron Rowhani in Khorosan, the province which produces over 70% of Iran's crop. "We have to go through private messengers, who are expensive, and deal directly with customers and trust they will pay us. Sometimes they cheat."

Other Iranian companies have even reverted to the barter economy to circumvent banking restrictions, with Chinese and Indian partners

markets in the Gulf and Middle East. Across the Iranian saffron industry as a whole, exports rose by 36% in 2014, according to Iran's

National Saffron Council, and the price per kilo has risen slightly to around \$2,000 per kilo.

"Traders are very clever and when a door is closed they go through the window," says Ali Sheikh, the London representative of Iran Hassos Ltd, and a founding member of the British Iranian Chamber of Commerce. "None of the traditional items (including pistachios and saffron) remain unsold. The demand is greater than supply." Despite losing over \$7 million a year in sales to the UK, Iran Hassos Ltd maintained a turnover of \$48 million in 2014, similar to the pre-sanctions level, says Sheikh.

### Fueling the competition

The traders can still reach the West, by going through middlemen in countries such as the United Arab Emirates, although this has the downside of boosting competitors.

"Afghanistan cultivate the stock they get from Iran, give it an original certificate and supply it to buyers," says Sheikh. "Saffron that comes to Spain is mixed with Spanish saffron and sold."

By some estimates as little as 1% of "Spanish" saffron is grown in the country. But despite these developments, Sheikh and other producers remain confident that the unique quality of the Iranian spice will maintain its position as

## Iran hosts anti-ISIS cartoon competition

*(CNN)Political cartoonists from around the world are flying into Iran, not exactly a bastion of free speech, to take part in a competition featuring anti-ISIS cartoons. Can this be the same country that hosted a competition for cartoons that questioned the Holocaust? Well, yes, it can.*

And believe it or not, it is possible to criticize ISIS -- the barbaric group also known as ISIL and the Islamic State that is aiming to create a caliphate in the Middle East -- without actually making sense. Some of the cartoons submitted as part of the contest, for example, depict ISIS as a puppet whose strings are pulled by none other than the United States and Israel.

According to Press TV, an Iranian channel. And 270 were chosen for the competition.

"ISIL tries to associate itself with



The contest called for cartoons showing "crimes committed by the Islamic State." The winners will be selected on Sunday.

Cartoons submitted from around the world

More than 1,000 drawings from around the world were submitted from places as far-flung as Italy, the UK, Peru and Australia, ac- the gold standard.

The industry is also seeking to develop through new technologies and applications from saffron gum to medical treatments. The Iranian government has announced plans to encourage new areas for cultivation to increase the crop.

Should the international sanctions be lifted, as has been suggested

Islam but in essence has no idea about Islam," Massoud Shojael Tabataai, a graphic artist who is a member of the jury, told Press TV. Some of the cartoons submitted show ISIS destroying historical artifacts, as the group has done in places like Mosul, in northern Iraq.

### Continued on Page 57

by the recent P5+1 talks, the new problem would likely be rocketing prices as demand greatly increased. Western companies are already lining up to invest in the putative new market, and saffron assets will be highly prized.

In this scenario, Iranian traders would be richly rewarded for their resilience.

3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS  
FREE CAR WASH COUPON  
@  
TOUCHFREEWASH.COM  
OPEN 24 HOURS



# رستوران سنتی ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

## SUNDAY BRUNCH

روزهای یکشنبه با بوفه کامل  
رستوران سنتی ساقی مهمان ما باشید

بوفه کامل ۱۴,۹۹ دلار

نان تازه تافتون با کباب داغ

شش روز هفته ناهار را با انواع غذاهای  
خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید

بوفه کامل ۱۰,۹۹ دلار



رستوران ساقی مجهز به  
کادر ورزیده **کیترینگ**،

به جشنها و میهمانی های شما  
جلوه بیشتری می دهد!

**Catering Saaghi**

*Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.*

**(408) 998-0122**

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ [www.saaghi.com](http://www.saaghi.com)



Caroline Nasser  
Attorney at Law

## کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،  
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت  
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،  
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: [cnasser62@yahoo.com](mailto:cnasser62@yahoo.com)

Fax: (408) 278-0488

Website: [carolinenasserilaw.com](http://carolinenasserilaw.com)

675 North First Street, San Jose, CA 95112